

مدرسہ  
و  
اجتماع

ترجمہ  
مشفق ہمدانی

تالیف  
جان دیوینی





جان ديونى

# فہرست مندرجات

صفحہ

-	مقدمہ معلم آفای دکترا احمد علی آبادی
الع	مقدمہ مترجم
۱	فصل اول - مدرسہ و پیشرفت اجتماعی
۲۶	فصل دوم - مدرسہ و زندگی گوڈلک
۵۷	فصل سوم - صایعات تعلیم و تربیت
۷۸	فصل چہارم - روانشناسی تعلیمات ابتدائی
۹۶	فصل پنجم - اصول تربیتی فرول <i>Froebel</i>
۱۱۰	فصل ششم - رواشناسی کار
۱۱۶	فصل ہفتم - پرورش دقت

## مقدمه

وارد بیان شخصیت و شرح زندگی جان دیوئی استاد عالیقدر فلسفه تعلیم و تربیت میشوم زیرا آقای مشفق همدانی این زحمت را متقبل شده و حوب از عهده آن بر آمده اند. تنها منظور انجام امر دوستانه ایشان است که این چند سطر را می نویسم.

آقای مشفق همدانی با اطلاع از اینکه من چند سال در کشور آمریکا تحصیل کرده و افتخار فرا گرفتن علم فلسفه در مکتب دکتر کلباتریک بررگترین شاگرد و همسر فلسفه رئالیسم پرگماتیسم را داشته و سحرآیهای جان دیوئی را شنیده ام از من خواستند شمه ای متناسب با ترجمه این کتاب و فلسفه مشروح آن بگذارم و با کمال خوشوقتی این امر دوستانه را در حدود وسع خود (لا ینکف الله بهما الاوسعها) انجام می کنم.

در فلسفه تربیتی جان دیوئی چند کلمه و هر یک با معنای خاص همیشه با هم بکار برده شده است مانند مدرسه، خانه، اجتماع، احتیاجات، تعبیرات و نظایر آن و باینوسیله این استاد بررگوار می خواهد برساند که این عوامل نباید در رشد و بهت و تکامل ما هم همدوش و قریب باشند و تمام آنها باید یک جامعه مترقی برای تمام فرزندان یک آب و خاک و حتی نوناوگان یک نسل بوجود آورند و با نفیوت همه اشتراکی و اجتماعی و با ایجاد و تحکیم حس همکاری و وحدت اعتلای مدن را فراهم سازند. صرف نظر از فرهنگ یا سازمان محیط اجتماعی، قدمت نوع تمدن یا سوانق تاریخی، مردم امروز در یک دیبای دیبایک متعیری زندگی



« علت و چرا » که موجب بروز آن نتایج شده است اهمیت دارد. بنابراین لازم است که در این قبیل مطالعات « اثر و مؤثر » و « وسیله و عایه » و « عمل و نتیجه » با توجه بروابط آنها با یکدیگر مورد مذاقه و امعان نظر واقع گردد زیرا این عوامل و روابط آنها معنی و ارزش اساسی تمدن بشر را تقلیل میدهد.

وقتی دقت کنیم می بینیم که هر تمدن و فرهنگ و اجتماع دستجات عصریست که از احراء مختلف ترکیب شده و مجموع آن يك تمدن و يك فرهنگ و يك جامعه را از تمدن و فرهنگ و جامعه دیگر متمایز میسازد و يك ملل عمارتست از موجود هر کب رنده ای که رفته رفته طی قرون تغییر مییابد و کم کم با شرایط موجود پیشرو می کند و بطور مداومت بتدریج با زمان پیش میرود اما موضوع « تغییر » و « مداومت » و « پیشرو » در حه ایست با بمعنی که کلیه ملل روی زمین بحکم طبیعت تغییر پیدا می کنند و پیش میروند و مداومت دارند لکن درجات تغییر و مداومت و پیشرو در آنها یکسان نیست.

این نکته را باید در نظر داشت که هر ملت صرف نظر از عظمت و کمی قدرتی که ممکن است داشته باشد بقدر خود و در حدود شرایط موجودش کمک کوچک یا معلومی در پیشرفت عمومی تمدن بشر میسازد البته تفهیم این موضوع بالهام و درك ساختمان روحی آن دسته و ملت بستگی دارد. ما بر این بشر باید یاد بگیرد که بهر ملت و هر دسته و هر فرد بقدر لیاقت آنها و برای خاطر همان مشارکت ها احترام بگذارد تا در مقابل نتواند از دیگران بهمان علل انتظار احترام داشته باشد.

« جان دیوئی » فیلسوف بکتای عصر حاضر نکات فوق را در کتاب خود تشریح کرده و سعی نموده است ثابت کند که مدرسه از جامعه دور نیست و

میکنند يك ارتباط دائمی بین این دو یعنی انسان و محیط وجود دارد . البته محیط مستقل و بی نیاز از انسان است لکن انسان از محیط جدا نیست و بدان احتیاج کامل دارد بشر دائماً با محیطش در مفاصل است و سعی میکند جای آنکه از قوای طبیعت جداگانه و اغای استعاده نماید آنرا در حدود امکان معلوم کند بدیهی است که قوای طبیعت در صورتی که عاقلانه مورد استعاده واقع شود نتیجه مفید میدهند و موفقی که با عدم عمل مورد استعمال و منع گردند نتیجه مصرح خواهد بخشید

حرکات و رفتار بشری تظاهرات عملی قوایی است که طبیعت در نهاد او گذارده و با آن دنیا آمده است این عوامل و استعدادها قوایی هستند که چنانچه عاقلانه مورد استعاده قرار گیرند مفید و در غیر آن صورت مصرح برای خود و جامعه خواهد بود هدایت و راهنمایی مؤثر میتواند حقیقت سیر این قوی را تغییر دهد و از فساد اصلاح و از ضلالت بصراط مستقیم رهبری نماید و متقابلاً باید متذکر بود که محیط بدبیر بهمان اندازه و تناسب در عرصه نهال حواصل ردیله در بشر تأثیر دارد در این صورت طبیعت هر حکومت صالح آنست که عوامل مجرب را که موجب اصلاح حال جامعه و انهدام يك ملت است بهر نحو و از هر راه که ممکن و متصور باشد بفرمانده از این سرد و احاره بدهد که یونان و گران آن کشور که مسئولین و علمدان تمدن آنتی آن مرز و بوم و وارث تمدن ملی هستند تحت تأثیر آنها قرار گیرند و بتدریج ورشکستگی اخلاقی آن ملت را با بوق و کرنا بر سر کوی و بازارهای داخلی و خارجی اعلام نمایند مجری و نحوه عمل تاریخ يك ملت شاهد و مطهر این حقیقت غیر قابل انکار است که قوای ملی در گذشته چه بوده و آن قوی چطور بکار برده شده و چه نتایجی از آن مأخوذ است « چه » و « چطور » ریاض مهم نیست بلکه



## مقدمه مترجم

استقبال شایانیکه فرهنگ دوستان و دانش پژوهان از کتاب «مدرسه و شاگرد» تألیف برگزین فیلسوف تربیتی معاصر «خان دیوئی» مودند و تجدید چاپ این کتاب در چند هزار نسخه تنها سه ماه پس از انتشار چاپ اول واز همه مهمتر بشوین و تقدیر دوستان فاضل وارحمند مرار آن داشت که باوجود ریادی کار در ترجمه یکی دیگر از آثار داشمد نرک امریکائی که مکمل مدرسه و شاگرد باشد و حواسدگان ایرانی را بیشتر با افکار دربار وی آشنا کند همت گمارم

حوشمختانه این بار بیرحمات آقای دکتر عیسی صدیق وریر فرهنگ وقت که نخستین راهمای من در استفاده از اندیشه های گوهر بار فیلسوف شهیر امریکائی بودند و همچنین حبات آقای دکتر سیاسی رئیس محترم دانشگاه از هیچگونه کمکی در تسهیل کار من مصایبه نرمودند و شورای عالی فرهنگ را که حوشمختانه بتأثیر مطلوب «مدرسه و شاگرد» در افکار فرهنگ دوستان بیک پی برده بود ترعیب بمساعدت لازم نامن در انجام این خدمت نرک فرهنگ مودند و اینک که دومین اثر فیلسوف عالیقدر امریکائی در کمتر از یکسال بر بان فارسی ترجمه میشود و در دسترس علاقمندان قرار میگردد وطیبه خویش میدانم که بار دیگر از فرهنگ دوستی آقایان دکتر صدیق و دکتر سیاسی و همچنین اعضای روشنفکر شورای عالی فرهنگ که در این محیط ادیب کش و سفله پرور تاجائی که میسر است از خدمت فرهنگ دریع ندادند سپاسگزاری نمایم

شاگرد یکی از افراد جامعه میباشد که تقدیر لیاقت و استعدادش باید مورد احترام قرار گیرد و مدرسه حدیث کامل بخرج دهد که استعداد هر فرد را استخراج و با راهنمایی مؤثر از قوائمی که طبیعت در نهادش گذارده است حد اعلائی استعداده از وی بشود و او را يك فرد مفید جامعه نموده و تحویل جامعه دهد

این استاد بزرگوار موفقیت فرد را در جامعه و اعتلائی يك ملت را در دنیا و بهبود وضع بشر را در این عالم نتیجه اعمال اصول دموکراسی در تعلیم و تربیت و توأم ساختن علم و عمل در مدارس و بکار بردن ممانی تعبیر و مداومت و پیشرفت با توجه بمقتضیات و احتیاجات زمان و مکان که بر جامعه حکم فرماست در مدرسه دانسته و معتقد است که مدرسه نباید از اجتماع دور بماند

این مطالب را که حاوی دیوئی با طرز مطلوبی تشریح نموده است آقای مشفق همدانی با اسلوب شیوایی نرحمه و نتیجه رحمت خود را در دسترس خواننده گذارده است - شخصاً تألیفات و ترجمه های آقای مشفق را خوانده بودم و رویه ایشان را در تراجم قلبی و مقالات مطبوع و مطلوب یافته ام مخصوصاً که طرز تحریر ایشان برای خاص و عام قابل استعداده و فهم است و کمتر از نویسندگان ما این خصوصیت قلمی را دارند - در هر حال امیدوارم که رحمت آقای مشفق همدانی مورد توجه علاقه ممدان تعلیم و تربیت واقع و با تشویق این نویسنده از قلم و دانش ایشان بیشتر

استعداده نماید

دکتر احمد علی آبادی

۲۳ تیر ماه ۱۳۲۷

## شرح حال جان دیوئی

تصدیق کلیه فیلسوفان و علمای تربیتی عصر حاضر هیچ يك از دانشمندان سده اخیر مانند جان دیوئی در دنیا عموماً و در امریکا خصوصاً در جهان فلسفه و تعلیم و تربیت کسب اهمیت نکرده و افکارش انقلابی و پر برکت بوده است. از سال ۱۸۸۷ اندیشه های این مرد بزرگ جوش و خروش در جهان ایجاد کرده است که روز بروز رشد و دامنه آن افزوده میشود.

جان دیوئی افکار گوهر بار خویش را در ساره مسائل فلسفی و تربیتی و اجتماعی بوسیله صد ها مقاله و کتاب و سخن رانی در امریکا شرح داد و بک بهت بزرگ تربیتی ایجاد نمود که امواج آن از مرزهای امریکا تجاوز نموده بتدریج دیوار آفریقا گروت دیوئی میگوند. فلسفه باید تبدیل بوسیله ای برای تشخیص دردهای اجتماعی و درمان آنها گردد. او نیروی فکر بشر برای ایجاد اجتماع بهتری ایمان دارد اما مخصوصاً در جهان تعلیم و تربیت است که فلسفه جان دیوئی معجز کرده و نتایج گراسهائی بار آورده است.

مورخان معاصر بر آمد که سال ۱۸۵۹ که جان دیوئی با بهره و خود گذاشت یکی از حساس ترین سالهای تاریخ قرون اخیر است. در این سال حوادث متعددی روی داد که در تاریخ فرهنگی دنیای باختر اثر عمیقی بخشید. این حوادث مهم عبارت از انتشار کتاب کارل مارکس بنام «انتقاد اقتصاد سیاسی» و کتاب جان استوارت میل **John Stuart Mill** نام «آزادی» و کتاب چارلز داروین در باره «منبع جنس ها» و تولد هاولوک الین **Havelock Ellis** و **Henri Bergson** در اروپا و بوجود

اما راجع به «مدرسه و اجتماع» که معروفترین کتاب جان دیوئی  
شمار می‌رود لازم است توضیحات چندی را برای روشن شدن ذهن  
خوانندگان عزیز بعرض برسانم  
نخست اینکه کتاب «مدرسه و اجتماع» را بر خلاف کتاب «مدرسه و  
شاگرد» که از متن فراسوی ترجمه کردم از متن انگلیسی ترجمه کرده‌ام  
و با وجود اینکه تصدیق کلیه استادان زبان خان دیوئی اشائی دشوار  
دارد سعی کرده‌ام در ترجمه این کتاب نیز مانند «مدرسه و شاگرد» درحین  
پیروی کامل از اصل متن، افکار فیلسوف بررگ تربیتی امریکارا حتی المقدور  
بربان ساده و سلیس پارسی درآورم تا دانش پژوهان ایرانی از آن منتهای  
استفاده را سمایند

دوم اینکه چون کتاب «مدرسه و اجتماع» بیشتر برای امریکاییان  
نوشته شده است از بعضی قسمتهای مختصری که مربوط به تشکیلات مدارس  
امریکا است و قابل تطبیق با اوضاع ایران نیست و سودی بر وجود آن  
مترتب نتواند بود صرف نظر کرده‌ام

سوم اینکه از ترجمهٔ يك فصل آن تحت عنوان «هدف تدریس  
تاریخ در آموزشگاه» خودداری کرده‌ام زیرا عین این فصل در کتاب  
«مدرسه و شاگرد» ترجمه و چاپ شده است و تجدید چاپ آن در «مدرسه  
و اجتماع» بنظر من زائد آمد

چهارم اینکه برای تکمیل اطلاعات علاقه‌مندان به حال دیوئی  
شرح مبسوط زندگی این فیلسوف عالیقدر را که هنوز هم در قید حیات  
است از موثق‌ترین مدارك جدید و تازه‌ترین منابع امریکائی استخراج  
نموده و در معرض استفاده خواستگان عزیز گذاشته‌ام و ما برای  
یقین دارم دانش پژوهان ایرانی از این کتاب استفاده کامل خواهند کرد

اوایل سیتی (بنسیلووایا) در دبیرستانی که ریاست آن را دختر عمویش عهده‌دار بود تدریس پرداخت و در این حال مطالعات فلسفی خویش ادامه داد و برای مهمترین مجلات فلسفی امریکا شروع نگارش مقالات فلسفی بر معری نمود

در اواخر سال ۱۸۸۲ جان دیوئی مبلغ پانصد دلار از عمه‌اش وام گرفت و داخل در دانشگاه اکشافی جاس هاپکینز Johns Hopkins که تازه تأسیس یافته بود گردید و در آنجا تحت تسلط جرج سیلوستر موریس قرار گرفت و این استاد او را با افکار هگل فیلسوف شهیر آلمانی و مکتب انگلیسی بیروان حدید هگل آشناساخت سیدی هو Sidney Hoo علت دلماحتگی دیوئی را با افکار هگل ناشی از مخالفت فیلسوف بررک آلمانی با هر نوع دوئیت و علاقه شدید وی با افکار صریح و اصول استوار و ایمان او بنداومت بین ماده و زندگی و زندگی و روح و روح و حامه میداند بطوریکه حتی ده سال بعد که دیوئی از فلسفه هگل روگردان گردید همور ارزش این افکار را تصدیق میکرد.

در سال ۱۸۸۴ جان دیوئی پس از تحصیل عنوان دکتری در فلسفه از دانشگاه میشیگان مشغول کار شد و تا سال ۱۸۸۸ بحسب عنوان دبیر و سپس بعنوان دانشیار تدریس فلسفه پرداخت در سال ۱۸۸۷ بحسب کتاب جان دیوئی نام «روانشناسی» انتشار یافت این کتاب دیوئی را در زمره کسانی در آورد که برای تجزیه روانشناسی از فلسفه و تحکیم پایه آن بعنوان یک علم مستقل کوشش فراوان نمودند

در سال ۱۸۸۸ دیوئی بدانشگاه مینیسوتا Minnesota انتقال یافت لکن سال بعد به میشیگان بازگشت تا بجای دوستش پرفسور مریس کرسی فلسفه را اشغال کند شش سال بعد ویلیام هارپر رئیس دانشگاه شیکاگو

آمدن جان دیوئی در بیستم اکتبر این سال در بورلینگتن واقع در ورهمون است. با اینحال جان دیوئی در دوران کودکی از لحاظ نوع و هوش سرشار چندان حلت توجه نکرد.

پدرش ارجیبال داسبریک دیوئی Archibald Sprague Dewey که صاحب معارفه بررگی در نیویارک بود طبعی طریف داشت و مادرش نوه مردی سیاستمدار بود که از اعصاب معروف کسگره بشمار میرفت. دیوئی در ایام کودکی مخارج آموزشگاه را از راه فروش کاغذ در ساعات فراغت بدست میآورد و چون قدم در چهاردهمین مرحله زندگی نهاد یک کارمطم برای خود یافت بدینبرار که در معارفه عقبه فروشی ناشی دلار مرد در هفت روز کار پرداخت و بدینطریق به در آموزشگاه و به در دبیرستان شوق ورعت ریادی به فلسفه ابرار داشت.

در سن پانزده سالگی بر که دیوئی داخل در دانشگاه ورهمون Vermont واقع در بورلینگتن گردید سوع خاصی ابرار داشت ولی سال بعد ناگهان هوش و استعداد دیوئی همه استادان را مهوت ساحت و عالیترین معرات را در فلسفه بدست آورد. این تغییر ناگهانی ناشی از آن بود که دیوئی بر حسب تصادف یک کتاب «وظائف الاعصاب» تألیف تماس هابری هکسلی Thomas Henry Huxley برشورترین طرفدار تئوری تحول داروین در انگلستان بر حورود و عشق به آگاهی یافتن از رموز جهان ویرا وادار به تعقل و تفکر نمود و ناگهان نسبت بهمه عقاید و افکار پیشین خود شك کرد و برای حل مشکلات فلسفی خویش و بیل بحقیق از راه استوار علم شیفته فلسفه شد.

در سال ۱۸۷۹ جان دیوئی برای آنکه مخارج تحصیلات عالی خویش را تأمین کند و باحد درجه (B A) نائل گردد چندی در شهر

و تعلیم و تربیت « Democracy and Education منتشر ساخت

بطور کلی اساس مکتب تربیتی جان دیوئی مبتنی بر این فکراست که باید کودک منتهای آزادی و اشکار داد تا شخصاً چگونگی روابط خود را با دنیای خارج تجربه کند و خودش معلومات فراگیرد نه آنکه بوسیله کتاب و تلقین و یا هر وسیله خارجی معروض با معلومات ساخته و پرداخته اساشته گردد گذشته از این باید همیشه کودک را تشویق کرد که بحال اجتماع و در يك محیط فرح انگیز و مسرت بخشی با دیگران کار کند این مرد سررگ لایمقطع در کنایهای خود این حقیقت را تکرار میکند که « مدرسه قبل از هر چیز يك مؤسسه اجتماعی است » و دوره تعلیم و تربیت خود قسمتی مهم از زندگی کودک است نه يك دوره آمادگی برای زندگی آینده عقیده جان دیوئی اساس تعلیم و تربیت باین تطبیق آن با زندگی است و بگانه هدف تعلیم و تربیت اصلاح جامعه و تأمین پیشرفت اجتماعی است و بررگترین مشکل تعلیم و تربیت آنست که ذهن کودک را چگونه از احاطه علمی پرورش دهیم که قادر بنظریق با حقایق زندگی گردد

عقیده عموم کارشناسان تعلیم و تربیت بر آنست که هیچکس مانند دیوئی در تطبیق تعلیم و تربیت با مقتضیات زندگی کموی تأثیر نداشته است و اصول کمتر فیلسوف تربیتی مانند این مرد بررگ جنبه عملی یافته است افکار دیوئی نه تنها انقلابی بررگ در تعلیم و تربیت ابتدائی امریکا ایجاد نمود بلکه اصول تربیتی وی در کلیه دبیرستانها و حتی دانشگاهها بمر مورد اجرا گذاشته شد گذشته از این عموم کشورهای اصلاح طلب جهان ناشور و شون فراوانی از افکار گوهر بار دیوئی استعبال کردند بطوریکه در سالهای بعد از نخستین جنگ بملل جان دیوئی در

از دیوئی دعوت کرد که ریاست اداره مختلط فلسفه و روانشناسی و علوم  
تربیتی دانشگاه شیکاگو را بعهده گیرد

در آنجا بود که جان دیوئی زمینه مساعدی برای اشاعه افکار انقلابی  
و در برابر تربیتی خویش فراهم ساخت

در سال ۱۸۸۹، اتحاق ماك لالان McLellan دو کتاب بر مبر  
نام «روانشناسی عملی» و اصول عملی تعلیم و تربیت، رشته تحریر کشید  
و در سال ۱۸۹۶ بر اثر تشویق همسرش مدرسه نمونه یا «مدرسه آرمایشگاه»  
را که بقول «سیدی هوک» مهم‌ترین موسسه آرمایشی در سر تا سر تاریخ تعلیم  
و تربیت امریکاست بوحود آورد (کاترین ماهیو Katherine Mayhew  
و آنا ادواردز Anna Edwards شرح کامل کارهای دیوئی را در این  
آموزشگاه ارسال ۱۹۳۶ منتشر ساخته اند) دیوئی با پشتیبانی یک عده  
از اشخاصی که به مسامت محالته با تعلیم و تربیت قشری بوی بموسته  
بودند پیشرفت حالت توحهی حاصل نمود و مدرسه نمونه اش در طرف  
هفت سال شهرت بررگی بدست آورد

لکن رئیس دانشگاه چنانکه باید فیلسوف روشن ضمیر را تشویق  
نکرد و بهمین جهت جان دیوئی در سال ۱۹۰۴ استعفا داد و مدتی بعد  
کرسی فلسفه دانشگاه کلمبیا را بعهده گرفت و تا سال ۱۹۳۰ در آنجا  
بمدیریت پرداخت اصولی که جان دیوئی در مدرسه آرمایشی در معرض  
تجربه گذاشت در سال (۱۸۹۹) در کتاب مدرسه و اجتماع چاپ شد و  
این کتاب بیدرنگ بوزارده زبان رنده دنیا ترجمه گردید و بسرعت برق  
افکار انقلابی تعلیم و تربیتی جان دیوئی را در دنیا پخش کرد اندکی بعد  
فیلسوف عالیقدر افکار و اصول تربیتی خود را بصورت صریحتر و جمع‌تری  
در دو کتاب «چگونه ما فکر میکنیم» How we think و «دموکراسی



رهبران اتحادیه آموزگاران نیویورک بود و چون این سازمان جنبه سیاسی پیدا کرد دیوئی از آن خارج شد و با مؤسسين اصلی این اتحادیه سازمان صعی نوین آموزگاران Teacher's Guild را تشکیل داد . دیوئی که فوق العاده علاقمند به پیروزی جامعه ملل بود از فعالیت کمیته لوینسن Levinson برای ممنوع ساختن جنگ که منتوی باضای عهد نامه کلرگ - بریان Kellog-Briand در سال ۱۹۲۹ گردید جداً پشتیبانی کرد

پس از انتخاب هوور ریاست جمهوری امریکا جان دیوئی از احاط سیاسی جوش و خروش بزرگی نظیر جاروجنجال شکر می که امروز - هاری والاس ایجاد نموده است تولید کرد بدینقرار که پیشنهاد نمود حرب سومی ایجاد گردد که تنها منظور آن توجه بحقایق اقتصادی باشد که هیچکدام از دو حزب بزرگ امریکا در آن موقع بدان عنایت نداشتند . دیوئی از مؤسسين «اتحادیه اقدام سیاسی مستقل» بود که در سال ۱۹۲۹ ایجاد گردید و برای بسط احساسات آراد یخواهی در سر تا سر امریکا و تحکیم مبانی تعلیم و تربیت امریکا بصورت ایجاد يك جامعه نو و مترقی اهتمام فراوان نمود و از آنجا که سیاست سوسیالیستها بهدفع این اتحادیه بسیار نزدیک بود دیوئی از نرمان تماس رهبر معروف سوسیالیست امریکا پشتیبانی مؤثر نمود

در سال ۱۹۳۷ جان دیوئی که هفتاد و هشتمین مرحله زندگی را می پیمود ریاست کمیسیوني از فرهنگیان و استادان و سران کارگران امریکا به مکرینکو رفت تا درباره اتهاماتی که در دادرسی معروف مسکو علیه لئون تروتسکی وارد آمده بود تحقیقات و مطالعاتی نماید . اگرچه دیوئی با مرام روسها مخالف بود با اینهمه طی گزارشی مشتمل بر هشتصد

حقیقت مقام نماینده فرهنگی غیر رسمی آمریکا را در سر تا سر جهان  
احرار کرد

در سال ۱۹۱۹ از چین دیدن کرد و در سال ۱۹۳۱ رخت سفر بژاپن  
کشید و برای اصلاح مدارس آن کشور پیشنهاد های گرا بهائی داد لکن  
بنا بر احساسات و اقدامات صددمو کراسی که در آنجا مشاهده نمود از  
دریافت نشان افتخار که دولت ژاپن بوی اعطا نمود خودداری کرد در  
سال ۱۹۲۴ دولت انقلابی جدید ترکیه حان دیوئی را برای تجدید بنا  
در برنامه مدارس ترکیه باین کشور دعوت نمود و دانشمند امریکائی  
برنامه مدارس را بکلی تغییر داد بطوریکه بعداً فرهنگ ترکیه پیشرفت  
بررگی کرد سپس در سال ۱۹۲۶ مکریک و در سال ۱۹۲۸ روسیه  
را دیدن کرد حان دیوئی از پیشرفتهای فرهنگی لیس و ترونسکی ستایش  
نمود و بهمین جهت امریکائیهها ویرا حرا، آراد بچواهااں دست چپ بشمار  
آوردند

بطور کلی از آنجا که دیوئی برای افکار بیروی خاصی قائل است  
و عقیده دارد که هر فکری متوجه هدوی است و میراں حقیقت هر عقیده  
سته تا تأثیر عملی آنست و اصلا عقیده صرف وجود ندارد کتابها و بکارشانش  
تأثیر بررگی در تحول اوضاع سیاسی امریکا داشته است و اغلب علمای  
تربیتی امریکا بر آنند که هیچ دانشمند امریکائی مانند جان دیوئی در  
نهیست فکری و پیشرفت خارق العاده مدیبت امریکا در قرن اخیر سهم  
نداشته است و هیچ فیلسوفی مانند او در بیداری بسل جوان امریکا دخیل  
بیست جان دیوئی خود مؤسس با عضو عده بشمارای از سازمانهای  
اصلاح طلب و آراد بچواها امریکا بوده و بر علیه رور و قلدری و اقدامات  
صددمو کراسی سخت مبارزه کرده است دیوئی یکی از معروفترین

است. فیلسوف شهیر امریکایی عقیده دارد که چون در جهان سرمایه‌داری امروزی فرد بکلی مستملک شده است تنها در پرتو نظم اجتماعی و اقدامات اجتماعی میتوان آزادی افراد را تأمین نمود و سایرین به آزادی باید امروز یک نوع جنبه اشتراکی بخشید

اساس اخلاقی فلسفه دیوئی ایمان راسخ بدموکراسی است فیلسوف شهیر امریکایی از عقیده کسانی که دموکراسی را با آزادی اقتصادی انفرادی اشتباه میکنند و میگویند هر فردی در استثمار ممنوع خود باید منتهای آزادی را داشته باشد سحت انتقاد میکند و میگوید دموکراسی هم جنبه انفرادی دارد و هم جنبه اجتماعی و هر فردی در عین حال که در انتخاب طرز و نوع زندگی خویش آزاد است باید با سایرین در پیشرفت و ترقی جامعه همکاری کند زیرا در غیر این صورت آزادی او بمخاطره خواهد افتاد. نظر او ایمان بدموکراسی با ایمان بتجربه و تعلیم و تربیت یکسان است

باید دانست که دیوئی با وجود پیروان بیشماری که در امریکا و دنیا دارد مانند هر فیلسوف بزرگی از انتقاد مخالفین متعصب و سرسخت در امان نموده است بیشتر محالها را روی حرده میگیرند که فلسفه اش ریباد انتاعی و مادی است و تنها عمل را جوهر زندگی میداند و آدمی را از معنویات فرسنگها دور میکند. بعضی او را برچم دار سرمایه‌داری میدانند و بالاخره دسته‌ای از معتقدان بر آنند که نمیتوان بر پایه علم که همواره در تعبیر و تبدیل است یک فلسفه زندگی بنا نمود گذشته ازین برخی از دانشمندان سخت به انشاء دیوئی خرده میگیرند و میگویند که مهم چیز مینویسد و کلمات و اصطلاحات علمی را در جای خود استعمال نمیکند بطوریکه دائماً برای خواننده تولید سوء تفاهم میشود

سفره اریگسهای ترورسکی جداً دفاع کرد و در این خصوص چنین نوشت :  
 « درسی که همه رادیکالهای امریکا و هواخواهان شوروی از این دادرسی  
 باید فراگیرند آنست که درست بیدیشند آیا تشبث به اقدام نامشروعی  
 برای مبادرت بتعیرات و اصلاحات اجتماعی موجه است یا نه ؟ » جان  
 دیوئی عین این نظر را ضمن انتقاد شدید از فیلم مأموریت مسکو که در  
 سال ۱۹۴۳ در هالیوود برداشته شد تأیید کرد و خاطر نشان ساخت که  
 بیل بیک هدف عالی دلیل قانعی برای توجیه تشمت و وسائل نامطلوب از  
 قبیل اقدامات تروریستی نیست و نمایش این فیلم را بمنزله نخستین اقدام  
 اتلافی در امریکا بمطوّر گمراه ساختن مردم تلقی کرد

دیوئی در آثار هشتاد و یکمین مرحله زندگی خویش رهبری  
 کمیته آزادی فرهنگ را بعهده گرفت و در سال ۱۹۴۱ با اتفاق هشت تن  
 از نویسندگان و دانشمندان برجسته و روشنفکر امریکا کتابی تحت عنوان  
 قضیه برتران روسل *The Bertrand Russel Case* برشته تحریر  
 درآورد و طی آن شدیداً به « روحانی نماهای ریاکار و سیاستمداران  
 نهی معر و میهن پرستان قلابی » که ریاضی دان و فیلسوف بلند پایه  
 انگلیسی را بمناسبت نوشتجاتش درباره اخلاق جسی از هیئت مدیره  
 دانشگاه بیوورک اخراج کرده بودند حمله برد

جان دیوئی علاوه بر افکار عالی تربیتی فلسفه اجتماعی و سیاسی  
 خود را در ساره آزادیخواهی نیز در رساله و کتابهای بیشمار مانند  
 « مردم و مشکلاتی » *The Public And Its Problems* و طبایع  
 و حوادث *Characters and Events* (۱۹۲۹) و آزادیخواهی  
 و اقدام اجتماعی *Liberalism and Social Action* (۱۹۳۵) و  
 آزادی و فرهنگ *Freedom and Culture* (۱۹۳۹) شرح داده

میکنند و بهترین تفریحش حل معماهای ادبی است نوشتجاتش را خودش ماسین میکند و بصد ها نامه مردم خودش جواب میدهد گاه از اوقات هر بامداد اقلا هیجده نامه مینویسد .

در پایان سال ۱۹۴۴ جان دیومی بخبرنگاران روزنامه ها گفت که عزم دارد بزودی کتاب مهمی برشته تحریر در آورد لکن از آن تاریخ تاکنون حر مقالات بر مغزی که برای مجلات فلسفی نگاشته اثر تازه ای بقلم وی انتشار یافته است

اگرچه تا کمون کتابهای بی شمار راجع شرح حال جان دیومی و اهمیت شگرف خدمات فرهنگی و فلسفی وی منتشر گردیده و زاکب ابستین Jacob Epstein مجسمه سار معروف نیز مجسمه او را از برنج ساخته است با وجود این استاد بیج علاقه ای بخود نمائی و تطاهر ندارد و حتی در صیافتی که بافتخار هشتادمین سال تولدش ترتیب یافت با آنکه بسیاری از معروفترین رجال دنیا در آن شرکت داشتند خودش حضور بیافت رفتار دیومی را مردم فوق العاده متواضع و مودت آمیز است لکن در مباحثه ناسانی را نمیشود و انتقاد مخالفان را با سخنان نیش دار پاسخ میدهد .

اما جان دیومی با آنکه در جهان فلسفه و تعلیم و تربیت در سن هشتاد و نه سالگی همچنان بمباحثات فلسفی و تربیتی خویش ادامه میدهد و روزی سخت حمله میکند و روز دیگر مورد حمله قرار میگیرد بقول اکثر دانشمندان جهان بزرگترین فیلسوف تربیتی عصر حاضر است که افکارش در جهان تعلیم و تربیت اعجاز نموده است و هر سال جرابد امریکا مناسبت جشن تولدش مقالات پر شور و در شرح خدمات و شخصیت بزرگ وی منتشر میکنند

## یث

با اینهمه دیوئی ایرادها و اعتراضهای کلیه مخالفان خود را رد میکند. جان دیوئی در تمام مدت کار و فعالیت خویش اربشتیبانی و کمک همسری فعال و روشنفکر و پاک نهاد بهره مند گردید دیوئی در سال ۱۸۸۵ بسا وی در یکی از کلاسهای درس در دانشگاه میشیگان آشنا گردید و در ژوئیه ۱۸۸۶ با او ازدواج کرد و هنگام ورود به نیویورک در آغاز سال ۱۹۰۰ در آشکوب چهارم عمارت مرتفعی که در منطقه پر جوش و خروش شهر واقع بود سکونت اختیار کردند

دیوئی که شش پسر دارد طبعاً بخانه و کودک علاقه مند است و پس از آنکه در سال ۱۹۳۷ همسر با وفایش درگذشت دو چار عم حاکم داری شد و از استادی دانشگاه کلمبیا استعفا داد و اینک قسمت اعظم اوقات خود را در خانه سر میبرد و ساعات فراغت را صرف پرورش طیور میکند. جان دیوئی که امروز هشتاد و نهمین مرحله زندگی را می پیماید

با آنکه توجه زیادی بوزرش نداشته است هموزداری بییه ای قوی است (ایروین ادما) حکایت میکند که دیوئی امروز کاملاً شبیه عکسهای چهل و پنج سال پیش ربرت لومی استونس Robert Louis Stevenson

میباشد و دارای همان موهای صاف، سمیل بر رنگ، دیدگان براق است دیوئی که از نبوغ و استعداد یک باطن زبردست می بهره است با سخنان آرام و لحن صدای یکنواخت خویش تاکنون بسیاری از دانش پژوهان را هنگام سخن رانی های خود خواب کرده است و با اینهمه بزرگترین هنر این استاد بزرگ آنست که چه در کلاس و چه در سخن رانی همواره سعی کرده است شنویدگان خویش را بتفکر و تعقل برانگیزد نه آنکه عقیده یا اصل خاصی را تلقین کند

دیوئی قسمت اعظم وقت خود را اکنون هم صرف فکر کردن

مجدد و عظمت دبرین خویش را باز خواهد یافت که فرهنگ و تحولاتی که اخیراً در جهان تعلیم و تربیت حاصل شده است چنانکه باید توجه کرد و امور فرهنگی را مردان صلاحیتداری که قادر بایجاد يك نهضت فکری باشند واگذار نماید در پایان لازم میدام اردوست عربز و فاضلم آقای دکتر احمد علی آمادی که مدتی از عمر خویش را صرف استفاصه از مکتب دیوئی و شاگردانش نموده و در تعلیم و تربیت نوین مطالعات گرا بیانی کرده اند سپاسگزاری نمایم که مقدمه ای بر این کتاب نگاشتند

تهران - بیستم تیر ماه ۱۳۲۷

مشق همدانی



روزنامه تدبیر ماگازین اخیراً، مناسبت جشن تولد دیوبندی چنین نگاشت . « بزرگترین و عاقل ترین مرد در دیبای فلسفه امریکا » و روزنامه نیویورک تدبیر چنین خاطر نشان کرد « فیلسوف و استاد محسوب دو نسل .. یک چهره آرام در یک دنیای متلاطم . »



امیدوارم دو کتاب «مدرسه و شاگرد» و «مدرسه و اجتماع» که بهترین گنجینه افکار گوهر بار فیلسوف برک امریکائی است چنانکه باید دانش پژوهان ایران را از اهمیت اصول تربیتی و فلسفی دیوبندی و انقلاب بررگی که در تمدن جهان حاصل کرده است آگاه کند و آنان را در بجات ایران از این عقب ماندگی و ملالت یاری نماید انتظار دارم افکار و اصول تربیتی دیوبندی این حقیقت تلخ را باندازه کافی ثابت کرده باشد که فرهنگ ما تا چه اندازه عقب است و تا چه اندازه ضرورت دارد که انقلاب برای بجات مسل آید ایران وزارت فرهنگ اوضاع ملالت باری که در سایر وزارتخانه ها جاری است مصون ماند و امور حساس آن بچوانان فعال و با اراده و تحصیل کرده و اگدا شود واقعا جای بسی تأسف است که ما در ایران استادان عالیقدری مانند دکتر عیسی صدیق داریم که عمری را صرف مطالعه در اطراف اصول تعلیم و تربیت بوین و کسب تجربه در آموزش و پرورش حیوانان نموده و اگمونی باید گوشه انزوا اختیار کنند و با حیوانانی مانند دکتر احمد علی آبادی دوست داشته باشند و فاضل که سالها از محضر دیوبندی و شاگردانش کسب فیض نموده و در تحصیل اصول جدید تعلیم و تربیت ربح برده اند و اینک وقت خود را باید صرف امور ناچیز نمایند بار دیگر تأیید میکنم که ایران تنها روزی زنده خواهد شد و



# مدرسه و پیشرفت اجتماعی

ما از لحاظ امرادی مدرسه راهمواره نمرله واسطه‌ای بین معلم و شاگرد ، یا معلم و والدین کودك تلقی میکیم چیریکه بیش از همه برای ما ارزش و اهمیت دارد پیشرفت فرزند ماست . پیشرفت از لحاظ جسمانی ، پیشرفت درحوالدهن و پوشتن و رسم کردن ، پیشرفت درکسب اطلاعات جغرافیائی و تاریخی ، پیشرفت در اصلاح رفتار و رفع واقص شخصیت ، پیشرفت درزرنگی و اعتماد به نظم و نشان دادن استکاروعیره تنها از روی همین پیشرفتهاست که ما درباره مدرسه و ارزش حقیقی آن قضاوت میکیم و انفاقاً کاملاً هم حق داریم هرگاه بطرخود را وسیعتر سازیم و توجه خود را از فرد منحرف ساخته ، جامعه معطوف داریم چمن نتیجه میگیریم که آنچه عاقل ترن و روشمکرمین پدر برای فرزند دلند خویش میخواهد يك جامعه متریقی و عالی باید برای همه فرزندان خویش بخواهد هر مکتب ریتمی و طریق تعلیم و تربیت که حاصل مسلم و حقیقت نازر نالا توجه نکند بيمورد و با مطلوب است و پیروی از آن موجب خواهد شد که اساس و پایه دموکراسی و سعادت منزلزل گردد . جامعه آنچه را که پس ازقرها رنج و تعب و تخرنه بدست آورده است بوسیله مدرسه با اختیار اعصای آیمده خود قرار میدهد و بیرکلیه آرزوها و افکار ادبع و آرمائهای را که میخواهد مرحله عمل گذارد نمدرسه می سپرد و بدیبطریق درمدرسه هر چیری هم جنبه امرادی و هم حسه اشتراکی پیدا میکند هر اجتماعی تنها همگامی پایدار و متریقی و



دیگر کار انحصاری و اختصاصی مشتی «فیلسوف و ناغۀ آموزش و پرورش» نخواهد بود که تصور میکنند اجتماع محدود بهمان چند شاگرد خصوصی آنهاست بلکه برعکس حرئی از تحولات و اصلاحات ضروری اجتماعی نظر خواهد آمد بطور کلی تفکیک اصول تحولات و اصلاحات جامعه از اصول تعلیم و تربیت غیر میسر خواهد بود بنا بر این بحسب ساید چکوبکی و جبهه های جنبش اجتماعی را تشخیص داد و سپس مشاهده نمود که آموزشگاه تا چه اندازه میتواند حویشتن را با این نهضت و پیشرفت اجتماعی هم آهنگ سازد؟ هر اصلاحی که در وضع آموزشگاه های ما روی دهد باید منطبق با تعییرات و انتالهای مهمی گردد که در وضع اجتماع حاصل گردیده است برای روشن شدن مطلب در اینجا مثلا با تناط یکی از اصلاحاتی که در آموزشگاههای نوس حاصل گردیده است با یکی از تعییرات مهمی که در وضع اجتماعی روی داده است اشاره میکنیم

مهمترین اصلاحی که طی سالهای اخیر در آموزشگاههای ماصورت گرفته است عمارت از استقرار کارهای دستی و یکی از تعییرات قابل توجهی که در وضع جامعه ما روی داده است انقلاب صنعتی شگرفی است که اثر آن در کلیه شئون زندگی ما هویدا است اکنون بسیم که چگونه باید هم آهنگی این دو اصلاح را حفظ نمود تا بتوان جوانانی درخور تمدن کمبوی و قادر بحل مشکلات امروزی تربیت کرد؟

نظر من بررگترین تعییری که در قرن اخیر کلیه تعییرات اجتماعی دیگر را تحت الشعاع قرار داده و پیکر جامعه ما را نکلی دگرگون ساخته است و عدم توجه بدان در ایجاد يك نهضت تربیتی بوبن ما را فرسنگها از هدف اصلی تعلیم و تربیت دور میسارد بدون شبهه همانا

پیوسته در حال رشد و پیشرفت خواهد بود که همیشه بفکر پرورش کلیه اعضای خویش باشد و برای بیل نابین منظور برک نیز جز مدرسه هیچ وسیله مثبت و مؤثر دیگری در اختیار ندارد زیرا همانطور که هراس مان Horace Mann میگوید

« در آنحائیکه همه چیز در حال رشد است یک مصلح قبلی بیش از هزار مصلح بعدی ارزش دارد »

در هرا انقلاب و یا بهت نویسی که ما برای اصلاح وضع فرهنگ خویش در نظر میگیریم باید همواره احتیاجات و مصالح اجتماع را مورد توجه قرار دهیم زیرا در غیر اینصورت هر تغییر و اصلاحی که در مؤسسات تربیتی خویش حاصل نمائیم درست حکم همان ابتکارها و اختراعات انفرادی برخی آموزگاران را خواهد داشت که منظور آن تنها اصلاح فرد است و فایده قطعی بر وجود آن مترتب خواهد بود تغییراتی که در طرز و اصول تعلیم و تربیت باید حاصل گردد و ناشی از تغییرات و پیشرفتهای اجتماعی و لزوم مواحه با احتیاجات بویں جامعه است باید از نوع همان تغییرات و اصلاحاتی باشد که در صایع و بازرگانی حاصل میگردد و اثر آن در زندگی کلیه افراد جامعه محسوس میشود

ساراین من همیشه توجه شما را باین نکته حیاتی جلب میکنم که در تدوین اصول « تربیت بویں » همواره باید تغییرات و احتیاجات برک اجتماعی را در نظر گیرید

باید دید آیا ما میتوانیم تعلیم و تربیت بویں را با پیشرفت عمومی تمدن و حرر ومد اقیانوس حیات هم آهنگ سازیم ؟ هرگاه ما در این راه توفیق بایم ملاحظ میکنیم که آموزش و پرورش جنبه شخصی و انفرادی خویش را نکلی از دست میدهد و اصلاح طرق تعلیم و تربیت

مردم در يك قرن پیش قابل معاينه نيست كافی است يك يا دو و يا حد اكثر سه نسل تقهرا برگردیم تايعيان مشاهده كنيم كه در آن زمان خانه در حقيقت محوری بود كه كليۀ فعاليت های صمعی دور آن چرخ میخورد. لباس معمولاً در خانه ساخته ميشد و يكايك اعصاب حیوانه با طررچیدن پشم گوسفندان و ریسیدن آن و انواع بافندگی آشنائی كامل داشتند و بعوض آنكه تكمه ای را فشار دهند و در يك چشم بر هم زدن خانه را عرق در روشائی نماید همه ناگریر بودند راه دشوار و كلاسيك بدست آوردن بوررا از آغار تا انجام بپیمایند و بدینقرار كه بحسب طرر كشتن دام را فراگیرند و پس راه جمع آوری پیه و ساختن شمع را بيك بیاورند تا سر انجام بورر حقیقی بدست آورند كليۀ مایحتاج زندگی از قبیل آرد و حواریار و تیر و مصالح ساختمانی و انواع وسائل ترمن خانه و حتی اسبابهای فلزی از قبیل نعل و داس و چکش و غیره از حوالی نزدیک و دکانهای محاور كه در آنها بروی همه بار بود و یا استثنائاً از مراكر قصاب محاور تحصیل ميشد و بدینطریق از موقعی كه ماده حام از مررعه بدست میآهد تا همگاميكه كالای ساخته و پرداخته بدست اشخاص میرسید مردم همه تحولات مواد را بچشم حوش میدیدند و از مبدأ و منمع كليۀ مایحتاج رسیدگی حوش با اطلاع بودند بطور كلي به تنها عموم مردم طرر بدست آوردن محصول را از آغار تا پایان بدیدگان خود مشاهده میگردیدند بلكه اصولاً هر يك از اعصاب حیوانه در تهیه این محصول نقش خاصی بازی میگرد و كودكان بتدریج كه پرورش می یافتند با سرار بر حی ارضایع دشوار آشنا میشدند

با براین مطالعه در چگونگی صنایع برای عموم جنبه فوری و

شخصی و حیاتی داشت

تغییر عظیمی است که انقلاب صنعتی در وضع جامعه ما حاصل کرده است. استفاده از پیشرفت حیرت انگیز علم برای بوجود آوردن اختراعات شگرفی که قوای طبیعت را بطور نامحدود در اختیار بشر گذاشته است، توسعه يك بار از بزرگ جهانی و ولع روز افزون ملت‌ها برای بدست آوردن محصولات بوی، ایجاد مراکز بزرگ صنعتی و ساجی بمطور تأمین احتیاجات بازارهای دنیا، از رای و پیشرفت خارق العاده و مسائل ارتباط بین نقاط مختلف جهان، سهولت تقسیم کالا بین کشور های مختلف نکلی وضع زندگی بشر را دگرگون ساخته است. وقتی يك تاریخ پیدایش این انقلاب بزرگ صنعتی دقیق شویم ملاحظه میکنیم که آغاز آن از يك قرن پیش تجاوز نمیکند و حتی بسیاری از معاصرین چگونگی تحول این جنبش صنعتی را بچشم دیده اند. ناشکال میتوان باور کرد که در تاریخ بشر انقلابی باین سرعت و وسعت و کمال روی داده باشد. سطح زمین نکلی دگرگون گردیده و حتی خطوط طبیعی آن بیر محو شده است. مرزهای سیاسی بیر از میان رفته و تنها بر روی نقشه های جغرافیائی و حدود خارجی دارد از اکمال کشورها مردم همچون سیل بطرف شهرها سرازیر میشوند، طرز زندگی بسرعت برق در حال تغییر و تحول است، کشف اسرار طبیعت بسیار آسان گردیده و استفاده از قوای طبیعت برای بهبود وضع زندگی نه تنها میسر گردیده بلکه صورت قطعی یافته است. حتی افکار اخلاقی و مدهمی و علائق دبیرین ما که در قلب ما کاملاً ریشه گرفته بود اینک دستخوش تغییرات و تبدیلات عظیمی گردیده است و با بر این هیچکس نمیتواند ادعا کند که آثار این انقلاب بزرگ تنها بطور سطحی و تصنعی در تعلیم و تربیت منظور گردد.

طرز کار و زندگی امروز مردم در کارخانه ها بهیچوجه نازدگی

ریاضیات تقویت نمود لکن نتیجه ای که از این دروس گرفته میشود در مقابل نتیجه ای با حجم دادن کار و تلاش در راه رسیدن به هدف معینی گرفته میشود بسی ناچیراست

در دوره کنونی تمرکز صنایع و طرز تقسیم کار تقریباً امور خاهاه داری و آمد و شد بین همسایگان را ( اقلار لحاظ مقاصد فرهنگی ) از میان برده است البته منظور من آن نیست که از سپری شدن روز های خوش ایام گذشته اظهار تأسف نمایم و از حواص تعلیم و تربیت قرون پیشین ارفقیل تقویت حس تواضع و احترام مطلق و اطاعت کور کورانه در کودکان که امروز انری از آن نیست انگشت حسرت بدهدان گرم و اصرار و درم که آن روز های طلائی را ناید بار گرداند بلکه میخواهم بگویم که تغییرات نزرگی در تمدن و طرز زندگی بشر حاصل شده است و در مقابل این تغییرات اساسی آموزش و پرورش بیرناید کاملاً اصلاح گردد و درخور احتیاحات عصر شود

الته ناید تصدیق کرد که بشر از لحاظ تعلیم و تربیت در عوض امتیارات اردست رفته امتیازات بویی بدست آورده است چنانکه امروز در پرتو تعلیم و تربیت بوی حیوانان آرادتر نار میآید و افکار و آراد دیگران را بهتر رعایت میکند و دامنه قضاوت اجتماعی آنان وسیع تر میگردد و نا طبیعت بیشتر تماس حاصل میکند و در روحیه اشخاص ماهرانه تر نمود میسایند و احتیاحات اجتماعی را آساستردك میکند و خویشتن را نا شخصیت های مختلف سریعتر تطبیق میدهند و نا فعالیت بازرگانی و صنعتی جهان زودتر هم آهنگ میگردد در ارزش این امتیارات هیچ شك و تردیدی نیست لکن مسئله اساسی آستکه چگونه از این امتیازات منتهای استعاده را نمائیم و در عین حال حس مسئولیت

بدیهی است که شاید تأثیر گرانها و قطعی این قبیل کارها در تقویت روح اصراط و پرورش شخصیت بدیده ناچیزی نگریست مسلم است که عادات نظم و حسن مسئولیت و روح و طبعه شناسی و تعهد و حدایی برای انجام کاری و بدست آوردن محصولی در این قبیل کارها بحداء اعلام پرورش مییافت در آن زمان همیشه کاری برای انجام دادن و يك احتیاج مرم برای هر يك از افراد خانواده برای ایفای نقش خود در يك محیط همکاری و وفاداری و امانت و تشریک مساعی با سایرین وجود داشت این قبیل کارها شخصیت های مثبت و شایسته و آرموده و خود میآورد گذشته از این ارزش آشنائی و تماس مستقیم با مواد دست اول طبیعت و مصالح طبیعی و اساسی و مشاهده تغییر و تحول مواد و علم، فوائد اجتماعی و موارد استفاده آنها را در این قبیل کارها باید نادیده بگیریم و تأثیر مطلوب آنها را در تعلیم و تربیت کودکان کتمان کنیم

در این طرز کار بیوسته بیروی مشاهده، ابتکار، تحیل، منطق و مخصوصاً حسن حقیقت جوئی که از تمس مستقیم با طبیعت در افراد تولید میشود، نیکوترین و حقیقی پرورش می یافت و کارهای دستی از قبیل بافندگی و ریسندگی و نجاری و آسیابانی و آهگری و چلیک سازی بهترین فرصت برای تربیت قوای فطری و استعداد های ذاتی کودک بود

حای شمه بیست که هیچ درس نظری درباره موضوع معینی مثلاً نباتات و حیوانات و مررعه هر قدر هم مسوط و واضح باشد ممکن نیست حای تماس با خود نباتات و حیوانات و مشاهدات عینی را بگیرد محال است که نتوان در بر تو آموزش و پرورش مانند طبیعت حواس را تربیت و بیرومند کرد بیروی حکم و استدلال را میتوان با دروس عملی و



در فصل آینده ضمن بحث در اطراف روابط مدرسه با شاگرد در باره تأثیر کار های دستی در جلب توجه کودک و مخصوصاً در پرورش استعداد های ذاتی کودک در این خصوص صحبت خواهم کرد با اینهمه عقیده دارم این دلائلی که برای توجیه لزوم تعلیم کار های دستی در مدارس اقامه میشود نارسا و اندکی مبهم است

من عقیده دارم که مهمترین فایده کار دستی از قبیل کار کردن بر فلز و چوب و یا بافندگی و خیاطی و آشپزی و غیره آن نیست که ما متخصص تربیت کنیم و حرفه سودمندی بکودکان خویش بیاموزیم بلکه بر آنم که کار دستی تنها وسیله ای برای بهتر آموختن دروس و پرورش شخصیت کودک است

ما مخصوصاً با ارزش بزرگ اجتماعی کارهای دستی باید توجه کنیم ما بوسیله کارهای دستی میتوانیم بکودک بفهمانیم که جامعه چگونه خود را اداره میکند و حسه های زندگی اجتماعی چیست؟ ما در پرتو کار های دستی بیشکوترین وجهی میتوانیم نیروی ابتکار و استعداد های ذاتی و فطری کودکان خویش را بیش از پیش تعویب نمائیم و بطور کلی آموزشگاه را که بدون این کارها محلی مستقل از اجتماع و هدف آن تنها فرا گرفتن مقداری درس است تبدیل بیک هسته فعال و پر شور زندگی اجتماعی نمائیم البته شك نیست که جامعه متشکل از عده ای افراد است که با روح مشترك و مقاصد مشترك و اصول مشترك با هم در تأمین وسائل زندگی خود و فرزندان خویش همکاری میکنند

بی بردن با احتیاجات مشترك و نیل بهدف مشترك اجتماعی مستلزم آنستکه تبادل افکار بین افراد جامعه بیش از پیش توسعه یابد و وحدت و هم بستگی و همکاری آنان روز بروز مستحکمتر گردد علت اینکه

شخصی کودکان خویش را بیش از پیش تقویت نموده و فرزندان خود را با توجه بحقایق طبیعی تربیت کنیم

امروز تقریباً همه علمای تربیتی در این قول همداستاد که بهترین طریق اصلاح آموزش و پرورش استقرار کارهای دستی ارقیبیل بحاری و حابه داری و حیاطی و آشپزی و غیره در مدارس است اما هنوز هواخواهان کار دستی از مقصود و ارزش حقیقی آن آگاه نیستند و امیداسند که آموزشگاه بوسیله کارهای دستی در این روزها باید فقدان تحریباتی را که شاگردان در حابه بدست میآوردند حیران کند بلکه عقیده دارند که بوسیله کارهای دستی باید حروفه هائیکه حر بوسیله تمرین حقیقی و ممارست بوسیله دیگری نمیتوان آموزش داد مقصود اصلی کارهای دستی همور بر اولیای امور آموزشگاههای ما نامعلوم است و بهمین جهت است که طرز تعلیم این کارها ناقص است و عللی هم که برای توجیه توسل بکارهای دستی ذکر میشود بسی سست و بی پایه میباشد

مثلاً مهمترین عللی که هواخواهان پرشور کارهای دستی در باره لروم معمول داشتن این قبیل کارها در مدارس ذکر میکنند آنست که کارهای دستی رعیت دانی و دقت شاگرد را کاملاً بحود جلب میکند و او را همواره فعال و پرشور نگاهداشته و موجب آن میگردد که معید ترو لایق تر و مخصوصاً در حانه سودمند تر باشد و تا اندازه ای ویرا برای مواجهه با وطائعی که بعداً باید در زندگی اجتماعی بعهده گیرد آماده میسازد کارهای دستی دختران را آشپزهای حساسی و کدبانوی هنرمند تبدیل میکند و پسران را برای پرداختن به حروفه های معید و پرارزش آماده میسازد

الته این دلایل تا اندازه ای متین و قابل قبول است و من خود

ماندازه‌ای جنبه انفرادی دارد که بیش از پیش بطرف خودپرستی متمایل میگردد در کلاس درس نظری کسب و تحصیل معلومات خشك هیچگونه منظور اجتماعی ندارد ما بر این بر وجود چنین درسی کمترین سود اجتماعی مترتب نتواند بود .

در حقیقت در بیشتر آموزشگاههای امروری ما تمهاتقیاس پیروزی و موفقیت شاگردان جسمه يك مسابقه ( بمعنی بد این کلامه ) را دارد بدینتقرار که معلم در پرتو امتحان تعیین میکند که کدام يك از شاگردان بیش از دیگران در اسانتن و دخیره کردن حداکثر معلومات پیشرفت کرده است این محیط تحصیل انفرادی طوری در آموزشگاههای ما حکمفرماست که کمک شاگردان بیکدیگر در انجام وظیفه بمنزله حیاتی بزرگ تلقی می گردد و معمولاً موجب محروم شدن شاگرد خطا کار از تحصیل میشود

بدیهی است در آموزشگاهی که کار و فعالیت شاگردان منحصر بآموختن دروس باشد تعاون مشترك بعوض آنکه بطبیعی ترین صورت همکاری و تشریک مساعی ابرار گردد تبدیل بکوشش مخفیانه ای برای کم کردن بار همسایه در انجام وظیفه سنگین خود میگردد بدینمعنی که شاگردان نیک سرشت و رحیم در پهنایی سعی میکنند برفقای ناتوان خویش کمک کسد و حال آنکه در هر حال که کار و فعالیت حقیقی حکمفرما باشد این وضع نکلی دگرگون میگردد بدینتقرار که کمک بدیگران بعوض آنکه جنبه سخاوتی داشته باشد و بیش از پیش شاگرد محتاج رازبوں و افسرده نماید صورت يك مساعدت بسیار طبیعی را پیدا میکند که منظور آن تنها تحریک و تشویق شاگرد بیازمند میباشد و نتیجه این کمک آن خواهد بود که يك روح ارباط آزاد و مبادله افکار و عقاید بین آنان

هنوز آموزشگاههای ما نتوانسته‌اند مقصود اصلی خویش نائل گردند و فعالیت اجتماعی را چنانکه باید منعکس سازند بیشتر آنستکه به لزوم فعالیت اشتراکی و مثبت اهمیت نداده‌اند

در زمین ورزش هنگام بازی و مسابقه فعالیت اشتراکی و همکاری مثبت بوجود می‌آید زیرا هنگام ورزش و بازی و مسابقه بازیکنان با یکدیگر کار مثبتی انجام دهند و تلاش برای بیل مقصود را بن خود تقسیم نمایند و چند تن راهنمای آرموده برای حویشتن انتخاب کنند و هنگام بازی روح همکاری تیم خود را سیکوترین وجهی ابراز نمایند در کلاس درس بیره‌میں روح همکاری که پایه سازمان اجتماعی است باید حکم‌رما گردد

از لحاظ اخلاق برگزین نقص آموزشگاههای ما که مایه سنی تأسف است آنستکه میکوشند در محیطی که فاقد هر گونه روح اجتماعی است برای اجتماع اعصاب شایسته و معید تربیت کسند .

تأثیر عمیقی که کارهای دستی در آموزش و پرورش کودکان ما دارد در چند کلمه قابل وصف نیست کارهای دستی یگانه وسیله نیل به هدف حقیقی تعلیم و تربیت و ایجاد یک محیط طبیعی در آموزشگاه است . وقتی شخصی داخل آشپزخانه پر جوش و حروشی میگردد که در آن شاگردان با فعالیت و شور هر چه تماهتر مشغول طبخ عدا میباشند اختلاف این محیط پر فعالیت و مولد پرور از لحاظ روانشناسی با کلاسی که در آن طبخی بطری تدریس میشود بید رنگ بطور واضح مشاهده میکند

اما اختلاف این محیط کلاس درس از لحاظ اجتماعی نیز کاملاً محسوس است . در کلاس درس علاقه بکسب معلومات و فرا گرفتن علوم

باره انضباط مدرسی بکلی تغییر میکند و ما فوراً یقین حاصل میکنیم که یگانه انضباط پایدار و تنها طریق آموزش و پرورش سودمند همانست که کاملاً منطبق بر حقیقت زندگی باشد.

البته نباید تصور کرد آنچه که ما از تجربه میآموزیم و یاد کتاب های دیگران که متکی بر تجربه است فراموشی گیریم صرف سخن بیهوده و بی ثمر است لکن باید تصدیق کرد که آموزشگاه طوری اراجماع دور شده و چنان ارزش زندگی اجتماعی و هدفهای طبیعی و حقیقی زندگی منفک گردیده است که بجای آنکه فرزندان ما انضباط و تجربه بیاموزد خود فرسنگها از تجربه و انضباط دور است محلی که باید در حقیقت مادر تجربه و انضباط باشد اسم بی مسمائی شده است کسایکه نظم و انضباط خشک مدارس امروزی خوی گرفته اند هرگز نمیتوانند چنانکه باید انضباط را نظر وسیعتری بگریسته و آن انضباط حقیقی و پایدار را که ناشی از فعالیت اجتماعی و تعاون مشترك است نظر آورند و تصدیق کنند که چگونه بوسیله کار طبیعی و فعالیت حقیقی انضباطی میتوان بوجود آورد که در پرتو آن حس مسئولیت افراد به بیکو ترین و حقیقی تعویت یافته و بیروی قضاوت آنان پرورش یابد

بنا بر این بررگترین نتیجه ای که اراستقرار کارهای دستی و فعالیت حقیقی و طبیعی در مدارس عاید میگردد آنست که محیط آموزشگاه را بکلی دگرگون نموده و روح بومنی نکالد شاگردان می دمد با استقرار فعالیت حقیقی در مدارس آموزشگاه بیش از پیش بزندگی حقیقی نزدیک میشود و تبدیل بجاهه ای طبیعی برای کودک میگردد که در آن شاگرد بر اثر تمایل مستقیم بازندگی حقایق پایدار و تجارب استوار فراموشی گیرد در این صورت دیگر مدرسه تنها جای فرا گرفتن برخی

حکمرما خواهد گردید و آنانرا در رسیدن به هدف کمک فراوان خواهد کرد ایجاد رقابت بین شاگردان نباید تنها از لحاظ انباشتن معلومات شخصی و انفرادی صورت گیرد بلکه باید از حیث چگونگی کار انجام شده (یعنی نفع اجتماعی کار) در نظر گرفته شود و در همه موارد سازمان مدرسه باید از هر حیث منطبق بر سازمان اجتماع گردد.

نظم و آرامش مدرسه بپای بر نظم و انضباط سازمان اجتماعی استوار گردد. بدیهی است که نظم و انضباط همیشه فرع یک هدف و آرمان معینی است. مثلاً اگر منظور تنها آن باشد که در حدود چهل یا پنجاه دانش آموز که درسی را با اجتماع فرا گرفته اند آن درس را درست تا آموزگار پس دهند باید نظم و انضباطی برقرار ساخت که رسیدن باین منظور را تأمین نماید اما اگر منظور توسعه روح همکاری اجتماعی و زهدگی اشتراکی باشد انضباط باید تابع این هدف و منظور گردد بدیهی است در هر جا که اشیائی در حال ساختمان و بوجود آمدن باشد کمتر یک نظم و آرامش مطلق حکمفرماست بلکه برعکس در یک کارگاه همیشه یک نوع بی نظمی و اعتشاش وجود دارد و هرگز سکوت مطلق در آن حکمفرما نیست، کارگران موظف نیستند که حال طبیعی ناتی بخود بگیرند، بازوان آنان بسته نیست، کتابهای خود را بطرز یکنواخت و بنا بدستور معینی نگاه میدارند بلکه برعکس انجام کارهای مختلف اشتغال دارند، در آنجا یک هرج و مرج و جوش و خروشی که نتیجه طبیعی فعالیت است حکمفرماست

اما در حین کار و فعالیت و در همان اثنا انجام کارهای مفید و پربنیتجه و پرورش روح همکاری و تعاون مشترك صمناً یک نوع انضباط خاصی بوجود می آید هرگاه ما این حقایق مسلم را در نظر گیریم عقیده ما در

زمین محلی است که کلیه افکار بزرگ و اصلاحات شگرف بشر پس از تکمیل مجدداً بدان باز میگردد

زمین پهنه بیکران و کان عظیم و چشمه لایزال کلیه نیروهای حرارت و نور و برق است زمین صحنه عظیم اقیانوسها، رودها و کوهها و دشتهای بزرگی است که کشاورزی و صنایع و استخراج معادن و استفاده از حنکله و میاه و کلیه کارخانه ها و دستگاہهای عظیم توزیع و بطور کلی تمام صور فعالیتها بسته بداست در پربوکار و فعالیت در این محیط است که بشر نایمهمه پیشرفتهای تاریخی و سیاسی شگرف نائل آمده است در پرتو این کار و فعالیت است که تعمیر و تفسیر رهنورد طبیعت و کشف اسرار بون آن روز بروز سهلتر شده است در پرتو کار در این محیط و آشنائی با رهنورد آن است که معنی حقیقی آنرا درمی یابیم و ارزش آن آگاه میشویم

بطور کلی ازلحاظ تعلیم و تربیت منظور از استقرار کارهای دستی در مدارس تنها تعلیم حرفه های خاص و مثلاً تربیت آشپز یا حیاط و یا نجار قابل نیست بلکه مقصود اصلی آنست که از طریق عملی راه نفوذ باسرار طبیعت را باز کنیم و راهمماهایی معین در اختیار کودک که باید حاد دشوار تفهم و ادراک پرورش تاریخی انسان را طی کند بگذاریم

اهمیت این نکته را باید ذکر مثالی از کار آموزشگاه بهتر از یک بحث کلی میتوان روشن ساخت

برای شخصی که با آموزشگاههای معمولی عادت کرده باشد و وارد کلاس کار دستی یک آموزشگاه گردد هیچ چیز زنده تر از آن نیست که سیند شاگردان ده ساله و یا دوازده ساله و سیزده ساله اعم از پسر یا دختر مشغول دوختن و یا بافندگی هستند

دروس نخواهد بود که بطور مهم ارتباطی با بعضی از مظاهر زندگی انسان در آینده داشته باشد بلکه تبدیل يك مینیاتور اجتماع حقیقی خواهد شد

هنگامیکه این حقیقت بارز در نظر گرفته شود سیل معلومات سودمند و منظم، طرف آموزشگاههای ما روی خواهد آورد در زندگی صنعتی که شرح آنرا بطور اجمال در صفحات پیش دادم البته هر کسی در کار اجتماعی و صایع سهمی دارد لکن این اشتراك بآن نتیجه که منظور ماست نمیرسد بلکه تنها مقصود آن توسعه محصول است و حال آنکه منظور ما از کارهای دستی در آموزشگاه مستقل از هر گونه مع تجارتی است هدف ما از استقرار کارهای دستی در مدارس بدست آوردن محصولات اقتصادی نیست بلکه پرورش روح و تمایلات اجتماعی شاگردان است و همین استقلال از مافع مادی است که موجب آن میشود کارهای دستی رزمیه را از هر حیث برای شکفتن عنجه های استعداد کودکان فراهم سازد و مدرسه را تبدیل ممر کر علم و ممر حاسخش و سودمند نماید.

مثلا جغرافیا را میتوان ممرله پایه وحدت کلیه علوم دانست

ارزش این علم در آنست که اهمیت کره زمین را از لحاظ فعالیت بشر شرح میدهد

بدیهی است که هر گاه ارتباط دیبا با فعالیت بشر چنانکه باید روشن شود اهمیت و ارزش این علم بسی ناچیر خواهد بود صایع و تمدن انسانی هر گاه از ریشه خود که زمین است جدا شود وجود خارجی خواهد داشت زمین پستایی است که نوع بشر از آغار تا پایان عمر خود شیره حیات را از آن میمکد زمین پناهگاه و نگهبان دائمی و مولد منحصر بمر دکلیه مواد خام لازم برای اراز فعالیت بشر است.



بتن میکرد از جمله حقایق دیگری که توجه کودک را بخود جلب میکند  
 کوتاهی نفع پنبه نسبت به نفع پشم است مثلاً کودک فوراً درمیآید که  
 طول نفع پنبه از یک سوم صد انگشت تجاوز نمیکند و حال آنکه طول  
 رشته‌های پشم گاهی به سه صد انگشت هم میرسد از طرف دیگر مشاهده  
 میکند که رشته‌های پنبه نرم است و بهم نمی‌چسبد و حال آنکه رشته  
 پشم استحکام خاصی دارد که آنرا راست تر و رسیدنش را آسانتر میکند.  
 شاگردان این حقایق را بر اثر تماس مستقیم با مواد طبیعی شخصاً درک  
 میکند و امور گزاینده‌ها گاهی با پرسش و تلقین مورد تأیید می‌گردد.  
 آنگاه شاگردان، تهیه وسایل لازم برای تبدیل نخ پارچه، می‌دارند و  
 برای بیل بدین منظور، اگر بره‌سند مجدداً همان وسیله‌ای را که بشر  
 در آغاز کار برای رسیدن پشم، بکار می‌برد اختراع نمایند این وسیله، عمارت  
 از یک جهت تحت بادبانه‌های تیری بود که با آن پشم را شانه می‌کردند و  
 سپس ساده‌ترین ابزار را برای پیچیدن پشم اختراع می‌کنند و آن عبارت  
 از یک سنک سوراخ شده و یا یک چرخ سبکی دیگری است که پشم از  
 آن عبور میکند و تدریجاً که پیچیده میشود نخ‌ها را سرعت می‌کشد  
 آنگاه بوقت اختراع دوک میرسد در تمام این مدت شاگردان پشم را  
 آنقدر در دست می‌گیرند تا کاملاً پیچیده شود سپس شاگردان ترتیب  
 نظم تاریخی اختراع دیگری می‌پردازد و به‌تعمیر لروم هر اختراع  
 را برای بهبود زندگی بشر درمی‌یابد بلکه اثر هر کدام را در پیشرفت  
 صنعت و حیات اجتماعی نیز درک می‌کنند و تاریخچه عملی تحولات صنعت  
 را از نظر می‌گذرانند و نمایان می‌بینند که بشر برای بدست آوردن قوای  
 بررگی که اکنون در اختیار دارد متحمل چه رحمات دشواری شده است  
 در این طرز تدریس ارومی ندارد که بطور تفصیل از کلیه علوم که در

البته هرگاه ما منظور این نوع کار را تنها آموختن طرز دوختن يك تكمه و یا وصله کردن يك لباس پاره بشاگرد بدانیم مسلم است که عقیده انتفاعی نارسائی از این قبیل کارها در ذهن ما ایجاد میگردد و بهیچوجه فلسفه حقیقی تعلیم این قبیل کارها در مدرسه پی نخواهیم برد

اما هرگاه برعکس ما با يك نظر عمیق تر باین کارها بنگریم مشاهده میکنیم که سررشته ای را بدست كودك میدهد که با تعقیب آن میتواند نيك تجریاں پیشرفت بشر در طی تاریخ پی برد و در عین حال با وسائلی که انسان برای حصول این پیشرفت بکار برده و اصول مکانیکی که از آن استعاده نموده است آشنا گردد برانرا اشتغال باین کارها در حقیقت كودك مراجعه ای بتاریخ پیشرفت بشر میکند مثلا مواد خام از قبیل کف و پنبه و پشم را بهمان صورتیکه از پشت گوسفندان چیده شده است ( هرگاه ما كودکان را بمحلی که پشم گوسفندان چیده میشود هدایت کنیم مراتب بهتر خواهد بود ) در اختیار شاگردان قرار میدهیم ، آنگاه موارد استعمال این مواد را باهم تطبیق می کنیم مثلا پشم را با پشم مقایسه مینمائیم آموگر بطوری خود را نداشتگی میرسد که خود شاگردان بگویند علت عقب ماندن توسعه صنایع پشم سبب نه پشم است که جدا کردن پشم اردانه مراتب دشوارتر از رسیدن پشم است

یکدسته از شاگردان در حدود ۳۰ دقیقه جدا کردن پشم از دانه و جو زرقه اشتعال میوررد و بیش از چند سیرنج پشم بدست نمی آورند و آنگاه پی میرند باینکه شخص اگر بخواهد با دست نخ پنبه تهیه کند در روز بیش از چند ریال نمیتواند پول بدست آورد و نیز درك میکند که چرا انسان در آغاز بموض لباس پنبه ای لباس پشمین

از هر حیث برای تدریس علوم در مدارس فراهم میکند و علوم نیز بمحض اینکه در مدارس تدریس شد امواج روشنائی جدیدی بر کارهای دستی افکنده و معنی آنرا بنظر شاگرد روشن تر ساخته و اهمیت کارهای دستی را از دایره تنگ اشتعال دست و چشم خارج نموده داخل در دایره وسیعتر بوی می کند گذشته از این تدریس علوم بیش از پیش بر تأثیر کارهای دستی برای تهویت میل شاگرد شرکت در زندگی اجتماعی میافزاید. افلاطون میگوید برده حقیقی آن کسی است که عقاید شخصی خویش را مورد عمل نمیگذارد و همیشه تابع عقیده دیگران است این حقیقت در دوره ما هزار بار بیش از رمان افلاطون صدق میکند زیرا در این روزها هیچ چیز در بیک بختی هر فردی بس از آن تأثیر ندارد که از معنی فعالیت خویش کاملاً آگاه باشد و مبطور و مقصود کارش را در مقابل دیدگان محسوس نمید

همگامیکه کارهای دستی با این بطر وسیع و پر برکت در نظر گرفته شو. اعتراض کسانی که پیوسته میگویند افرات در پرداختن بکارهای دستی در مدارس مورد ندارد نکلی مرتفع میگردد زیرا تنها ایراد آنها آنست که این کارها کاملاً جنبه مادی و انتفاعی دارد و حتی روح استقلال رأی و عقیده کودک را حفه میکند گاه از اوقات بطر من چنین میآید که این آقایان اعتراض کنندگان گوئی در جهان دیگری سرمایه بردن را آنچه من میبیم دیبائی که ما در آن زندگی میکنیم جهانی است که در آن هر کسی وظیفه و شعل و مسئولیت خاصی دارد بر حی رئیس و بعضی مرموسند اما نکته اساسی و حیاتی برای هر فرد اعم از رئیس و مرموس آنست که در پرتو تربیت مدرانه و درستی معنی اجتماعی و تأثیر جهانی کار روزانه خود را ادراک کند بگاهی پدبرامون خویش افکنید

تحولات این صنایع دخالت داشته است بحث کنیم مثلاً مطالعه چگونگی ساختمان پشم و مقتضیات جغرافیائی و شرائطی که در پرورش مواد خام تأثیر داشته است برداریم و یا از مراکز مهم ساجی و عوامل فیزیکی مؤثر در محصول صحبت کنیم و با ارجحاً تاریخی از تأثیر این اختراعات در سر نوشت بشر بحث نمائیم بلکه میتوانیم تمام تاریخ اسان را در داستان تبدیل کتف و پسه و پشم بلباس خلاصه کنیم نمیتوانم بگویم که این طرز تدریس یگانه و یا بهترین طرز تدریس است لکن شك نیست در اینکه این طرز تدریس راه را از هر حیث برای پی بردن تاریخ بژاد بشر هموار میکند و ذهن را با اساسی ترین عواملی که از لحاظ سیاسی و مقتضیات زمان در تاریخ بشر تأثیر داشته است آشنا میسازد

آبچه را که در باره بح پشم یا پسه و تبدیل آن پارچه گفتیم (تاره من بطور اجمال از يك یا دو مرحله این تحول بحث کردم) در مورد کلیه مواد دیگر که برای مقاصد صنعتی بکار میرود صدق میکند بطور کلی میتوان گفت که کارهای دستی کودک را باحقیق مطلق و مسلم آشنا میکند بدینقرار که از طرفی بوی تجربه میآورد و از طرف دیگر حقایق را برای او محسوس میسازد اما گذشته از اینها مفهوم حقیقی فوائد تاریخی و اجتماعی صنایع را بکودک میفهماند زیرا بتدریج که ذهن کودک از لحاظ معلومات پرورش مییابد کارهای دستی جسمه تدریجی صرف خود را از دست میدهد و تبدیل به يك وسیله ادراک و تفهم میگردد و بدین طریق اهمیت آن چند برابر میشود و مخصوصاً تعلیم علوم مختلف و گرانها را سهلتر میکند. در دوره کسوی هر فعالیتی برای آنکه قرین موفقیت گردد باید از طریق علمی هدایت شود این نکته حیاتی نباید هرگز در تعلیم و تربیت مورد غفلت واقع شود کارهای دستی زمینه را

داشتند و با شرایط خیلی سخت و تحمل باپذیر جرئی از معلومات خویش را در دسترس توده میگذاشتند لکن بنا بر نتیجه مستقیم همان انقلاب صنعتی که در بالا بدان اشاره نمودیم اوضاع امروز نکلی دگرگوب شده است

ماشین چاپ اختراع شد و انتشار کتاب جنبه تجارتی محدود گرفت کتاب و مجله و روزنامه فراوان و ارزان گردید بر اثر اختراع لوکوموتیو و تلگراف ارتباط سریع و آسان شد و پست و برق نقاط دیر را بهم نزدیک کرد مسافرت فوق العاده آسان شد و آزادی حرکت و مبادله افکار بیسپایت آسان گردید و در نتیجه همه اینها انقلاب فکری بررگی روی داد و تعلیم و تربیت رواج کامل یافت اگرچه هنوز عده معدودی انحصار تحصیلات عالی را در دست دارند و شاید تا چنان باقی است این وضع بدیسان ادامه یابد تا ایسهمه شك بیست که آموزش و پرورش از حال انحصار خارج شده و همه عمومی یافته است یعنی تعلیم و تربیت تغییر ماهیت داده و از صورت حماد خارج شده و بحال مایع در آمده است و اینک با سرعت فراوان در کلیه محاری سازمان اجتماعی ماروان می باشد

توجه باین نکته آسان است که این انقلاب از لحاظ وسائل تعلیم و تربیت و روش افراد است بررگی تغییرات عمیقی در جهان حاصل کرده است از هر سو که بگری یک حرر و مد فکری نظرف ماروان است و فکر خصوصی و معلومات صرف دیگر هیچ روی ماسد پیش ارزش ندارد و تحصیلات اسکولاستیکی بعضی آنکه ماسد سابق موجب افکار باشد مایه انتقاد و اعتراض است

نتیجه این تغییرات و انقلابات طمناً یک انقلاب اساسی در طرر

تا با دیدگان خویش مشاهده نمائید امروز ملیونها تن کارگر همچون  
آباندیس انگل ماشینهای صنعتی شده و تبدیل بارار های مبدائیکی  
بیروح شده اند؟ شاید ماشین و رزم کمونی که متکی بر تولید حداکثر  
محصول است و در نتیجه هرگونه فراغتی را از کارگر سلب میکند علت  
اساسی بیدایش این وضع ملالت بار باشد لکن سطر من این وضع عم انگیر  
بیشتر انشی ار آست که کارگر فرصت ندارد دهن خویش را چنانکه باید  
در باره ارزش اجتماعی و علمی کار خودش روشن سازد امروز در مدارس  
ما نهنگی که سازمان صنعتی ما بر آن استوار است یا توجه نمیشود و  
با آنکه معنی این نکات تحریف میگردد تا موقعی که عریه ساختن  
چیزی و یا تهیه محصولی را در کود کال خویش چه در دوران کودکی و چه  
در زمان جوانی متوجه مقاصد اجتماعی آنها نکسیم و در بر تو تفسیر تاریخی و  
روش علمی این عراب را چنانکه باید پرورش بدهیم اصلاً قادر تشخیص  
خطرات بزرگ سازمان اقتصادی کسوی خویش نخواهیم بود چه رسد  
باینکه بتوانیم با موفقیت این خطرات را رفع کنیم

اگر ما چند قرن قهه را برگردیم مشاهده میکنیم که تحصیل تقریباً  
حده انحصاری داشت و تنها عده معدودی از بیک نحتان میتوانستند  
تعلیم و تربیت فرزندان خویش همت گمارند و گذشته از این موضوع  
تحصیل کاملاً جامعه کلاسیک داشت و مقتضیات اجتماعی هر گر ما مدامرور  
در آموزش و پرورش مؤثر نبود و هیچ وسیله ای که در پرتو آن توده های  
مردم نتواند منابع حقیقی تحصیل دسترسی یابد وجود نداشت منابع  
تحصیل محدود بکتابهای حطی معدودی بود و از آن معدود بیر سنج  
نادری قابل استناد بود و مراجعه بآنها فرصت و توانایی و استعداد  
فراوان میخواست و همین جهت عده قلیلی انحصار تحصیل را در دست

تا موقعیکه در تعلیم کارهای دستی و آموختن حرفه‌های مخصوص هدف و معنی اجتماعی این کارها معلوم و محسوس نگردد تربیت يك مكانيسين يا يك موسيقي دان و يا يك حقوق دان و يا پزشك و يا زارع و يا بازرگان و يا يك كارگر راه آهن نظر عموم تنها از لحاظ ارزش فنی و تخصصی مورد توجه قرار خواهد گرفت و در نتیجه همیشه مردم بدو طبقه متمایز «تحصیل کرده» و «کارگروه متخصص» تقسیم خواهند گردید و دسته‌ای طرفدار تئوری و دسته‌ای هواخواه عمل خواهند شد ار عده کل شاگردان مدارس، برحمت يك درصد موفق تحصیلات عالیه میگردند و تنها ۵٪ قادر بدحول درمدارس عالیه میشوند و بیش ازیمی از شاگردان پس ازانمام دوره تحصیلات ابتدائی و یا قبل از آن مدرسه را ترك میگویند علت این امر بیشتر آستکه پرورش فکری شاگردان چنانکه باید توجه میشود و درپرداختن بکارهای دستی و تحصیلات تجربی افراط میشود

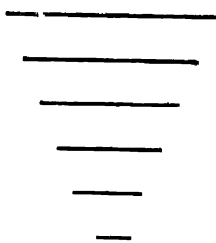
آن عده معدود نیر که دارای هوش ذاتی و نیروی فکری خداداد میباشد بر اثر مواعی که مقتضیات اجتماعی پیش پدای آنها میگذازد نمیتوانند چنانکه باید قوای خویش را پرورش دهند و عمیل خود در ادامه تحصیل همت گمارند بهمین جهت اکثر شاگردان محض اینکه اصول تعلیم و تربیت را فراگرفتند و خواندن و نوشتن و حساب کردن را باندازه آموختند که آنها را در تأمین معاش بکار آید آموزشگاه را ترك میگویند در انائیکه رهبران و علمای تعلیم و تربیت پیوسته تأیید میکنند که هدف و منظور تعلیم و تربیت باید پرورش شخصیت و توسعه فرهنگ باشد اغلب کسانیکه از هدف عالی تعلیم و تربیت آگاه نیستند آموزشگاه را بمنزله يك کارگاه برای فراگرفتن طرز دست آوردن مختصری نان و کره بمنظور

تعلیم و تربیت است که ما هنوز چنانکه باید با اهمیت آن پی برده ایم  
 با وجود این انقلاب شگرف طرق تدریس و برنامه های تحصیلی ما تا  
 اندازه زیاد شبیه بطرق و برنامه های زمایی است که معلومات صرف و  
 تعلیم چند دستور خشک اساس آموزش و پرورش را تشکیل میداد  
 ایدال آن دوره های پوسیده حتی در کشورهاییکه طرز تدریس نکلی  
 تعبیر کرده است هنوز رواج کامل دارد ما ار اینکه امروز کارهای دستی و  
 تعلیم حرفه های سودمند و علوم در آموزشگاهها و حتی دبیرستانهای  
 ما برقرار شده است اظهار حوشوقتی میکسیم غافل از اینکه هدف این  
 تعلیمات فقط پرورش کارشناس است و ما را از منظور عالی خویش که  
 عبارت از تعلیم و تربیت آزاد است فرسنگها دور میسارد و موجب آن  
 میشود که تعلیم و تربیت امروری نیز کاملاً حسب تخصصی و یک طرفی پیدا  
 کند و از دائره وسیعتر توجه بمقتضیات اجتماعی خارج گردد . یعنی  
 در حقیقت براین طرز تعلیم و تربیت نیز مانند طرز آموزش و پرورش  
 قرون وسطی فقط فکر تحصیل و آموزش صرف مسلط است

آری امروز هم تعلیم و تربیت با وجود همه پیشرفتهای خود تنها  
 متوجه پرورش فکر و اساتذت معلومات در معر کودک است و گرنه تمایلات و  
 استعداد های ما بمطور ایجاد و اختراع چیز های بدیع و انجام کار  
 های مفید چنداں عنایتی ندارد این اعتراض که کار های دستی و تعلیم  
 حرفه و تدریس علوم در آموزشگاههای امروز ما تنها منی بر تربیت  
 کارشناس است اعتراض موردی است که باید کاملاً مورد توجه واقع شود  
 اما هرگاه کار های دستی توأم با فعالیت ذهنی آزاد باشد بطوریکه  
 بیروی ابتکار را تقویت و زمینه را برای پرورش استعداد های خدا داد  
 فراهم کند برای کسی حای اعتراض باقی نخواهد ماند



برای نیل بدین منظور بزرگترین راه آنست که مدارس خود را تبدیل  
 بیک جامعه حقیقی کوچک نمائیم و نوع فعالیت و کارهایی را که مظهر  
 جامعه بزرگتر است، فعالیت و کارهایی که آعشته به روح حقیقی هنر و  
 تاریخ و علم باشد در آن برقرار سازیم. هنگامیکه آموزشگاه عرصه آینده  
 جامعه را در همان جامعه منتها بصورت کوچکتر تربیت کند و روح  
 خدمتگراری را در نهاد وی پرورش دهد و وسیله تربیت استقلال رأی و  
 آزادی را در اختیار وی گذارد ما میتوانیم بقیه داشته باشیم که در  
 آینده جامعه ای پرارزش مطلوب و مطمئن خواهیم داشت



تأمین رشدگی تلقی میکنند و حال آنکه هر گاه هدف و منظور تعلیم و تربیت را بنظر وسیعتری بگیریم، هر گاه در آموزشگاه فعالیتی برقرار کنیم که در پرتو آن علاقه و میل شاگردان باحجام کار مفیدی تحریک گردد محیط آموزشگاه حیاتی تر و هدف اصلی تعلیم و تربیت بهتر تعقیب میشود

مطور از اشاره باین انقلابهای اجتماعی و صنعتی چیست؟ حقیقت آنست که رشدگانی اجتماعی ما دستخوش تغییرات و تحولات اساسی گردیده است و هر گاه بخواهیم تعلیم و تربیت بمر در رشدگی ما دارای معنی و مفهومی باشد باید دستخوش اصلاحات و تغییراتی در محور تغییرات رشدگانی اجتماعی ما گردد

التمه این تغییر نباید علقناً و ناگهان صورت گیرد بلکه هم اکنون بتدریج در شرف وقوع است و بطور رصابت بحش پیشرفت میکند همان تغییراتی که در اصول تعلیم و تربیت ما حاصل گردیده حتی بطر کسانی که از بزرگ شاهد آن نیستند تنها بمرله تغییرات جزئی و اصلاحات کم اهمیت از سازمان مدرسی تلقی میگردد بهترین گواه بر آنست که تعلیم و تربیت از هم اکنون در حال تحول است استقرار اشتعالات عملی و مطالعه طبیعت و تعلیم علوم و هنر و تاریخ و احترام از تعلیم دستورهای اخلاقی حشک، بعبیر محیط اخلاقی مدرسه، اصلاح اصماط و روابط بن معلم و شاگرد و استقرار عوامل مثبت تر و فعال تر و آزادی بیشتری در آموزشگاه همه پیش آمدهای تصادفی نیست بلکه معلول تغییرات و تحولات اجتماعی است تنها اشکال بزرگ ما آنست که عوامل اجتماعی را بطور درست ادراک کنیم، بمعنی حقیقی آن درست پی بریم و در تنظیم برنامه های تحصیلی و تدوین اصول تعلیم و تربیت همواره آنرا در نظر بگیریم و

داستان تعلیم و تربیت کپه ماست همانطور که يك استاد علم الحیات ما چند قطعه استخوان میتواند استخوان نندی يك حیوان را مجسم کند ما نیز بخوبی میتوانیم اطاقهای درس معمولی را در مقابل دیدگان خود مجسم سازیم و خود قیاس کنیم که آیا در این اطاقها از لحاظ تعلیم و تربیت حقیقتاً میتوان کارمشت و مفیدی انجام داد؟ ندیبهی است که در اکثر کلاسهای آموزشگاههای امروزی ردیفهای میر و صدلی طوری بطرز هندسی قرار گرفته و فاصله آنها از یکدیگر مانند ای کم است که آمد و رفت بین آنها ناشکال صورت میگیرد و به علاوه اداره همه آنها مساوی است و هر يك از آنها گنجایش بیش از چند کتاب و مداد و مهرداری کاغذ ندارد يك میر بزرگ برای آموزش کار و چند دیوار لخت و گاهی چند عکس این مظهره را تکمیل میکند.

بخوبی معلوم است که در چنین اطاقی تا چه اندازه میتوان کارمشت انجام داد! این اطاقها تنها برای گوش دادن ساخته شده است و شاگردان ناگیرند یا سخنان معلم گوش دهند و یا اینکه عرق مطالعه در کتابهای کلاسیک کردند تحصیل بدون مطالعه کتاب مستلزم ایجاد يك نوع ارتباط فکری بین کودکان است و چنین ارتباط که موجب بهم خوردن نظم و آرامش کلاس میشود بضر اولیای امور مدارس ما بسی نامطلوب میباشد آموزشگاران ماهرترین و مستعدترین شاگرد را کودکی میدانند که خوب گوش دهد و از صفات خوب گوش دادن هم یکی کم حرف بدن و دیگری توانائی جذب حداکثر مطلب است.

مدرسه مواد حاضر و آماده را بوسیله معلم و تخته با اختیار شاگردان میگذارد و بهترین شاگرد آنست که از این جوان گسترده منتهای استفاده را نماید و در کمترین مدت حداکثر سواد را که در دسترسش گذاشته

# مدرسه و زندگی کودکان

در فصل گذشته من سعی کردم روابط بین مدرسه و زندگی اجتماعی را مشخص سازم و لزوم اصلاح طرز تدریس و دقت در انتخاب مواد کار مدرسی را بطوریکه بهتر با احتیاجات کنونی اجتماعی تطبیق نماید تأیید کنم.

در این فصل میخواهم موضوع را ارحمه دیگر بررسی کنم بدین معنی که روابط مدرسه را با زندگی و چگونگی پرورش کودکان در مدرسه شرح دهم و چون روش کردن ارتباط اصول کلی تعلیم و تربیت با زندگی پر شور کودکان بدون مثالهای زنده بسیار دشوار است چند عکس از کارهای آموزشگاه نمونه واستمه به داشنگاه را با این فصل چاپ میکنم تا هم این ارتباط صریح تر شود و هم اثبات گردد که افکار من تا چه اندازه عملی و مثبت است

چند سال پیش روزی من در شهر برای خرید لوازم مدرسه گردش میکردم و اهتمام داشتم میروصدلیهایی پیدا کنم که از هر حیث چه از حسمه هنر و چه از لحاظ بهداشت و تعلیم و تربیت کاملاً درخور احتیاجات کودکان باشد ولی تمام شهر را بیرون و درون کردم و آخر هم بمقصود نرسیدم بالاخره مل فروشی که از دیگران هوشیارتر بود دردد درویی من پی برد و گفت «بیم آن دارم چیزی را که شما میخواهید ما نداشته باشیم شما چیزی میخواهید که کودک روی آن بتواند کار کند و حال آنکه اینها فقط برای گوش دادن ساخته شده است؟» اظهارات این مبل فروش احتمالی از

برنامه تحصیلی و طرق تدریس نیز متحدالشکل و یکسان است  
وقتی اساس تعلیم و تربیت بدینسان تنها گوش دادن باشد طبعاً وسائل تحصیل و  
طرق تدریس نیز یکسان میشود و دیگر هیچگونه محلی برای تطبیق  
برنامه و طرز تدریس با استعدادهای مختلف و تقاضاهای متفاوت شاگردان  
واقی نمیتواند یعنی در حقیقت مقدار معینی معلومات آماد شاگردان  
عرضه میشود و همه آنها موظف هستند که در مدت معینی آنها را بگیرند  
کلیه برنامه های تحصیلی آموزشگاهها و دبیرستانها متکی بر همین نظر  
اشتهاء و حظرتناك است تهیه کنندگان این برنامه ها چنین میپندارند  
که مقدار معینی معلومات و يك میران کارهای فنی مشخصی در جهان  
وجود دارد و یگانه و طبیعه آموزشگاه آستکه فراگرفتن این معلومات  
را بین شش و یا دوازده و یا شانزده سال زندگی مدرسی تقسیم کند و  
هرگاه تحصیل این معلومات درست بین سالهای تحصیلی کودک تقسیم شود  
شاگرد در موقع معین تمام برنامه را با موفقیت انجام خواهد داد و برای  
زندگی آماده خواهد شد و همگامیکه کار هر کودک در ساعت و روز و  
هفته معین معلوم شد فراگرفتن معلوماتی که در برنامه معین شده است تا  
آخر بر وفق مرام پیش خواهد رفت بشرط آنکه کودک آنچه را که در  
سالهای پیش فرا گرفته است فراموش نکند نتیجه این نوع تحصیل در  
گزارش معروف مانیوارنولد Matthew Arnold راجع به بیانات  
یکی از کارشناسان مشهور تعلیم و تربیت فراسه کاملاً تشریح شده است  
کارشناس نامبرده با نهایت افتخار و مباحث گفته بود که در فراسه چندین  
هراتن شاگرد در ساعت معین مثلاً ساعت بارده مشغول تحصیل جغرافیا  
میشد و عموم آنها طوری درس را بطور یکمواحت فرا میگیرند که  
گوئی تنها يك استاد همه آنها درس میدهد

شده است در ذهن خود انباشته کند

لازم تذکر نیست که در اطاقهای درس امروزی بهیچوجه فرصتی بکودک برای کار کردن داده نمیشود و کارگاه و آزمایشگاه و اراری که شاگرد بوسیله آن بتواند سازد یا ایجاد کند و عملاً معلوماتی کسب نماید وجود ندارد و حتی کودکان را از فضای کافی و لازم محروم میسازند بطور کلی مسائلی که مربوط به رعایت ذاتی و حقیقی است در تعلیم و تربیت امروزی محلی ندارد و بقول رهامداران تعلیم و تربیت که در روزنامه ها راجع بآمورش و پرورش داد سخن میدهند پرداختن باین مسائل اتلاف وقت و عمر صایع کردن است چندی پیش حاوی میگفت که چندین آموزشگاه را سرکشی کرد نماید اینکه مدرسه ای بیاد که در آن قلم از شروع درس از طرف معلم فعالیتی از جانب شاگردان برادر گردد و یا آنکه شاگردان مقصود معینی از پرسشهای خود داشته باشند ولی سی مدرسه را افلا از بربر با گذراید بدون آنکه بآرروی خویش مانع گردد و بالاخره درسی و یکمب موردی مطابق دلخواه خود یافت

که دیگر که در این اطاقها با صدایهای بیشمار خود فوق العاده رعایب میگردد است که حتی المتدور عده بیشتری در درس شرکت کنند زیرا کثرت شاگردان موجب آن میشود که بر شدت حس اطاعت کور کورانه و حدب معلومات قالبی آنها اضافه شود بدیهی است محض اینکه شاگردان از هم جدا شدند حسمه تحصیل اشتراکی آنها از بین میرود و هر کدام شخصیتی جداگانه از قبیل شخصیتی که در خارج از مدرسه و خانه و زمین ورزش و غیره دارند پیدا می کنند و در این صورت نمیتوان گفت که در مدرسه مشغول تحصیل میباشد و این نکته کاملاً مخالف نظر اولیای امور مدارس امروزی است

خویش را درست تشخیص می‌دهد و وسائل تعلیم و تربیت آن را از لحاظ مادی و چه از جهات معمولی فراهم میسازد نیک میتوان دید که کودک از راه شرکت در مذاکرات و کارهای اشتراکی پیوسته معلومات گرامهائی فرا میگیرد

در هر بحث و گفت و شنودی که در خانه روی میدهد نکات جالب توحشی است که میل حقیقت جوئی کودکان را ارضا میکند و انرا پایداری در ذهن کودک می بخشد بسیار اتفاق میافتد که کودک ناگهان در گفت و شنود بزرگان مداخله نموده و با پرسشهای پی در پی افکار نارسای خویش را تکمیل و اشتباهات خود را تصحیح میکند گذشته از این در چمن خانه کودک همواره در اشتغالات و کارهای اجتماعی شرکت میجوید و معهه د نگر کردن و منظم بودن و رعایت حقوق و افکار دیگران میگردد و مخصوصاً این اصل حیاتی را فرا میگیرد که چگونه فعالیت خویش را تسامع مع عمومی حیوانه سازد این قیل خانه ها معمولاً دارای کارگاههائی میباشد که در آن کودک میتواند افکار اساسی و استعداد های فطری خویش را موقع عمل گذارد و روز بروز بر میران تحقیقات خود بیفزاید دائره فعالیت کودک بتدریج از خانه و باغ تجاوز نموده و شامل مراغ اطراف و جنگل ها خواهد گردید و از گردش و پیاده روی و شرکت در گفت و شنود بزرگان بهره مند خواهد شد و بدیبطریق ابواب دنیای وسیع تر خارجی بروی وی مفتوح خواهد گردید

ما هرگاه آنچه را که در این خانه نمونه میگردد تعمیم دهیم و آنرا تحت نظم و ترتیب در آوریم دارای آموزشگاه نمونه و ایده آل خواهیم شد من مابین اظهار دعای کمی کم که راز نزرگی را شکافته ام و

خیلی مصحح است که در یکی از شهر های امریکا مدیر یکی از دبیرستانها برای هر کسیکه دبیرستان را دیدن میکرد اطهارات استاد تعلیم و تربیت فراسوی را با آن و نای حاصی تکرار مینمود شاید من در شرح نواقص اساسی اصول تعلیم و تربیت قدیم یعنی عدم رعایت تمایلات و استعداد های کودک و تدریس مکانیکی و بکسواخت بودن برنامه و طریقه های تحصیل اندکی راه افراط پیموده باشم ولی در عوض بدینوسیله توانسته ام نواقص بزرگ تعلیم و تربیت قدیم را که هور هم رواج کامل دارد مشخص سازم

بطور کلی نقص تعلیم و تربیت که ما ممتسی بر این اشتهاء بزرگ است که مرکز نقل آموزش و پرورش را در خارج از وجود کودک میپسندارد و همه چیز خارجی اعم از کتاب و معلم و غیره در هر موردی اثر از توجه کامل نمیکند لکن بر این فوری و فعالیت آبی و ذاتی خود کودک هیچ وقتی نمیبند بعمارت دیگر متوجه این حقیقت بزرگ ایست که کودک در مدرسه زندگی میکند

ما بر این مهمترین اصلاحی که در جهان تعلیم و تربیت باید روی دهد آست که مرکز نقل آن کاملاً تغییر یابد و انقلابی بطیر انقلابیکه کپریک در نجوم حاصل نمود در آن صورت گیرد یعنی چنانکه کپریک مرکز نقل نجومی را از زمین بحورشید انتقال داد تعلیم و تربیت باین بزم مرکز نقل آموزش و پرورش را باید از خارج نهاد خود کودک انتقال دهد در اینصورت کودک تبدیل ناآشنایی میگردد که احوال آن آموزگار را در راه سسگلاخ و دشوار تعلیم و تربیت بسکوترین و حقیقی هدایت نموده و در عین حال روز بروز بر ناندگی و فروع خود میافزاید در يك حاه نمونه که پدر و مادر سعادت و نیکبختی فرزندان



حقیقی خود یعنی مخالف انباشته کردن معلومات در ذهن کودک بگیریم ولی بنظر هر صاحب نظری تطبیق اصل « استخراج قوا » با کارهای معمول کودک سه و چهار و هفت و یا هشت ساله بسی دشوار میساید زیرا او در این سالها کاملاً مشغول دویدن و قیل و قال کردن و بهم ریختن اشیاء و پرداختن به فعالیت های مختلف است او یک موجود ساکت و غیر متحرک نیست که مری بتواند با احتیاط و زبردستی فراوان با او نزدیک شده و متدرجاً هسته فعالیت درونی وی را کشف و قوای آنرا استخراج کند بلکه کودک در ایام طفولیت عرق در فعالیت است و مسئله تعلیم و تربیت در این سالها تنها عبارت از مراقبت فعالیت های وی و راهمائی آنهاست . این فعالیت ها در پرتو راهمائی خوب و استفاده نمود و منطقی بعوض آنکه به دررود یا آنها حسی تجلیات قوای مکنون را داشته باشد مایه همه نوع بهره مندی و استفاده میشود

هرگاه ما این نکته را همواره در نظر داشته باشیم اشکالی که پیش ازها شکل دیگر در باره تعلیم و تربیت بویں پدید میآید نکلی مرتفع میگردد

اما ایرادی که اکثر اوقات اولیای امور تعلیم و تربیت در این خصوص میکنند آنستکه اگر ما باشد افکار و تمایلات و حواشی های نارس و گذران و مشتت کودک را که بهیچ روی با سمک عمل و تدبیر و تجربه سیقل نیافته است مسای تعلیم و تربیت قرار دهیم چگونه ویرا بطم و اصراط معتاد سازیم و یا آنکه بر معلومات و اطلاعات او بفرایم؟ البته اگر مقصود تنها تحریک و تشویق تمایلات کودک بدون در نظر داشتن نتیجه ای باشد ایراد بالا موجه نظر میرسد در این صورت البته باید یا نکلی فعالیت های ذاتی کودک را ندیده گرفت و از پرورش آن جداً

با بيك كشف نزرگ تربیتی مائل آمده ام و با طريق خاصی را برای اصلاح تعليم و تربیت ارائه داده ام بلکه میخواهم بگويم مهمترين وظیفه ما در تعليم و تربیت ابتدائی آست که آنچه را که در اکثر حايه ها معلل مختلف بطور ناقص و بدون هدف انجام میگيرد در آموزشگاه بطور مدبرانه تر و ماهرانه تر و مطمئن تر انجام دهيم و برای نيل بدین مقصود نير بايد بحسب همان حايه ايدآل را وسيع تر سازيم و تماس كودك را با اشخاص بزرگتر و كودكان بیشتر زياد تر كنيم و بدی بطريق محيط يك رندگی اجتماعی آرادتر و پرمركت تری را برای وی ایجاد نمائيم بدیهي است که کارهای خواه و ارتباط آن با محيط اطراف کاملاً برای پرورش كودك مقتضى بيست و آنچه كودك از محيط حايه ميتواند فراگيرد حومه تصادفی دارد و ما برابرین در حايه نمیتوان چنانکه بايد بهدف تعليم و تربیت حقیقی مائل گردید از اینجاست که ایجاد آموزشگاه ضرورت پیدا میکند آموزشگاه موضوع رندگی خود كودك را بايد در درجه اول اهمیت قرار دهد آنگاه وسائل لازم برای تسهيل پرورش كودك را فراهم سازد آموزش و پرورش البته لازم و سودمند است لکن رندگی كردن از آن ضروری نرسودمند تر میباشد و ما برای آموزش و پرورش بايد تابع اصل تأمین رندگی كودك باشد

وقتی ما رندگی كودك را در آموزشگاه در درجه اول اهمیت قرار دادیم بيدريك ماين حقیقت پی میبريم که نخستین وظیفه ما در آموزشگاه آن بيست که كودك را بگوش دادن و ادا ر كنيم بلکه برعكس بايد برای وی محيطی درخور رندگی كردن بوجود آوريم

این اصطلاح معمول که تعليم و تربیت تنها «استخراج قوای خداداد از نهاد كودك میباشد» در صورتی درست است که کلمه استخراج را بمعنی

البته كودك از طرز استعمال ابرار نیز باید كاملاً آگاه باشد. هر گاه كودك غریزه خویش را ارضاء و ساختن جعبه اقدام نماید مسلم است كه در اننای ساختن این جعبه برای پرورش و تقویت حس نظم و نیروی پشتكار كودك و اراده وی در مرتفع ساختن مشكلات و بدست آوردن اطلاعات گرانبها فرصت های بسیار نیکوئی بدست می آید

اما از طرف دیگر كودكى كه خیال میكند ارعدا بختن لذت خواهد برد درست از میل خویش اطلاع ندارد و نمیداند كه برای بیل بمقصود چه موادی لازم است این میل هوسى گذران است شاید هم منظور دیگری حر تقلید از كارهای بزرگتران نداشته باشد و بهمین جهت ما نباید فوراً فریفته این هوس ضعیف گردیم، بلکه باید مشاهده کنیم كه آیا میل كودك حقیقی و فطری است یا نه ؟ تنها هنگام تلاش در راه ارضاء يك میل طبعی است كه كودك نامشكلاتی كه باید مرتفع سارد آشنا میشود و اطلاعاتش بیشتر و حس نظم و انضاطش بیرومد تر میگردد

يكی از كودكان چندی پیش هنگام درس عملی آشپزی شكیباتی خویش را از طی کلیه مراحل تجربی برای بیل بمقصود از دست داد و با عصابت پرسید

چرا بیهوده وقت خود را صرف این حرئیات نمائیم ؟ آیا بهتر نیست يك كتاب آشپزی سار کنیم و دستور مربوط باین خوراك را فوراً اجرا نمائیم ؟ آموزگار فوراً ار شاگردان پرسید كه اندكى فكر كنید دستور از كجا آمده است ؟ بحث در این خصوص نشان داد كه هر گاه شاگردان دستور خشك را تنها اجرا كنند بعلل كار خود پی نخواهند برد و از روی میل و رغبت در راه نیل بمقصود تلاش نخواهند كرد و بهمین جهت همه كودكان متقاعد شدند بهتر است آشپزی را عملاً فراگیرند و کلیه مراحل

جلوگیری کرد و یا آنکه برعکس این فعالیت ها را پایه تعلیم و تربیت قرارداد لکن هرگاه ما برای رهبری این فعالیتها و تمایلات وسائل کافی در اختیار داشته باشیم راه دیگری در مقابل ما بارمیشود بدینقرار که در پرتو آن وسائل میتوانیم فعالیت کودکان را هدایت کنیم و از آن هم برای پرورش شخصیت فرد و هم برای تأمین نیک بختی جامعه منتهای استفاده را نمائیم منلی است معروف که میگوید «هرگاه میل اسب بودگدا عم نداشت ربر آسان سوار آن میشد» اما چون اینطور نیست و ارضای میل یا رغبتی بطوریکه سعادت آدمی را تأمین نماید کمی دشوار است بنا بر این برای بیل بمقصود باید مشکلات بشمارای را رفع کرد و با وسائل رسیدن بمقصود آشنا شدوار بیروی عقل و بردباری و پشتکار و مراقبت که خدا سآدمی ارزایی فرموده است منتهای استفاده را نمود تنها بر اثر طی این راه دشوار و پرپیچ و خم است که میتوان روح نظم و انضباط را تقویت نمود و مرتطابق قوای حدادادی و چگونگی استفاده از آنها را فراگرفت و بیش از پیش بر معلومات خود افزود. مثلاً کودکی را فرض کنید که میل دارد جمعه ای سارد اگر آرزوی وی تنها در مرحله خیال و یا میل شدید باقی بماند طبیعی است که نیروی نظم و ترتیب وی از این میل چندان نفعی نخواهد برد لکن هنگامیکه سعی میکند بر میل خویش جامعه عمل پوشد ناگزیر است بیکرشته اقدامات ارقبیل تصریح میل خود در دهس و تهیه یک نقشه و انتخاب چوب خوب و اندازه گرفتن قطعات چوب و رعایت تناسب بین آنها و غیره مبادرت ورزد گذشته از این تهیه این جعبه مستلزم آماده ساختن وسائل لازم و آشنایی بااره کردن و نقشه کشیدن و صاف کردن چوب با کاعد سمبانه و ساختن گوشه و زاویه مناسب و غیره است



۱ - تصویردهی يك كودك هفت ساله راجع بهار و درخت پس از درس  
معلم درباره زندگی انسان اولیه

تجربی آنرا از آغاز تا پایان طی کنند زیرا یقین حاصل کردند که تنها از این راه میتوانستند هم آشپزی را درست فرا گیرند و هم بر معلومات خویش درباره تحول این فن بیفزایند اتفاقاً در آن روز درس آنها پختن تخم مرغ بود و آموزگار میخواست دوره استحاله بین پختن نباتات و گوشت را نشان دهد

شاگردان برای اینکه مقایسه‌ای بین پختن این دو مواد نمایند نخست مواد متشکله نباتات را مورد مطالعه قرار داده و سپس آنرا با مواد متشکله گوشت مقایسه کردند و بدین طریق درک نمودند که رشته‌های چوبین و یا سلولر در نباتات با سوسج گوشت مطابقت نموده و عناصر اصلی و اساس شکل و ساختمان این دو ماده را تشکیل میدهند و همچنین دریافتند که نشاسته و مواد نشاسته‌ای اختصاص به نباتات دارد لکن در هر دو ماده با اندازه کافی نمک یافت میشود و نیز در هر دو ماده چربی وجود دارد منتهی میزان آن در نباتات کمتر و در گوشت بیشتر است بدین طریق ذهن آنها برای مطالعه آلومین آماده گردید و دانستند که آلومین جوهر مواد گوشتی است که با نشاسته در نباتات تطبیق می‌کند و با استفاده از تخم مرغ شرایط پختن عداهای آلومین دار و فعل و انفعال آلومین را در مقابل محرکهای خارجی تحت مطالعه قرار دادند

آنها نخست تأثیر درجه‌های مختلف حرارت را بر سفیده تخم مرغ آزمایش کردند و چشم خود دیدند آب نیمه گرم و آب گرم و آب خوش چه تأثیری بر سفیده تخم مرغ دارد و بدین طریق به آنها طرز تخم مرغ پختن را فرا گرفتند بلکه بطور قطع با عواملی که در پختن تخم مرغ مؤثر است آگاه شدند من بار دیگر میخواهم اهمیت این آزمایش را در لحاظ تعلیم و تربیت گوشت در کم ریرا ارضاء میل کودک و پختن يك تخم

عقیده کودک راجع ناچیه که از درس معلم فرا گرفته است در این عکس اظهار شده است غار باهات سلیقه درسیه تپه بطوریکه هرگز باحقیقت وفق نمیدهد قرار گرفته است درخت معمول کودکال بیر که عبارت از يك خط عمودی با چند خط افقی راست است در آن مشاهده میشود هر گاه کودک را آزاد میگذاشتیم که روز بروز باین طرز نقاشی خود ادامه دهد او میل خود را ارضاء میکرد لکن هر گز عریز و استعداد های وی پرورش نمی یافت و همین جهت وی گوشه زد کردیم که درست بدرحت دقیق شود درختی را که رسم کرده است با درخت حقیقی مقایسه نماید و اندکی بیشتر بکار خویش دقت کند بر اثر این تذکرات نقاشی درخت را نصیح کرد و بعد به بیروی تخیل و هوش خویش فشار وارد آورد و وارد بگرافکار خود را در تصویر جدیدی امر داشت

عکس دومی که در صفحه ۴۰ چاپ شده است مطره حسگلی را دارد که درختان آن سر با آسمان کشیده و در عین حال اندازه کار يك شاگرد در رنگ احساسات شاعرانه معکس میسازد گذشته از این درختان آن از لحاظ تناسب بدرحتان حقیقی شاهد فراوان دارد و بر خلاف عکس پیش درختان آن تنها دارای جنبه نمونه درخت بیست هر گاه ما بخواهیم عریز کودکال را بصورتیکه در آموزشگاه امر از میگردد طقه نندی نمائیم میتوانیم آنها را بچهار دسته تقسیم کنیم نخست غریبه اجتماعی که بوسیله صحبت کردن و مراد و تماس با سایرین امر از میگردد

همه ما میدانیم که کودک از سن چهار یا پنجسالگی چگونه همه چیز را بحود نسبت میدهد و خویشتن را محور زندگی میشمرد هر موضوعی که مطرح گردد فوراً برای وی جنبه شخصی پیدا میکند و هر گاه

مرغ و طی مراحل لازم برای نیل باین منظور از قبیل انداختن تخم مرغ در آب گرم و بیرون آوردن آن پس ارسه دقیقه از لحاظ آموزش و پرورش چندان مهم نیست لکن هرگاه کودک در انانای ارضاء میل خویش با وسائل و شرائطی که در رسیدن بمقصود اهمیت و تأثیر قطعی دارد آشنا گردد و در نتیجه بطم و ترتیبی بمیل خود بدهد کاروی اهمیت تربیتی فراوان پیدا میکند و همین جهت است که مربیان مدرسه و لایق باید همواره فرق بین تحریک یا ایجاد رغبت را با ارضاء آن از راه و جهت عاقلانه خود چنانکه باید تشخیص دهند

یکی دیگر از عرایب کودک استعمال کاعد و مداد است کلیه کودکان میل دارند افکار درونی و استعداد های ذاتی خویش را بوسیله شکل و رنگ ابرار دارند اگر شما کودک را تا هر موقع که بخواهد در کار کردن با کاعد و مداد آزاد بگذارید و چنین تصور نمائید که از این راه پرورش استعداد های ذاتی وی کمک کرده اید راه حطا بیموده اید زیرا استعداد او را اینکه تمهالایم قطع با کاعد و مداد سروکار داشته باشد پرورش بخواهد یافت لکن هرگاه شما کودک را در ابرار عریبه خویش آزاد گذارید و در عین حال از راه انتقاد و پرسش و تلقین ذهن او را راجع بکاری که کرده است و باید نکند چنانکه باید روشن کنید نتیجه کاملاً فرق میکند عکسی که در صحنه ۳۷ از پدر شما گذشت کاریک کودک هفت ساله است این نتیجه متوسط کار کودکان هفت ساله نیست بلکه بهترین نمونه کار آنهاست

اهمیت این عکس از این لحاظ است که بیکونترین وجهی حقیقت اظهارات مرا نشان میدهد. این عکس پس از درس معلم درباره طرز زندگی انسان اولیه هنگامیکه در عارها بسر میبرد رسم شده است.



خواهد در باره آن اظهار نظر کند میگوید « من آنرا دیده‌ام و یا اینکه پدر و یا مادرم درباره آن برای من صحبت کرده‌اند ». افق معلومات وی چندان وسیع نیست و هرگاه نخواهیم علاقه او را طوری آزمایشی جلب کنیم که درصدد ربط دادن این آزمایش به آزمایش‌های پیشین خویش و یا بالعکس بردن آن آزمایشها به آزمایش جدید برآید باید این آزمایش کاملاً محسوس وی گردد تا به علاقه کودک باین آزمایش که محدود است و کاملاً حمله شخصی و خود پرستانه دارد زیاد قابل پرورش نیست. عربره، کلمه ساده‌ترین شکل ابراز تمایلات اجتماعی کودک است و همین جهت است که این عربره را باید بمنزله بررگترین و بررکت‌ترین منابع تعلیم و تربیت دانست.

دوم عربره ساختن و کاری انجام دادن است. این عربره در وهله اول بصورت بازی و حرکت کردن ابراز می‌گردد و بتدریج بصورت صریحتری درآمده و تبدیل بعمل ریختن مواد و اشیاء در قالب صورتهای صریحی میشود.

بدیهی است که کودک در سالهای اول زندگی، بروی تجرید و تعمیم ندارد بلکه تحقیق و مطالعه وی بیشتر از راه احتیاط عربره ساختن با عربره تکلم صورت می‌گیرد. سطر کودکان هر دو سال هیچ فرقی بین آزمایش علمی و کاری که در بزرگ کارگاه بحاری صورت می‌گیرد و خود ندارد. آزمایشهای علمی مانند تجربات شیمیائی یا فیزیکی که مسطور آن استخراج حقایق فسی و یا کشف اصول کلی باشد بهیچوجه بدرد کودک نمی‌خورد. کودکان فقط میل دارند کاری انجام دهند و ببینند نتیجهٔ اینکار چه خواهد شد. اما از همین عربره کودک میتواند استفاده نمود و با هدایت آن طرف راههای درست نتایج گراستها گرفت.

٢ - تصويريك جنگل در ذهن كودك



۳ - نقاشی بامدگی با دست که کار يك دختر ۱۱ ساله است

عریزهٔ کودکان برای ابراز افکار و تمایلات خود یعنی در حقیقت عریزه ابراز هنر میر از عریزه ساختن و میل حصول ارتباط بادیگران پدید میآید

این عریزهٔ بهترین وسیله ابراز تمایلات حقیقی کودک است هرگاه کار کودک را کامل کنیم و بآن یک جنبه اجتماعی بخشیم میتوانیم از آن ار لحاظ تعلیم و تربیت نتایج گرا بهسائی بدست آوریم. برای درک این حقیقت امثالی از کار نساجی که شامل دوزندگی و بافندگی است میآورم

کودکان در کارگاه خود یک دستگاه نساجی اولیه ساختند. در اینجا از عریزه آنها برای ساختن استفاده شد شاگردان پس از ساختن این دستگاه مایل شدند با آن چری بیافند دستگاهی که ساخته بودند از نوع دستگاههای نساجی سیاهان امریکا بود و سا بر این پتوهائی که معمولاً دست سیاهان بافته میشود با آنهاشان داده شد. هر یک از کودکان نوعی را پیشنهاد کرد و یکی از آنها که مستعدتر برای کارهای دستی نظر میرسید برای بافتن پتو انتخاب گردید. منابع فی البته محدود بود لکن شکل پتو را خود کودک که دوازده ساله بود انتخاب کرد و رنگ آمیزی آنرا نیز خودش انجام داد آرمایش نشان داد که کودک برای بیل بمقصد از پیروی شکیبائی و دقت و پشتکار خویش منتهای استفاده را نمود در انجام اینکار نه تنها حس نظم و انضباط او تقویت یافت و اطلاعات او چه از لحاظ تاریخی و چه از جهات فی افرون گردید بلکه علاقه وی به هنر نیز بیشتر شد

برای نشان دادن ارتباط روح هنر دوستی با روح فعالیت در کودکان مثال دیگری ذکر میکنم  
کودکان مشغول مطالعه و آزمایش طرز بافندگی و ربسندگی انسان



۴ - نقاشی یکدختر در حال نامدگی

اولیه بودند که ناگهان یکی از آنها که دوازدهمین مرحله زندگی را میبیمود شروع بنقاشی عکس شاگرد بزرگتری نمود که در همان موقع مشغول بافتن بود این نقاشی که کاریک کودک یازده ساله است البته نمونه حد متوسط دوزک کودکان نیست بلکه بهتر از میران متوسط است بطور کلی در میان کودکان خردسال مخصوصاً علاقه به تر از تمام کامل ناغریزه اجتماعی و میل به رعنائی و حصول ارتباط با دیگران دارد این رغتهای چهارگانه یعنی میل ناامیرش یا تماس حاصل کردن با دیگران، میل بتحقیق و با کشف اشیاء، میل بهجبری درست کردن یا ساختن، میل بهرعنائی عذارت از منابع طبیعی و سرراهیه را کدی است که استعاده از آنها درتعلیم و تربیت نتایج قطعی و گراستها دارد بيمورد بیست در اینجا يك يا دو مثال از نمونه کار يك کودک هفت ساله ذکر کنم

این مثالها میل شدید کودکان را بصحمت کردن مخصوصاً در راه اشخاص و یا چیزهای مربوط باشخاص نشان میدهد هرگاه شما روحیه کودکان را تحلیل نمائید ملاحظه میکنید که آنها وقتی باشیاء جهان علاقه دارند که با اشخاص و یا متعلقات اشخاص ارتباط داشته باشد بسیاری از اسان شناسان میگویند که این رعنتها و کارهای کودک امروری با امیال و فعالیت های اسان اولیه مشابته فراوان وجود دارد و بطور کلی در ذهن کودک همواره يك بارگشت طبیعی بکارهای اساسی اسان اولیه مشاهده میشود گواه بر این حقیقت آنست که کودکان پیوسته در گوشه حیاط خانه ها و کلبه های کوچک کاملاً شیء سخانه های انسان اولیه میسارند یا اینکه دائماً با تیر و کمان و نیزه سروکار دارند و معمولاً بازی شکار و بطور کلی تفریحات و کار های انسان اولیه میبردازند اینك دوازه این سؤال پیش میآید در مقابل این رعبت ها چه روشی

ضمن مطالعه و آزمایش سنگها بمنظور کشف سنگی که بهتر برای نیل بمقصود معین بدرد بخورد دهش بتدریج برای شلمسانی فلرات هم آماده میشود. بحث در اطراف دوره آهن ایجاب نمود که يك کوره نزرک از گل رس ساخته شود و از آنجا که کودکان در آغار کار نتوانستند کوره درستی بسازند و تناسب بین دهه و دودکش آرا تعیین کنند و نیز اندازه و موقعیت آرا معلوم نمایند ناگیر شدند که درباره اصول احتراق و میزان سوخت و تیره اطلاعاتی بدست آورند و چون چنین اطلاعاتی نداشتند محبور شدند که نخست از طریق آزمایش این اطلاعات را بدست آورند و بهمین جهت کودکان برخی مواد ماسد مس را گرفته و با آن بیکرشته آزمایش پرداخته، آرا دوب نموده و اشیائی از آن ساختند همان آرمایشها را ناسرب و فلرات دیگر نیز تجدید کردند

بدیهی است این آزمایشها خود مطالعه يك دوره جغرافیا بود زیرا کودکان ناگیر بودند که در باره مقتضیات و شرائط طبیعی که در خور صورتهای مختلف زندگی اجتماعی بوده است پیوسته فکر کنند مثلا در دهس محسوم کسد که چه شرائط طبیعی مقتضی زندگی ایلپاتی و یا مرحله اول زندگی کشاورزی و یا دوره صید ماهی و غیره بوده است؟ طرز مداخله طبیعی بن این اقوام چگونه صورت میگرفته است؟ کودکان پس از آنکه در باره این مسائل بحث و گفتگوی کافی مینمودند نتیجه مطالعات خویش را بوسیله نقشه و یا با توده های شن نشان میدادند و بدینترتیب هم از اشکال مختلف پستی و بلندی زمین آگاه میشدند و هم روابط آنها را با فعالیت بشر بچشم خویش میدیدند بطوریکه موضوع درس تنها جنبه يك عامل خارجی را نداشت بلکه افکار اجتماعی و حقایق زندگی و چگونگی پیشرفت بشر را تا اندازه زیاد منعکس میساخت

باید پیش گیریم؟ آیا ما باید آنرا نادیده بیانگاریم و یا آنکه آنرا تحریک و ابرار آنرا تسهیل کنیم یا آنکه باید این امیال را بطرف کارهای عالی تر و بهتری هدایت کنیم؟ ما در تهیه برنامه برخی از کارهای کودکان هفت ساله نظر اخیر را مرعی داشته ایم یعنی طوری از این رعبت ها استفاده نموده ایم که در پرتو آن کودک بتواند پدشروت اسانیت پی برد کودکان را بخيال از مدنیت کمونی دور میکنیم و آنها را با طبیعت لخت اولیه روبرو میسازیم بطوریکه فوراً در برابر دیدگان آنان يك طایفه شکارچی که در بیعوله عارها و یا بالای درختان بلند زندگی میکسد و با شکار یا صید ماهی قوت لایموتی بدست می آورد محسوم میشود و تا جائیکه بیروی خیال آنها عرصه حوالاں دارد شرائط و مقتضیات طبیعی را که در حور این نوع زندگی باشد از قیل يك منطقه بیشه رار در ردیکی کوهستانی که رودی مملو از ماهی در کنار آن جاری باشد در دهن خود فرص میکسد و سپس بیروی تحیل از مرحله شکار به مرحله زندگی نیمه کشاورزی وار مرحله احیر به مرحله زندگی ایلایاتی وار این مرحله مرحله زندگی کشاورزی انتقال مییابند بکنه ای را که باید همواره در نظر داشت آستکه بر اثر طی این مراحل کودک موارد و فرصتهای بیشماری برای مطالعه طرز زندگی کمونی و تحقیقات و اکتشافاتی که معلوماش را بیش از پیش زیاد میکند بدست میآورد

بدین طریق عربزه اجتماعی کودک نینکوترین وجهی ابراز گردیده علاقه وی باشخاص و کارهای اسان دم بدم شدید تر میشود مثلا در آموزشگاه نمونه ای ماهنگامیکه کودک اطلاعاتی اراسلحه های اولیه از قیل سك های نوک تیز و غیره بدست میآورد برای آزمایش مواد از لحاظ استحکام یا سستی و شکل و صورت و ماهیت آنها کاملاً آماده میشود و



تربیت کهن بسیار دشوار بود بتوان شاگردان آموخت که چگونه  
 جداکمل و بطور آزاد از زبان مادری خویش استفاده نمایند علت این  
 امر واضح است زیرا کمتر اتفاق می افتد که زبان را از روی اصول طبیعی  
 تدریس نمایند در کتابهای تربیتی زبان همراه وسیله ای برای اظهار و بیان  
 افکار تعریف شده است

ما بر این تعریف فقط بررنگ سالان که دارای معری ورزیده و  
 افکاری صریح هستند میتوانیم چنانکه باید از این وسیله استفاده نمایم و  
 حال آنکه زبان بیش از هر چیز حننه احتمالی دارد و وسیله ای است  
 که در پرتو آن ما تجربیات خویش را در اختیار دیگران میگذاریم و  
 در عوض آرمایشهای آنها را میگیریم و شک نیست وقتی که زبان را مقصود  
 طبیعی خویش منحرف گردید تدریس آن بسی پیچیده و دشوار میگردد  
 قیاس کنید که تدریس زبان معمول علمی که خود وجود خارجی خاصی  
 دارد تا چه اندازه صورت بحریمی وجودگرفته است؟ یکی از کارهایی  
 که کودک قبل از رفتن به آموزشگاه بیشتر در خانه بدان اشغال دارد صحبت  
 از چیزهای مورد علاقه اوست در صورتیکه در آموزشگاه موضوعی که  
 مورد علاقه وی باشد وجود ندارد و زبان تنها وسیله ای برای تکرار درس  
 است و بهمین جهت حای شگفتی نیست که یکی از دشوارترین کارهای  
 آموزشگاه امروز عبارت از تدریس زبان مادری است از آنجا که طرز  
 تدریس زبان غیرطبیعی است و از میل حقیقی کودک برای مبادله احساسات و  
 افکار سرچشمه نمیگیرد آزادی کودک در نگار بردن آن بتدریج از میان  
 می رود تا بحدی که بالاخره در مدارس عالی معلم ناگزیر است برای وادار  
 کردن دانشجویان ب استفاده آزاد و کامل از زبان مادری خود با احتراع  
 هزاران وسیله مبادرت جوید گذشته از این وقتی عریبه تکلم از لحاظ

بنظر من نتیجه ای که از این طرز تدریس گرفته میشود بیش از پیش این حقیقت را ثابت میکند که کودک در ظرف یکسال با این نوع تعلیم (مجموعاً پنج ساعت در هفته) راجع به تحقیق علمی و جغرافیایی و انسان شناسی بهتر میتواند معلومات صریح و روشن کسب کند تا وسیله درسهای خشک آموزگاری که ابداً شده کردن اطلاعات و معلومات زیادتر را درمفر کودک هدف اساسی تعلیم و تربیت میدارد اما از لحاظ نظم و انضباط نیز شك نیست که با دروس عملی بیروی دقت و تعبیر و تفسیر و استنتاج و حس مشاهده و توانایی تفکر و تعقل کودک را مراتب بهتر میتوان تقویت نمود تا با پرداختن نگرهای احماری

در اینجا لازم میدانم راجع موضوع از بر خواندن درس چند کلمه میان آورم همه ما میدانیم که کودک با از بر خواندن درس، آغورگارو سایر کودکان نشان میدهد که تا چه اندازه از متن کتاب را توانسته است در ذهن خویش جای دهد اما از يك لحاظ دیگر هنگامیکه کودکان درس خود را از بر میخوانند اطاق درس تبدیل بیک مرکز اجتماعی میگردد و از جهت خواندن در آموزشگاه حکم گهت و شنود آراد را در خانه پیدا میکند نا این تفاوت که این گفتگو در مدرسه صورت منظم تری را بخود میگیرد و بر طبق اصول معینی صورت میگیرد از بر خواندن تبدیل به وسیله ای برای تبادل افکار و تجربیات و رفع سوء تفاهات و کشف افکار نوین و تحقیقات جدیدی میگردد

هرگاه این طرز از بر خواندن که فعلاً عبارت از آرمایش میران معلوماتی است که کودک در ذهن خویش انباشته است تبدیل به وسیله ای برای ابراز غریزه ارتباط و مبادله افکار کودکان گردد در فلسفه تدریس زبان در مدارس تغییرات بزرگی حاصل خواهد شد بر طبق اصول تعلیم و

را بدیقراز برشته تحریر در آورد

« مدت مدیدی پیش ، در آن زمان که زمین و بصورت مواد مذاب بود ، آب در زمین وجود نداشت و بحار تمام دوره زمین را فرا گرفته و هوا مملو از گازهای متعدد بود . یکی از این گازها کاربن دیوکسید نام داشت چون زمین شروع سرد شدن کرد بتدریج بحار تبدیل بار گرفتند و اندکی بعد از شروع باریدن نمود و در زمین آب جاری ساخت و کاربن دیوکسید هوا را بیرحل کرد »

این حملات بطرمن در عین حال که علمی است از حمله شاعرانه بی بی بهره نمیشد . در این قطعه خیلی پیش از آنچه که در نخستین وهله بطرمی آید حقایق علمی مهمته است . این قطعه حاصل سه ماه کار و آرمایش شاگرد است . در این مدت شاگرد هر روز و هر هفته شیخه تجربیات خود را یادداشت میکرد لکن تمام این قطعه احتمال کار يك ربع اول سال تحصیلی است . گفتم این حملات از لطف ادبی بی بی بهره نیست زیرا شاگرد تصویرهای روشنی از حقایق در ده نیت نموده و این حمایق را شخصاً احساس کرده است

از دو یادداشت دیگر حملاتی استجراح میکنم تا مدلل گردد زبان هنگامی که بر اساس تجربه و مشاهدات و محسوسات مسلم استوار باشد تا چه اندازه جاندار و رنده و دلشش است . هنگامیکه زمین با اندازه کافی سرد شد و شروع انقباض نمود آب ، بکمک کاربن دیوکسید کالسیوم را از صخره ها جدا کرده و در خود حل کرد بطوریکه حیوانات کوچک توانستند وسیله از تراقی بدست آورند .

یکی دیگر از شاگردان چنین نوشته بود « هنگامیکه زمین سرد شد کالسیوم در صخره ها وجود داشت آنگاه کاربن دیوکسید با آن آمیخته و

اجتماعی بکار آمده کودک دائماً با حقایق در تماس است و در نتیجه آن  
 کودک در ذهن خود چیزی قابل گفتن و فکری قابل بیان کردن  
 دارد و در اینصورت اندیشه و فکر کودک وقتی حقیقتاً و خود خارجی دارد  
 که در ذهن وی کاملاً نقش بسته باشد

بر طبق اصول قدیمی تدریس زبان کودک باید چیزی نگوید که  
 تنها آرا آموخته باشد و حال آنکه همه ما میدانیم بین آنکه چیز گفتنی  
 داشته باشد و آنکه نخواهد تنها برای حرف زدن چیزی نگوید که موضوعش  
 در ذهن وی درست نقش بسته باشد از همین تا آسمان فرق است کودک کی  
 که حقایق مسلحی را در ذهن ثبت کرده باشد همواره میل دارد در باره  
 آنها سخن گوید و در این صورت زبان آزادتر و بیرونی تکاملش کاملتر  
 میگردد زیرا هر مان آن در دست حقایق مسلم و صریح است

حواس و نوشتن و همچنین طرز استفاده شفاهی از زبان را میتوان  
 بدیبطریق تدریس نمود که از میل شدید کودک بحکایت کردن بحریات  
 خود و کسب اطلاع از تجربیات دیگران استفاده کرد و با توسل بحکایت  
 کردن و آشنا ساختن کودک با حقایق مسلمی که از مصادله تجربیات بدست  
 میآید کودک را در اندک مدتی از رموز زبان آگاه ساخت

من لازم نمیدانم در اینجا از کار شاگردان سالمندتر در دوره ای  
 که عرایر حام «ساختن» و ارتباط و مصادله تبدیل بمیل بتحقیقات علمی  
 گردیده است تفصیل سخن میان آورم لکن برای اینکه نشان دهم  
 پس از تحقیقات علمی و تجربیات عینی زبان چگونه روشن و رلال و در  
 عین حال آزاد و بی پیرایه میشود مسأله دیگر میکدم یکی از شاگردان  
 پس از بکرشته تجربیات معمولی که منظور آن آشنا ساختن شاگردان  
 بحقایق زمین شناسی و جغرافیائی بود نتیجه تجربیات و مشهودات خود

علاقه‌مندان تعلیم و تربیت کودک را بخود جلب میکند و آن اینستکه اگر بنا باشد آموزشگاه تبدیل مبرکری گردد که کودک در آن حقیقتاً زندگی کند و تجربات زندگی را در آن برد و وسایل تأمین نیک بختی و سعادت خویش را فراهم سازد چگونه با اینحال میتوان کودک مطالب حدی آموخت و او را وادار به تحمل نظم و انضاط لازم نمود؟ البته این ایراد تقریباً مورد است زیرا بطور کلی در عموم و با اقلار اکثر اشخاص طرز معمول زندگی بهیچ روی با تحصیل اطلاعات و معلومات و اعتیاد به نظم و انضاط خاصی سازگار و قابل تطبیق نیست و بهمین جهت بود که من سعی کردم بطور کلی و ناقص اشکال این مسئله را نشان دهم و روشن کنم که چگونه ممکن است با انکاء بر ایراد عام کودکان و ایجاد یک محیط مقتضی به آنها استعداد های دانی و قوای خالق کودک را بطرز طبیعی و رعایت بخشی رشد و ترقی داد بلکه در عین حال ویرا از اطلاعات فنی و نظم و انضاطی که همواره در گذشته ابدال تعلیم و تربیت بشمار رفته است بهره‌مند ساخت البته من در ارائه این طریق کلیات پرداختم و عقاید خود را بطور ناقص به میان آوردم زیرا تنها مدرسه است که روز بروز با ر حورد بحقایق و عمل میتواند این مشکل را حل کند که باید حل کند و برای معماهای تربیت حوایهای مقتضی بیاید

اگرچه من از لحاظ رعایت نظر عمومی اولیای امور تعلیم و تربیت باین ایراد مهم توجه کردم تا اینهمه میل ندارم این فصل را با تردید خاتمه دهم بلکه با نهایت اطمینان میگویم آنچه که در تعلیم و تربیت بر همه حیرت‌مهدم است زندگی است و زندگی کودک بجز چه از لحاظ زمان و چه از حیث ارزش کمتر از زندگی ساله‌مد نیست و این اعاءا که توجه و دقت مدبرانه نسبت با احتیاجات کموبی کودک و توانائی و شایستگی وی برای

محلولی، بوحود آمد که در انسانی حریبان کالسیوم را از صخره ها کنده و آنرا با خود بدریا آورد و در نتیجه حیوانات کوچک توانستند آنرا از محلول استخراج نموده و با آن از تراق کنند.

استعمال کلمانی مانند «خدا کردن» و «کندن» برای فعل و انفعالات شیمیائی از طرف این شاگردان گواه بر ادراک شخصی موضوع و تلاش فردی برای پیدا کردن کلمه ای بمطور نشان دادن تجربه خصوصی است.

•  
 بطور کلی هنگام عمل کودکان از ساده ترین کارها ممکن است به مراحل وسیع و پهناور تحمیقات و نظم و انضاط فکری که همیشه همراه این تحمیقات است هدایت گردند. من در اینجا بار مثال ساده ای را از آموزشگاه عملی دکرمیکم روزی شاگردان میخواستند برای تراق کردن فلزات فوراً گچ تهیه کنند و برای بیل بمقصود با وسایل ساده ای که شامل يك گیلان و مقداری آب آهك و يك لوله شیشه ای بود شروع با استخراج کالسیوم کاربونات از آب نمودند و از همین مقدمه بتدریج داخل در عرصه تحقیقات بیشتری شده و بمطالعه طرز ایجاد اقسام صخره ها و سنگها در روی زمین و جای آنها پرداختند و بعد بحث در اطراف صخره های معروف امریکا و هاوانی و پورتوریکو و تأثیر این صخره های عظیم در فعالیت انسان شدند بطوریکه این درس زمین شناسی بالاحرحه منحصر پرداختن بر زندگی انسان امروزی شد و شاگردان ارتباط بین این عوامل جغرافیائی را که قرنها پیش بوحود آمده است از طرفی و تأثیر آنها را در فعالیت انسان امروزی از طرف دیگر کاملاً احساس کردند اگرچه ممکن است ایرادانی در بحث «آموزشگاه و زندگی کودک» بافکار من وارد آید با اینهمه يك ایراد بیش از همه توجه

زندگی میکند هر فکر عالی و هر اندیشه حالت توحه که در ذهن  
 کودک بوجود آید از سر چشمه فیاض و حاشخش تحیل سیراب میشود  
 شاید اساس مسامات بین مدرسه و زندگی کودک تنها روشن کردن این  
 نکته حیاتی باشد که آیا ما باید بیروی تحیل را در کودک بکلی نادیده  
 گرفته و تأثیر آنرا در زندگی اطفال خویش باحیر داسته و بکلی از آن  
 صرف نظر نمائیم و یا آنکه بر عکس در صدد تهیه رهیجه پرورش و  
 تأمین آزادی کامل آن بر آئیم؟ هر گاه ما معتقد به زندگی و مخصوصاً  
 زندگی کودک باشیم بدون شبهه حتماً خواستار خواهیم شد که تمام  
 کوشش تعلیم و تربیت و همه سعی تاریخ و علوم مصروف بدان گردد که  
 وسائل لازم برای تحریک بیروی تحیل و پرورش آنرا فراهم ساخته و  
 از این راه روز بروز قدرت ذهن و نظم و ترتیب زندگی کودک بیعاید.  
 در این صورت مریبان حقیقی و کارشناس بر خلاف آن آموزگاران  
 ظاهر بن که فقط بحسنه خارجی روح کودک و به محصول آبی فعالیت وی  
 نظر و توحه دارند نادیده تیر بن خویش بحولاب بر حرکت پیشرفت  
 عقلایی کودک، افزایش روز افزون قدرت فکری، تصریح اشیاء جهان  
 را در معادل دیدگان وی و از همه مهمتر قدرت روز افزون او را در  
 تطبیق قوا و فعالیت ها درونی با مصالح جامعه و دنیا بنیان تشخیص  
 داده و از نتیجه کار خویش عرق در مسرت و ابسطا میشود بحر  
 کسبایکه تعلیم و تربیت را بمنزله روعن جلائی برای براق کردن  
 شخصیت ظاهری کودک میدانند همه مریبان حقیقی و فهمیده یقین دارند  
 که پرورش بیروی تحیل و تقویت جسمه انطاق آن با حمایت زندگی  
 اساس تعلیم و تربیت را تشکیل میدهد زیرا زندگی کودک باید بر زندگی

ایجاد يك زندگی پر برکت و سعادت آمیز در آینده مخالف با احتیاجات و تحلیلات روحی بعدی کودک در دوران شباب است بسی سست و بی پایه است اصلی که اخیراً در میان پیروان تعلیم و تربیت بویں رواج یافته ایست که «نگذار کودکان ما زندگی کنند» معنی این اصل فلان ار هر چراستکه کودکان ما باید زندگی طبیعی داشته باشند نه اینکه پیوسته آنها را در چهار دیواری قیود محسوس نمائیم و از زندگی حقیقی فرسنگها دورساریم اگر ما هواخواه سعادت و بیکبختی حقیقی فرزندان خویش هستیم، اگر میل داریم که اصول تعالیم و تربیت صحیح و بر برکتی برای اطلاع خویش اختیار کنیم باید همواره از عرایب حقیقی کودکان خود بروی نمائیم و احتیاجات روحی و دانی آنها را پیوسته مورد توجه قرار دهیم و در صدد تأمین آنها برآئیم. تنها در این صورت است که تعلیم و تربیت و فرهنگ ما بر پایه استواری قرار خواهد گرفت.

صحت از فرهنگ مرا بیاد آن آورد که من تاکنون بیشتر از حبه خارجی فعالیت کودک سخن رانده ام و مخصوصاً بموضوع انحراف و مایلانات وی بصورت صحت کردن و جبرساختن و کشف کردن و اختراع پرداخته ام. صور نمیکم لازم سد کار باشد که کودک در باب جهان تخیلات و اندیشه ها و قوای معوی و روحی بسر میبرد که آنرا خارجی آن بطور ناقص و نارسا انرار میگردد در این روزها از پرورش بیروی تحیل کودک سخن زیاد میان میآید و اغلب مریبان چمن می پندارند که تحیل بیروی بی نمری است که حبه رؤیا دارد و ارضاء آنها بموسائل غیر حقیقی از قیل نل قصه و برسیم مناظری که بهیچ روی با حقیقت وفق نمیدهد صورت میگیرد چرا ما نباید با این انداره سنگدل و در عین حال ناپسنداشیم؟ تحیل طبیعی ترین و حقیقی ترین محیطی است که کودک در آن



# ضایعات تعلیم و تربیت

موضوع این فصل «ضایعات تعلیم و تربیت» است نخست لازم مدام که رابطه بین این فصل را با دو فصل پیش یاد آور شوم فصل اول از حسه اجتماعی مدرسه و لزوم اصلاح بواقص آن بمطور ایهای نقش بررگت خود در اجتماع بحث میکرد فصل دوم مربوط بمناسبات بین مدرسه وشاگرد بود اینك این فصل از خود مدرسه با توجه بروابط آن هم با اجتماع و هم با اعصای خودش یعنی شاگردان بحث میکند در این فصل مخصوصاً از مسئله سازمان آموزشگاه رباد سخن بمیان می آید ریرا تمام ضایعات تعلیم و تربیت ناشی از نقص سازمان است و تنها در پرتو سازمان خوب میتوان حتی المقدور از اسلاف وقت كودك جلوگیری کرد و در عوض برتأثیر تعلیم و تربیت افروود هیچ چیز ماسد ضایعات تعلیم و تربیت در سر بوش ما و كودكان ما مؤثر نیست ریرا به تنها تعلیم و تربیت باقصر پول ما را بهر میدهد بلکه ار همه مهمتر نخست قسمتی از عمر كودك را همگام تحصیل در مدرسه كاملاً تلف میکند و دوم اینکه چون كودك را برای ورود در جامعه چنانکه باید آماده نمیسازد قسمت اعظمی از عمر ویرا در دوره بلوغ بیر آمیخته بحر و میت و باکامی و بدبختی میکند

با بر این هنگامیکه ما سخن از سازمان بمیان میآوریم منظور ما تنها تشکیلات خارجی و آنچه که سیستم مدرسی نام دارد از قبیل تخته و ناظم و ساختمان مدرسه و چگونگی استخدام معلم و شاگرد و

طبیعت و جامعه استوار باشد همگامیکه آثار طبیعت و جامعه در کلیه  
 شؤون فعالیت زندگی مدرسی نمایان باشد، موقعی که طرز و وسیله  
 تعلیم و تربیت تابع تجربه گردد رهیجه از هر حیث برای انطباق زندگی  
 کودک در زندگی طبیعت و جامعه فراهم خواهد شد و تعلیم و تربیت  
 بهجای جمعی خود خواهد افتاد



اگر امروز درست، مراحل اولیه تعلیم و تربیت دقیق شویم ملاحظه میکنیم که بین کودکستان و آموزشگاه فاصله ای وجود دارد که بهیچ روی در خور پیشرفت و تحول تربیتی کودک نیست بدینتقرار که محیط آموزشگاه مکتبی با محیط کودکستان متفاوت است و کودک از آن آزادی که در کودکستان داشته است در آموزشگاه بهره مند نمیشود بطوریکه امروز مسئله اساسی در تعلیمات ابتدائی استقرار اصول کودکستان در آموزشگاه و یا در حقیقت ایجاد کلاسهای رابطی بین کودکستان و آموزشگاه است اشکال اساسی آنست که محیط آموزشگاه با محیط دستان بسیار متفاوت است بطوریکه معلم برای اتصال این دو محیط بیکدیگر معوض آنکه اردر داخل شود باید اردیوار بالا رود

از لحاظ هدف ایدآل کودکستان بیشتر پرورش اخلاقی کودک بود به تعلیم و تربیت و پرورش حس اصباط یعنی ایدآلی که بیشتر منکی بر توجه با احساسات است آموزشگاه اصولا از نهضت های عظیم قرن شانزدهم بوجود آمد بدین معنی که بر اثر اختراع چاپ و توسعه و پیشرفت حارق العاده<sup>۱</sup> بازرگانی، خواندن و نوشتن و برسیم برای افراد يك مسئله حیاتی و ضروری شد هدف آموزشگاه در حقیقت يك هدف عملی و انتفاعی بود زیرا بطور آموختن در آموزشگاه تحصیل دانش صرف نبود بلکه فرا گرفتن اصول لازم برای پیشرفت در زندگی و اشتغال بکار بود

مدرسه ای که بالاتر از آموزشگاه بشمار میرفت مدرسه دستور زبان بود این اصطلاح در کشور های باختر زیاد استعمال نمیشود لکن در خاور زیاد معمول است مدرسه دستور زبان در دوره احیای تعلیم و تربیت یعنی در رساس و شاید رودنرازدبستانهای معمولی دایر گردید و

غیره نیست بلکه بیشتر مقصود اجتماع عده کثیری از کودکان و ارتباط این اجتماع با سایر مظاهر زندگی اجتماعی است. تمام ضایعات تعلیم و تربیت از طرفی ناشی از تأمین ارتباط حقیقی شاگردان در خود مدرسه و از طرف دیگر معلول غفلت در توجه به ارتباط مدرسه و جامعه است منظور از تشکیلات چیزی دیگر حر آن نیست که ارتباط بین عوامل مؤثر در امور مدرسه را طوری بهم ربط دهیم که در نهایت سهولت و تأثیر اتمام وظیفه نماید ما بر این کسایکه بخواهند از ضایعات تعلیم و تربیت جداً جلوگیری نمایند باید موضوع ممانعت از تحریه و تفکیک عوامل مختلف در امور مدرسه و نقصان وحدت در میان مقاصد آموزش و پرورش و فقدان همستگی بین دروس و طرق تدریس که املاً توجه کنند باید داشت که مدرسه بطور کلی کلیه مراحل ترقی و تکامل را پیموده و از آغاز تمدن تا کون دستخوش تحولات عظیمی گردیده است در قرون وسطی مدرسه کاملاً جنبه حرفه ای داشت و منظور اصلی آن تربیت عده ای کارشناس بود و مخصوصاً بتدریس حقوق و علم ادیان اهمیت فراوان میداد دانشگاههای امروزی ما تقریباً جزء میراث قرون وسطی است. البته من نمیگویم که دانشگاه امروزی يك مؤسسه قرون وسطائی است لکن باید تصدیق کرد پایه آن در قرون وسطی گذاشته شده و هنوز کلیه طرق تدریس قرون وسطی را از دست نداده است. کود کستان که در قرن کنونی رواج کامل یافته است در آغاز شرکتی بین باع کودکان و فلسفه ( شلینگ ) Schelling و آمیزه ای از بازیهای مادر با کودکان و افکار شاعرانه و فلسفی شلیک بود. توجه بافکار شلینگ مانع آن میگردد که کودکان در يك محیط طبیعی بسر برند و استعداد های ذاتی خویش را چنانکه باید ابراز دارند.

که در گذشته بین قسمتهای مختلف سیستم مدرسی وجود داشته است اکنون هم ادامه دارد با ایسهمه باید تصدیق کرد که هنوز چنانکه باید بین این قسمت های مختلف هم آهنگی مطلوبی ایجاد نگردیده است و سایر این ار لحاظ اداری مهمترین مسئله تعلیم و تربیت است که چگونه وحدت بین این قسمتهای مختلف را تأمین نمائیم؟

مثلاً دانشسراها امروزی را سطر آورید این مدارس امروز دارای يك وضع غیرطبیعی میباشند بدینقرار که درحقیقت واسطه ای بین دانشکده و دبیرستان بشمار میروند و تعلیمات آنها شامل مقداری از دروس دبیرستان و مقداری از دروس دانشکده است بطورکلی در این مدارس مسائل اصلی تعلیم و تربیت بهمین نمیاید زیرا مراد از ایجاد این مدارس بیشتر یاد دادن طرز تدریس ناموزگاران آیمده است و کمتر موادی تدریس میگردد که برای توسعه معلومات و پرورش شخصیت کودک فایده ای داشته باشد در دبیرستان برعکس نقص دیگری موجود است بدین معنی که اگرچه تا انداره ای شاگرد یاد میگیرد که چه مطالبی را باید تدریس کند با ایسهمه بتعلیم طرز و چگونگی تدریس چندانی توجهی نمیشود در دبیرستانها و دانشسراها شاگردان بهیچ روی با کودکان سروکار ندارند و اکثر دانشجویان که کلی از خانواده دور شده و دوران کودکی خویش را میر در طاق نسیان نهاده اند با مقدار زیادی معلومات فارغ التحصیل میشوند و بدینیک بدون ایسکه اطلاع لازم در باره ارتباط این معلومات با ذهن کودکان داشته باشند شروع تدریس میکنند و شاگردان از بی اطلاعی آموزگاران در باره اینکه چه باید تدریس کرد و چگونه تدریس نمود زبان فراوان می بینند

عیب مهم مدارس امروز تنها آن نیست که از لحاظ طرز تدریس

ابدآل آن نکلی ما هدف آموزشگاه متفاوت بود بدینقرار که منظور آن تحصیل زبان بمعنی عالی آن بود چون در دوره رنساس زبانهای لاتین و یونانی دانش پژوهان را با فرهنگ دوره های باستانی و جهان رومیان و یونانیان مربوط میساخت تحصیل زبانهای کلاسیک تنها وسیله فرار از قیود قرون وسطی بود و ما برای مدرسه دستور زبان که آرادتر از دانشگاه بود (با یک حسه تمام فنی) بمطور بدست آوردن کلید علوم قدیمی و بار کردن افق وسیعتری بروی دانشجویان بوحود آمد هدف آن در درجه اول فرهنگ و در مرتبه دوم انصاط بود و دایره وسعت آن بمراتب بررگتر از دایره وسعت آموزشگاههای دستور زبان بود در حقیقت این آموزشگاه یک مدرسه آردی بود که بتدریج توسعه یافت و تبدیل بآموزشگاه عالی گردید بایه دبیرستان امروز در حقیقت همان آموزشگاه دستور زبان است که برنامه آن حتی از برنامه های چند قرن پیش سسکین تر است

ما برای مشاهده میشود که دو نوع از مدارس کمونی بمعنی مدرسه فنی و دارالمعلمین در قرن نوزدهم بوحود آمد و شك نیست که مدارس فنی از قبیل مدارس مهندسی و کشاورزی و غیره ناشی از توسعه بازرگانی و پیشرفت تمدن در قرن نوزدهم است چنانکه دبستان ناشی از توسعه بازرگانی و اختراع چاپ در قرن شانزدهم بود

دارالمعلمین نیز بر اثر لزوم تربیت معلم برای مدارس فنی و فرهنگ بوحود آمد بطور اجمال امروز تقریباً هشت نوع مدرسه داریم که کلیه آنها از لحاظ تاریخی در ازمه مختلف بوحود آمده است و هر کدام هدف خاصی دارد و ما برای طرز تدریس و تعلیم در هر کدام بطور خاصی انجام میگیرد من نمیخواهم تأییدکنم جدائی و تفکیکی

ضایعات ناشی از اصطکاک و تکرار و عدم ارتباط بین دروس مختلف  
حلوگیری شود

بهترین راه تأمین وحدت دروس مختلف آنست که هر يك از آنها  
را نزدگی متصل کنیم لکن این نکته را نیز باید همواره در نظر داشته  
باشیم که هر گاه ما تنها مدرسه و زندگی در آنرا مورد توجه قرار دهیم  
و وحدتی که بدست خواهیم آورد بسی ناقص و مصنوعی خواهد بود و  
اگر ما نخواهیم حقیقتاً نتیجه مثبت بگیریم باید مدرسه را بمنزله حرئی  
از حیات اجتماعی بپنداریم بطور کلی ساختمان هر مدرسه خوب چه از  
لحاظ جغرافیائی و چه از جهات اجتماعی خود مظهر وحدت بین زندگی  
مدرسی و حیات معمولی است بدینقرار که در پیرامون ساختمان مدرسه  
بازی واقع است و آن باغ، مراعات اطراف و مراعات هم بحود کشور با تمام  
عوامل و قوای آن پیوسته است

از لحاظ شاگرد مهمترین عامل اتلاف وقت در مدرسه آنست که  
کودک تجربیاتی را که در خارج از محیط مدرسه فرا گرفته است  
نمی تواند آزادانه در خود مدرسه مورد استفاده قرار دهد و در عین حال  
نمی تواند آنچه را که در مدرسه فرا گرفته است در زندگی روزانه چنانکه  
باید بکار برد منظور از جدائی و تفکیک مدرسه از زندگی حقیقی  
همین است هنگامیکه شاگرد داخل در مدرسه میشود باید قسمت  
اعظم آثار و افکار و امیال و فعالیت هائی را که در خانه و محیط خارجی  
حکمرانست موقتاً از ذهن محو کند و چون مدرسه قادر نیست از این  
تجربه روزانه کودک استفاده کند برای جلب رغبت وی بموضوع تحصیل  
ناگزیر است راه دشوار جدیدی پیش گیرد و بانواع و اقسام مختلف علاقه  
کودک را بدرس تحریک نماید . چند سال پیش که من بیکى از مدارس

و مواد برنامه با هم اختلاف فاحش دارند بلکه از حیث ایدآل نیز بین آنها فرق فراوان موجود است چنانکه هدف بعضی از آنها پرورش معنوی و برخی دیگر کسب اطلاعات عمومی و دسته ای دیگر آموختن حرفه و کار های مفید و انتفاعی و عده ای دیگر آموختن نظم و ترتیب و یا مشاغل مخصوص است البته تهیه کنندگان برنامه های تحصیلی میکوشند با اختصاص دادن ساعتهای معین به دروسهای متفاوت همه چیز اعم از معلومات عمومی و نظم و انضاط و دروس عملی و غیره را شاگردان بیاموزند لکن نقصان ارتباط بین این دروس را از اینجا میتوان قیاس کرد که هر درس برای رسیدن به منظور معینی تدریس میشود مثلاً منظور تدریس یکی از مواد پرورش حس انضاط و یکی دیگر افزایش معلومات عمومی است و حتی گاهی یک درس برای دو منظور تدریس میشود مثلاً قسمتی از ریاضیات برای پرورش روح انضاط و قسمتی دیگر از آن برای استفاده های عملی تدریس میگردد منظور تدریس ادبیات بالا بردن سطح فرهنگ کودک و مقصود دستور زبان تعلیم نظم و انضاط و هدف تدریس جغرافیا هم استفاده عملی و هم تکثیر معلومات عمومی کودک است و بدیقار وحدت تعلیم و تربیت از میان میرود و بر شدت پیروی گریز از مرکز دروس افزوده میشود تا بحدی که هر قسمتی از تعلیمات صرف رسیدن به هدف معینی میگردد و هم آهنگی و سازش بین دروس مختلف طوری از میان میرود که شاگرد فرسنگها از هدف اصلی تعلیم و تربیت که عبارت از تأمین سعادت و بیکبختی حقیقی کودکان در حال و آینده است دور میشود

مهمترین مسئله تعلیم و تربیت بنا بر این از لحاظ اداری آنست که وحدت بین دروس مختلف طوری تأمین گردد که حتی المقدور از



میکنند. مثلاً در حدود قرن شانزدهم هنگامیکه ناررگانی بین امریکا و سیاه بوستان توسعه کامل یافت يك نوع شرکت اختراع گردید که امروز بکلی منسوخ گردیده است بدینقرار که یکسفر میگفت من مبلغ معینی را برای مدت شش ماه شرکت میگذارم و دومی همان مبلغ را برای مدت دو سال و سومی مبلغ دیگری را برای مدت نامحدود دیگری را برای انجام معاملات سررگ ناررگانی شرکت میگذاشتند این نوع شرکت قریب دوست سال است که بکلی متروک گردیده و بجای آن شرکت سهامی اختراع شده است با اینهمه هنوز محاسبات مربوط باین شرکتهای منسوخ چند فصل از کتابهای ریاضیات را اشغال کرده است و استدلال ناشرین این کتابها آنست که هر گاه مطالب کتابهای آنها کامل باشد حریدار پیدا نمیکند

از این قبیل مواد که هیچ نتیجه ای بر تدریس آنها مترتب نیست فراوان است شاگردان دوازده و سیزده ساله ناگزیر بهرا گرفتن اصول محاسبه سود و ریان کهنه ای هستند که چند قرن پیش نانکدازان از آنها صرف نظر کرده اند و هنگامیکه کسی ایراد بگیرد که این طرز محاسبه بچه درد کودک میخورد فوراً جواب میدهند که در تقویت بیروی اصراط فکری اثر فراوان دارد و حال آنکه بموارد حقیقی ارتباط بشماری که باید بن کودک و محیط ناررگانی موجود باشد هیچ توجهی نمیشود امروز تنها عده معدودی از امریایا روششکر میدادند که کودک باید حسابداری و جغرافیا را تنها از لحاظ ارتباط آنها با محیط تحصیل کند و نه اینکه این دروس بمعاون دروس و علوم حداکانه ای نشاگرد تدریس گردد کمتر از آموزگاران میدادند که جوانان باید امور نانک را تنها از لحاظ يك عامل اساسی در زندگی بوی مطالعه کنند و

شهر ( مولاین ) واقع در کراسه میسی سی پی سرکشی میگردم ناظم مدرسه بمن گفتم هر سال عده کثیری از شاگردان را مشاهده میکند که اصلاً او را نمیکند رود میسی سی پی که وصفش را در کتاب خوانده اند همان رود بزرگی است که از بردیکی حانه آن عبور میکند جغرافیائی که امروز در بسیاری از مدارس تدریس میکند مانند بسیاری از دروس دیگر تنها عنایت از شرح مهم و نارسای چیز هائی است که شاگرد هر روز می بیند و احساس میکند و یا لمس مینماید وقتی بیاد آوریم که همه ما در روی یک زمین و در میان یک فضا زندگی میکنیم و هر لحظه با متعلقات زمین از قبیل خاک و آب و روشنائی و حرارت سروکار داریم و آنگاه فکر کنیم که تحصیل جغرافیا در مدرسه چگونه صورت می گیرد کاملاً بوسعت شکافی که بین تحریبات روزانه کودک و مواد تحصیلی محرفائی که در مدرسه تدریس میشود پی میبریم این یک نمونه از مواردی بود که مصنوعی بودن محیط مدرسه و طرز تعلیم و تربیت ما را نشان میدهد از این قبیل موارد فراوان است

اگرچه باید بین محیط مدرسه و محیط زندگی حقیقی و فعالیت های مثبت آن همواره ارتباط موجود باشد باینجه باید چنین پنداشت که مدرسه باید بکودک حرفه و کار معینی بیاموزد بلکه باید بن زندگی روزمره کودک و محیط خارج یک ارتباط دائمی برقرار باشد و بر مدرسه است که این ارتباط را روشن و آراسته کند و بوسیله دروس مخصوص مانند جغرافیای تجارتی و ریاضیات و دفتر داری این ارتباط را در ذهن کودک تصریح کند و مداومت آنرا تضمین نماید

بسیاری از دروس است که امروز بهیچ روی بدرد شاگردان نمیخورد و باینجه با هرازان زحمت شاگردان را بهر گرفتن آنها مجبور

میل و دوق يك آموزگار كج سلیقه تدریس میشود بیش از پیش خسته  
 كند بدیهی است نیل این منظور تنها موقعی میسر میگردد كه عالیترین  
 مركز تعلیم و تربیت كه در آن مرفقی ترین اصول آموزش و پرورش تدریس  
 میگردد كاملا با مدارس پایین تر كه اصول ابتدائی تعلیم و تربیت در آنها  
 حكمرماست كاملا مربوط گردد

تمام هم اولیای امور مدارس در صورتیكه پای سد نيك بختی شاگردان  
 باشند باید مصروف تأمین ارتباط بین محیط مدرسه و محیط زندگی  
 عادی گردد هدف كارهای دستی در مدارس كشورهای مرفقی تربیت متخصص  
 و یا تعلیم حرفه هائی مانند آندری و خیاطی و نجاری و نائی نیست بلکه  
 ارتباط اجتماعی هدف تعلیم این كارهای عملی نشان دادن ارتباط مدرسه  
 با زندگی خارج و ارتباط امرادی ارضاء عرابر دانی كودك از قبیل  
 كار كردن و ابرار استعداد های فطری و میل با انجام دادن كار و استفاده  
 از قوای خالقه روح اوست و اهمیت برك بیشتر این كارها در آنست كه  
 بین حبه امرادی و اجتماعی حیات كودك مواره قابل ستایشی ایجاد میکند  
 كودك میتواند آنچه را كه در خانه ورا گرفته است در مدرسه بكار بندد و  
 آنچه را كه در مدرسه آموخته است در خانه بموقع اجرا گذارد همین  
 ارتباط مهم است كه در خارج كردن مدرسه از حال اروا بزرگترین  
 نقش را بازی میکند

تعلیم و تربیت همگامی بمحرای حقیقی خود میافتد كه كودك با  
 آرمایش های بونینی كه در حابه كرده است قدم در صحن مدرسه نهد و  
 هر بار كه از مدرسه خارج میشود فكر و یا ابتكار تازه ای همراه داشته  
 باشد كه بیدرك آنرا در خانه مورد استفاده و آزمایش قرار دهد متأسفانه  
 هنوز هم در این قرن طلایی تمدن بسیاری از شاگردان معمولا با يك

مشاهده نمایند که کار بانك چیست و وظیفه خود را چگونه انجام میدهد و تنها در این موقع است که ریاضیات و محاسبات ارزش پیدا میکند و نه آنکه کتاب های حساب را مملو از مثالهای بیشمار در باره تسهیم به نسبت و مراجه و غیره نمود که هیچ نتیجه ای جراتلاف وقت کودك و حرد کردن معز او ندارد

راجع بلروم ارتباط بین درجات مختلف تحصیل لروم به تطویل کلام نیست فقط یادآور میشوم که هرگاه ارتباط آرادانه و دائمی بین مدارس ابتدائی و متوسطه و عالی موجود باشد محل است نتوان از تعلیم و تربیت نتیجه مطلوب بدست آورد. متأسفانه امروز این ارتباط بین مدارس مختلف ما وجود ندارد و چه بسا موادی در مدارس پائین تر تدریس میشود که در مدارس بالاتر کمترین اشاره و توجهی بآنها نمیشود و پس از مدت قلیلی آثار آن از ذهن شاگرد محو میشود و هیچ نتیجه ای جراتلاف وقت ندارد. ما بر این باید همیشه مراقب بود که بین درجات مختلف تحصیلی ارتباط کامل و مطلوبی برقرار باشد. دانشگاه اصولاً آنها محل تحقیق و مطالعه و اکتشاف است که شامل کتابخانه و هوره میباشد و بهترین منابع و محصولات تجارت گذشته بشر در آن جمع آوری شده و نگاهداری میشود. این روح اکتشاف و مطالعه که در دانشگاه موجود است در دستس و دبیرستان بیر باید کاه للاحکمر ما باشد. شاگرد باید کاملاً معنی و اهمیت موضوعهای درس را دریابد و آنچه که افق معلومات وی را وسیعتر میکند کاملاً تشخیص دهد و نه آنکه وقت حویش را صرف فرا گرفتن موضوعهای بی اساس نماید. شاگرد باید با حقایق مطلق که بدرد رندگی مینخورد آشنا شود و نه آنکه مفر خود را با مطالعه موضوعهایی که تنها يك قرن پیش مفید بوده و بیا آنکه مطابق

دارد و بطور کلی محیط اقسام مختلف در آن مؤثر میباشد. كودك در پرتو این ارتباط تدریجاً از محیط تنگ ساح مدرسه یا خانه خارج شده و طبعاً مطالعه علوم رغبت کامل پیدا میکند و پیوسته از خود میبرد چرا این نباتات میروید؟ شرط لازم برای نمو آنها چیست؟ ارتباط آنها با زمین چه میباشد؟ آب و هوای مختلف چه تأثیری در رشد آنها دارد؟ همه میدانیم که گیاه شناسی مثلاً سابقاً فقط عمارت از جمع آوری گل‌های زیبا و متنوع و فشردن و طبقه بندی کردن و انتخاب نامی برای برگ‌های مختلف و انواع و اقسام طبقات گل و نباتات بود. عبارت دیگر گیاه شناسی عمارت از مطالعه در نباتات بدون کمترین اشاره سزمین و کشور و چگونگی رشد و نمو آنها بود و حال آنکه در کشورهای که در تعلیم و تربیت پیشرفت لازم کرده اند گیاه شناسی امروز نباتات را با توجه محیط طبیعی و چگونگی استفاده از آنها به آنها از لحاظ حوراك بلکه از جهات کلیه موارد تأثیر آنها در زندگی اجتماعی اساس مطالعه میکند. آشنایی در عین حال که کار بسیار مفیدی است ممکن است تبدیل به طبیعی ترین وسیله برای تحریک شاگرد مطالعه شیمی گردد. كودك را وادار به کشفیاتی نماید که بیش از پیش به تجربه روزانه اش كمك نماید. يك بار از خام فهمیده ای شنیدم که میگفت در حیرت است چگونه میتوان كودکان خردسال علم آموخت زیرا نمیتواند درك كند که كودکان خردسال معنی اتم و مولکول را چگونه میفهمند؟ این حام در حقیقت از آنجا که نمیتوانست بهمد چگونه چیزهای فوق العاده مهم را میتوان بطور مستقل از تجربیات روزانه شاگرد با او موحت نمیتوانست درك كند که چگونه میتوان موفق آموختن علم شاگردان خردسال شد. شاید اظهار این حام نظر ما الدکی تمسخر آمیز جلوه کند. با

بدن سالم ولی يك ذهن آشفته و غیر روشن داخل در مدرسه میشوند و شاید هم اصلا معر خود را همراه خویش بمدرسه نمیآوردند زیرا در مدرسه محیطی که در خور ادامه زندگی طبیعی معر و تأمین پرورش آن باشد وجود ندارد البته اگر معر آدمی طوری ساخته شده بود که دانستن چیزهای مهم و اساسی معلومات غیر روشن رعبت و علاقه ای داشت ممکن بود گمت شاگرد هنگام ورود بمدرسه معر خود را بیرار خانه همراه میآورد لکن چه باید کرد که معر آدمی تنها بچهرهای صریح و روشن و قابل ادراك علاقه دارد و مادام که این چیزهای صریح بعد وفور در آموزشگاه یافت میشود و محیط آن از هر حیث برای معر کودک قابل ادراك نباشد شاگرد نمیتواند معر خویش را همراه بدن بمدرسه بیاورد هنگامی ما میتوانیم با اصول تعلیم و تربیت خویش سالمی که در پرتو اجرای آن شاگرد با تمام بدن و معز خویش داخل مدرسه شود و با معری صریح تر و عسی تر و بدنی سالم تر و بیرومند تر مدرسه را ترك گوید

آموزگاری که درست، فلسفه تعلیم و تربیت پی برده و ابروم ارتباط مدرسه را با زندگی معمولی کاملا احساس کرده، باشد همیشه سعی میکند که ارتباط هر درسی را با زندگی محسوس روشن کند ممکن است آشنایی را طوری آموخت که هیچ ارتباطی با زندگی معمول و مباحث مختلف علم جغرافیا نداشته باشد و شاید هم تا کمون همین طرز آموزش معمول بوده و باین روابط هیچ اشاره ای نشده است با اینهمه گمان نمیکنم کسی در این حقیقت تردید داشته باشد که تمام موادی که وارد آشنیخانه میشود از نقاط مختلف کشور بدست میآید و قسمت اعظم آن در زمین میروید و از آب تعدیه میکند و نور در آن تأثیر فراوان

و کارگاه پیش می‌آید در آزمایشگاه، مورد عمل و تجربه گذاشته میشود و لایق قطع فرصتهایی برای توسعه معلومات و تصریح اندیشه های کودک پیدا میشود مثلاً چندی پیش دسته‌ای از شاگردان قدیمی تر که نافذگی عملی فرا می‌گرفتند و کار آنها مستلزم استعمال چرخ پیچ بود دیباگرام حبات قوا در چرخهای مختلف و نسبت سرعت من چرخهای گوناگون را مورد آزمایش گذاشتند

همچنین ساتاتی که از طرف شاگردان در آشنزی نگار برده میشود ممکن است توجه و علاقه کودک را بگیاه شناسی جلب کند و کودک را تحریک نماید که شخصاً مطالعه گیاه شناسی بردارد در یکی از مدارس (ستن) دروس علمی کودکان چندین ماه متوالی اختصاص بچگونگی رشد و پرورش بنه یافته بود زیرا هر روز سؤالی تازه و موضوعی بدیع پیش می‌آمد ما امیدواریم عین همین طرز تدریس در مورد کلیه نباتات دیگر که در نافذگی مورد استعاده قرار میگیرند پیش بیاید و بر امیدوارم این مثالها ارتباط من آزمایشگاه و سایر قسمتهای مدرسه را روشن کند

نقاشی و موسیقی و رسم و بطور کلی هر يك از صنایع طریقه مطهر عالی ترین و زیباترین و کاملترین نوع يك کار است من عمیده دارم هر کسی که صنایع طریقه را بطر حیالی شاعرانه و ادبی بگرد تصدیق خواهد کرد که آثار طرف نوع کامل کار يك صنعتگر است و آثار طرف دوره رسانس بیشتر از آن جهت حده حاودانی و عظمت خاص یافت که ار کارهای دستی رورانه رنگی سرچشمه گرفت و در يك محیط حدا از زندگی معمول بشر پدید بیامد مدرسه باید این ارتباط را همیشه در نظر بگیرد البته نباید هنرهای زیبا را تنها بدیده حرفه های

اینهمه باید اعتراف کنیم که او در این اظهاراتش بیست بلکه قسمت اعظم  
 آموگاران بیرونی در این گفته همداستانند ارتباط تجاری و کارگاههای  
 ساجی نیز نادیای خارج کاملاً عیان و مشهود است بدینبرار که از طرفی  
 با کشور که مسع تأمین مواد اولیه است و از طرف دیگر با فیزیک که  
 علم استفاده از نیرو است ارتباط کامل دارد و گذشته از این با هر ار  
 لحظ معماری و تزئین مربوط میباشند و بیرون دانشگاه و آزمایشگاه  
 ارتباط دارد شاید هیچ چیز مانند اطاق مطالعه در آموگسگاه برای دانش  
 آموگان مفید نباشد اطاق مطالعه محلی است که کودکان تجربیات و  
 اشکالات و سؤالات و نکات حالت توحهی که یافته اند در آنجا مورد  
 مطالعه قرار میدهند و از انوار بویی که از تجربیات دیگران میتاند  
 بهره مند میگرددند و از حرمس عمل و تجربه حقایق از آغار خلقت تا  
 کنون که در کتابخانه انباشته شده است حوشه های چپسند ارتباط بین  
 نظر و عمل عمارت از آنست که به آنها کودک کاری انجام دهد بلکه  
 معنی کار خود را نیز درک کند و هم از آغار کار پرتوی از بیروی فکری  
 بر کارش بنبیده و اهمیت آنرا روشن کند و در عن حال چشم مشاهده کند که  
 هر اندیشه ای بطور مستقیم یا غیر مستقیم در زندگی آدمی مؤثر است  
 در اینجا میتوان صمناً از اهمیت جمعی کتاب و مطالعه در تعلیم  
 و تربیت آگاهی یافت بدین معنی که بطور محسوس ادراک میکسیم  
 هر گاه کتاب را حاشین تجربه نمائیم از هدف اصلی تعلیم و تربیت دور  
 میشویم ولی در عن حال باید ادعا کنیم که کتاب برای کمک تجربه  
 نهایت ضرورت را دارد در یک آموگسگاه ابدال همواره فعالیت و  
 عمل و تجربه حکمفرماست در گوشه ای آموگسگاهها و در گوشه دیگر  
 هر گاهها جلب توجه میکند مسائل شیمیائی و فیزیکی که در آشپزخانه



بدست می‌آورند و از مسمع و تاریخ پیدایش و چگونگی پیشرفت انواع و اقسام ماشین آلاتی که با آن مواد خام را تبدیل نمسوحات میکنند و موارد استعمال آنها کاملاً آگاه میشوند و از لحاظ نظری و عملی بر نظم و انضاط فکری خوی میگیرند گذشته از این در کارگاه کودکان با هر های ریما بیر که نوع کامل و بی نظیر کار آنهاست آشنا میشوند بدینقرار که از طرفی چون از اهمیت علمی و تاریخی کار خود آگاه شدند بتدریج با چگونگی تبدیل فکر بعمل و ریختن افکار ریما در قالب آثار حاو دان آشنا میشوند و از طرف دیگر با اهتمام در ایجاد نوع کامل و بی نقص کار کم کم به فکر ایجاد آثار طریف میافتند در یک مدرسه ایدآل باید وسایل زیر حتماً وجود داشته باشد نخست یک موره صنعتی که نمونه مواد اولیه مختلف و چگونگی تغییر و تبدیل آنها و همچنین ساده ترین ابزار را پیچیده ترین ماشین آلاتی را که برای کار کردن با این مواد ساخته شده است نشان دهد دوم یک مجموعه عکس و نقاشی هائی که مسمع و محل پیدایش این مواد را نشان دهد این مجموعه در حقیقت طرز پیدایش و تحول همرو علم و صنعت بشر را برای کودکان محسم میسازد سوم نمونه های کاملترین نوع مساحی مانند مسوحات ایتالیائی و فرانسوی و راپی و شرقی و غیره چهارم اشیائی که رنگ های مختلف پارچه و چگونگی تحول و پیشرفت آنها را نشان دهد ادبیات بیر از لحاظ مشخص کردن صنایع مهم جهان در تقویب و توسعه روح هنرپرستی کودکان اثر فرادان دارد مثلاً پیلوپ در ادیسه از لحاظ اینکه یک مرحله صنعتی زندگی اجتماعی را محسم میکند دارای اهمیت فراوان در پرورش روح هنرپرستی کودکان دارد از دوره هم تا امروز داستانهای بزماری راجع با آثار طریف و هنرهای ریما از کلک هر میدان تراوش کرده است

معمولی نگریست لکن صمناً اگر تصور کنیم هنرهای زیبا جدا از صنایع معمولی و یکنوع خاصی از صنعت است که تعلیم آن همه کس میسر نیست يك جنبه احباری و تصنعی بخود میگیرد من نمیگویم که کلیه صنایع طریفه را باید جز جره نکارهای دیگر مدرسه ارتباط داد لکن عقیده دارم که هرگاه بین هنرهای زیبا و سایر کارهای مدرسه ارتباطی موجود باشد بیش از پیش بر ارزش و قیمت هنرهای زیبا افزوده میشود البته بوجود آوردن هر اثر طریفی مستلزم آنستکه از اعضای فیزیکی خود مانند چشم و گوش و دست و صدا استفاده کنیم لکن این اثر طریف تنها محصول ارار فعالیت برحی از اعضای بدن نیست بلکه بوجود آوردن آن صمناً مستلزم داشتن فکریک استعداد حداداد برای تجسم معویات است در عین حال نمیتوان گفت که يك اثر طریف عبارت از مخلوق چند اندیشه یا عقیده ریبا است بلکه درحقیقت اتحاد رندهای من فکر و وسیله ارار استعداد های دانی است سا براین میتوان گفت که در يك مدرسه ایدآل هرهای ریبا و آثار طریف در حقیقت همان آناری است که در کارگاه بدست میآید منتها از قرع و اسبق کتاخانه و موره عمور نموده و ریدائی و طرافت بی نظیری حاصل میکند

برای روشن کردن این موضوع کارگاه نساجی را مثال میآوریم البته منظور کارگاه نساجی مدارس نمونه ای است که خوشحخانه امروز برعهده آنها فوق العاده افزوده شده و درآییده ردیکی باید درسرتاسر جهان جانشین مدارس ناقص کسوی گردد این کارگاه نساجی عبارت از محلی است که در آن شاگردان بدوختن و بافتن و نساجی اشتغال دارند دراین کارگاه کودکان مستقیماً با مواد مختلف مانند اربشم و پنبه و کتف و پشم تماس حاصل میکنند و حواهی نحواهی در باره این مواد اطلاعات لازم

خارجی نخواهد داشت و آموزگار ناگیر بر خواهد بود کلیه وسائلی که در اختیار دارد متشتم گردد تا اندکی ریاضیات را با درس تاریخ مخلوط کند یا ارتباط درسی را با درس دیگر در مقابل چشم کودک مجسم سازد. مدرسه را با زندگی ارتباط دهید فوراً ملاحظه خواهید کرد که چگونه همه دروس خود بخود بهم مربوط میگردد.

گذشته از این هرگاه مدرسه بعنوان مجموعه واحدی، زندگی بعنوان مجموعه واحد دیگری مربوط گردد هدفها و ایدآلهای مختلف آن از قبیل تربیت و نظم و تحصیل دیگر اختلاف زیادی خواهد داشت و برای رسیدن بهر کدام از آنها ما ناگیر بتدریس درس جداگانه ای نخواهیم بود بلکه در اینصورت هدف اساسی مدرسه عمارت از پرورش توانائی و شایستگی کودک برای تطبیق با زندگی اجتماعی و خدمت کردن با اجتماع خواهد بود و هدفهای دیگر مانند نظم و انضباط و تربیت و کسب معلومات حرو و مراحل مختلف این پرورش در خواهد آمد.

لارم است چند کلمه دیگر در ساره ارتباط مدارس ابتدائی و دبیرستانها با دانشگاه بمیان آورم. موضوع اساسی در تعلیم و تربیت امروزی آنستکه عوامل مختلف آنرا طوری باهم مربوط سازیم که تبدیل مجموعه واحد ردهای گردد و با زندگی روزانه ارتباط دائمی و وحدت تر لرل ناپذیر داشته باشد کلیه داشتهای مقدماتی باید نمونه ای برای تأمین این وحدت گردد و ارتباط بین کار يك کودک چهار ساله را با کار يك دانشجوی دانشگاه تأمین نماید البته تا کمون دانشگاهها در این راه قدمهای برجسته برداشته اند و سعی کرده اند از افکار و پیشه‌ها و تجربیات دانشجویان دبیرستانها که برای ادامه تحصیل بدانشگاه داخل میشوند حتی المقدور استفاده نمایند لکن این اقدامات هنوز کافی نیست

که نقل آنها در تقویت روح هنر جوئی شاگردان بی تأثیر نیست از موسیقی نبر استفاده فراوان میتوان کرد و از ترانه‌های بیشماری که شعرا و موسیقی‌دانهای بزرگ در باره چرخ ساسی و سایر مظاهر هرهای ریاسروده اند مدد زیاد میتوان گرفت. خودکار گاه نیز باید مرین تصویرهای زیبا باشد که تحول تاریخی صنعت و جگونیکی تبدیل آنرا بهرهای ریاسر و آثار جاودان در برابر دیدگان کودک محسوم سازد.

بدیبطریق من سعی کردم این نکته را روشن کنم که چگونه میتوان مدرسه را با زندگی ارتباط داد تا کودک کلیه تجربیاتی را که در محیط حیوانه بدست آورده است در مدرسه بمورد استفاده گذارد و در عوض آنچه را که در مدرسه می آموزد در زندگی روزانه بکار برد و در نتیجه آن آموزشگاه تبدیل بیک مجموعاً متجاسس و رند گردد.

هرگاه ما همیشه اصل تشبیه مدرسه را با اجتماع در نظر داشته باشیم تفکیک دروس و حدائی قسمتهای مختلف مدرسه از میان میرود و کلیه تجربیات کودک دارای حنمه‌های جغرافیائی و هنری و ادبی و علمی و تاریخی میگردد. همه دروس مربوط بیک نوع زمین و یک نوع زندگی میگردد و ما دیگر در دنیا‌های مختلفی که یکی از آنها دارای حنمه جغرافیائی و دیگری واحد حنمه فیزیکی و سومی دارای حنمه تاریخی باشد سر بخواهیم برد و دیگر نخواهیم توانست تنهایی در یکی از این کرات زندگی کنیم و این حقیقت همواره در نظر ما محسوم خواهد بود که ما در جهانی زندگی می کنیم که همه چیز آن بهم مربوط است و کلیه دروس ناشی از ارتباط بین اجزای آن است. هنگامیکه کودک دائماً مواحه با ارتباط صریح قسمتهای مجرای این جهان واحد باشد بطور مسلم ارتباط دروسش بطور طبیعی تأمین میگردد و دیگر مسئله ارتباط دروس و حدود

شما يك مدرسه تجربی است و شاگردان شما در محیطی غیر از محیط شاگردان ما تربیت میشوند البته این اعتراض وارد است که تجربه ای که بدر دسته ای از شاگردان میخورد برای دسته ای دیگر هیچ فایده ندارد و یا لا اقل يك دسته از شاگردان اندازه دسته دیگر احتیاج به تجربه زیاد ندارد و گذشته از این تجربه مستلزم داشتن وسائل و فرائد و آرازی کامل است و آرمایش کنندگان باید تمام منابع لازم برای آرمایش را در اختیار داشته باشند و در عین حال در راه پیشرفت کار آنها هیچ مانع و اشکالی وجود نداشته باشد چنانکه امروز کلیه مؤسسات بازرگانی و صنعتی مهم و کارخانه ها و کارگاهها دارای آرمایشگاه های مکمل و منابع لازم و کافی برای آرمایش میباشند با اینهمه این نکته را نباید فراموش کرد که آرمایشگاه تنها حسه تجارتنی و انتفاعی ندارد و هدف اساسی آن افزایش سود تجارتنی يك مؤسسه بازرگانی نیست بلکه بین آرمایش کردن از لحاظ تجارتنی و کشف و آرمایش يك حقیقت و بین و یا يك طریق جدید منظور نگار بردن آن در محیط وسیع تر و برای جماعات بیشتر فری فراوان است و آنچه که در تعلیم و تربیت بیش از هر چیز دیگر ارزش دارد و مدار تمدن دنیا را تشکیل میدهد کشف حقایق جدید است البته باید چنین پنداشت که همه آموزشگاههای عملی و تجربی باید يك نوع باشد بلکه منظور اصلی آنست که وحدت قسمتهای مختلف مدرسه و ارتباط عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت باید از هر حیث تأمین گردد و برای بیل باین هدف میر باید حتی المقدور مدارس را بر بندگی حقیقی مربوط ساخت

بلکه باید کاری کرد که وحدت عوامل مختلف تعلیم و تربیت بطور کامل تأمین گردد و آن سدهائی که تعلیم و تربیت کودکان را از آموزش و پرورش بر رگ سالان جدا می‌کند بکلی درهم شکسته شود و تعلیمات ابتدائی و عالی یکسان گردد بطوریکه هر جسمی بسید که تعلیمات ابتدائی و عالی محرائی وجود ندارد بلکه فقط تعلیم و تربیت وجود دارد

البته امروز در بسیاری از کشورهای جهان و مخصوصاً در امریکا میکوشند علوم بطری را با عمل توأم کنند و در این راه بیر پیشرفتهای شایان حاصل شده است لکن سطر من این پیشرفت بسی ناچیز است زیرا همور در اکثر کشورهای جهان مدارس برای تعلیم و تربیت کودکان بعوض آنکه مشتمت بعمل و تجربه گردیدند تقدیرس علوم بطری و قرائت و کتاب متوسل میگردد آنچه که در امریکا در این خصوص پیشرفت حاصل شده است همور کم است و باید کاری کرد که آموزشگاه و دبیرستان و دانشکده بیش از پیش بهم مربوط گردند و وحدت آنها کاملاً تأمین شود دانشگاه باید برای کشف طریق صحیح تعلیم و تربیت و تدریس علوم سودمند و پرورش کلیه منابع خویش را نا اختیار آموزشگاه نگهدارد و آموزشگاه بیر در عوض تمذیل بیک آرمایشگاه گردد که دانشجویان عموماً و دانشجویان علوم تربیتی خصوصاً اصول و افکار خود را در آنجا مورد عمل و آرمایش گذارند و آرادانه به بحث و اسقاد پردازند و حمایت بوسی کشف کنند ما باید کاری کنیم که چگونگی ارتباط بین آموزشگاه و دانشکده نمونه‌ای برای تجسم وحدت تعلیم و تربیت باشد البته راجع بمصدرات افراط در پرداختن به تجربه ما زیاد ایراد میگیرند چنانکه شمد روزی یکی از آموزگاران بس از سر کشی بمدرسه عملی ماچین ایراد گرفته بود البته باید تصدیق کنید که آموزشگاه

علت موحی بیست که دانشگاه را از پیروی مقررات معمول خویش که دایر بر پذیرفتن تنها شاگردانی در دانشگاه است که تحصیلات متوسطه خویش را بدایان رسانید، باشد منحرف سازد بلکه تنها هدف عالی علمی یعنی در حقیقت ایجاد یک نوع آزمایشگاه تعلیم و تربیت علت موحی برای دانشگاه در نگاهداشتن یک مدرسه ابتدائی در محیط دانشگاه میباشد چس مدرسه ای عمارت از آزمایشگاه روانشناسی عملی است که در آن تحلیلات روح کودک بتدریج کسه نموده ظهور میرسد مورد مطالعه قرار میگردد و آزمایش کمکدگان پیوسته در تکاپوی عوامل و موحیاتی هستند که پرورش طبیعی کودک را تسهیل نماید

این مدرسه یک دانشسرای مقدماتی و یا سارمایی برای تربیت معلم و یا یک مدرسه نمونه تمام معنی بیست و بیرهدف آن اثبات اصول یا افکار تربیتی مختلف میباشد بلکه مقصود آن مطالعه در تعلیم و تربیت کودکان با توجه با اصول مسلمی است که روانشناسی باین توجه آورده است اما بر این دامنه کار این مدرسه فوق العاده وسیع است این مدرسه باید تعلیم و تربیت را بطراً و عملاً مورد توجه قرار دهد و محیطی بوجود آورد که در آن استعداد های ذاتی کودک بدون هیچ مانعی ابرار گردد و برای حل اشکالاتی که در راه این پیشرفت حاصل میگردد راهی بیابد

از لحاظ عملی این آره-ایشگاه تعلیم و تربیت باید یک رشته دروس عملی که مطابق با مراحل طبیعی رشد و پرورش کودک و مؤید استعداد و شایستگی و تجربه وی باشد پیدا کند و طبعاً این آزمایشگاه آنست که نوع و سمت و چگونگی موضوعاتی را که در حوزة احتیاجات حقیقی و توانائی کودک در دوره معینی است مشخص سازد و نیز معلوم

# روانشناسی تعلیمات ابتدائی

نکته ای که بیش از هر موضوع دیگر مورد علاقه و توجه اولیای شاگردان است آنست که بداند مدرسه از لحاظ نتیجه ای که برای کودک دارد تا چه اندازه مفید است زیرا آن پسران و دختران خویش را برای بدست آوردن نتایج شخصی و رسیدن به اهدافی خصوصی روانه مدرسه میکنند و چندان عذائتی اصول تعلیم و تربیت و مجاهدتی که باید برای اصلاح آن بکار رود ندارند مگر آنکه بدیدند که مدرسه میرود پیشرفت مدرسه و ارزش تعلیم و تربیت را با توجه بمشهودات خویش قیاس میکنند و وقت آنرا ندارند که هدف های عالی مدرسه را مورد توجه قرار دهد و با ارتباط تعلیم و تربیت با مسائل اساسی زندگی که مدرسه مورد توجه قرار داده است عنایت نماید هر مدرسه ای که بخواهد اعتماد اولیای شاگردان را بسست بخود حفظ کند و ممانع آن گردد که شاگردانش دسته دسته مدرسه را ترک و بمدرسه دیگری که ظاهراً فریبنده تر است انتقال یابند این نکته را نباید همیشه در نظر داشته باشد

با اهمیت باید فراموش کرد که بین مدارس معمولی و مدارس نمونه که تحت نظر دانشگاهها برای اصلاح اصول تعلیم و تربیت اداره میشود فرق فراوان است از لحاظ دانشگاه مهمترین جنبه کار یک مدرسه نمونه حسمه علمی آن بعضی سهمی است که در پیشرفت و اصلاح اصول آموزش و پرورش دارا میباشد تربیت یکمده شاگرد چندان



میبایستی حل کند آن بود که تعیین نماید دهن و دیای خارج از چه راههایی یکدیگر را تحت تأثیر قرار میدهند معنی این عقیده آن بود که در حقیقت در جهان دهن مستعلی وجود دارد که عوامل مختلف در آن مؤثر است و حال آنکه امروز روانشناسی دهن را بمنزله یکی از عوامل زندگی اجتماعی تلقی میکند که خودش تنهایی قادر با انجام کار و یا پرورش نیست بلکه پیوسته تحت تأثیر و تحریک عوامل اجتماعی قرار دارد و تنها از قوای اجتماعی تعدیه میکند و پرورش مییابد اصل وراثت مسمی بر آنست که بیروی فکری و جسمانی افراد میراث نژاد است که از اجداد بماند اما انتقال مییابد اصل تحول مسمی بر این عقیده است که دهن را نمیتوان بمنزله یک مال شخصی و انحصاری دانست بلکه ذهن مظهر ریح و کوشش و فکر بشر است و محیطی که در آن پرورش مییابد هم جسمانی و هم اجتماعی است و شاید بتوان گفت عوامل اجتماعی بیش از عوامل جسمانی در پرورش آن تأثیر دارد و اختلاف بن در بریت و تمدن بسته بچگونگی طبیعتی نیست که هرملتی اعم از وحشی یا تمدن ناآن مواجه میگردد بلکه بیشتر بسته بوراثت اجتماعی و محیط اجتماعی است

مطالعات دقیق در زندگی کودک اندک کرده است که آنچه دهن از لحاظ اجتماعی از اجداد خویش وارث برده است تنها وقتی در زندگی کودک اثر عمیق میبخشد که کودک در محیط اجتماعی مناسبی که در حور اسرار و خود نمائی عرایب اجتماعی باشد قرار گیرد طبیعت محرکات فیزیکی از قبیل نور و صدا و حرارت و غیره را تأمین میکند لکن اهمیت این عوامل و طرز اسناد از آنها بسته بآنست که محیطی که کودک در آن زندگی میکند چگونه نسبت باین عوامل عکس العمل نشان

گند که موضوع درس را چگونه باید بکودک آموخت که کاملاً جنبه طبیعی داشته باشد و حرئی از زندگی ویرا تشکیل دهد ما نمیتوانیم برای اطلاعات و یا مجهولات خویش در جهان تعلیم و تربیت حدی قائل شویم و هیچ دانشمندی از لحاظ علمی در باره عوامل روانشناسی سالهای مختلف زندگی کودک اطلاعات قطعی ندارد و این ادعا که بهترین موضوع درس برای سال معین دوره تحصیلی کودک یافت شده است ادعای بیموردی است زیرا موضوع درس هر قدر هم خوب باشد از آن بهترین میتوان یافت ایجاد يك آرامایشگاه تربیتی برای پی بردن بر مور تعلیم و تربیت کافی نیست بلکه بیشتر با اتکاء بمعلومات بیشتر است که ما میتوانیم معلومات جدیدی بدست آوریم مهمترین نتیجه تحریری آنست که عقاید شخصی ما را در دهن استوار و ایمن ما را بحقایق محکمتر میکند نکته اساسی آنست که آرادى شاگردان برای تحقیق و اکتشاف کاملاً تأمین گردد و رهیبه عمل کردن دروس بطری کاملاً فراهم شود و از اتکاء بمعلومات قشری و افکاری که سل ۱۰ سل ۱۱ باسان انتقال یافته است جلوگیری شود تنها در این مورد است که مدارس نمونه بمدیل يك آرامایشگاه حسی دردیای تعلیم و تربیت خواهد شد

اکنون باید دید که تعلیم و تربیت بویں چه اصولی را از روانشناسی کسب کرده است؟ اصول آموزش و پرورش جدید تا چه اندازه با روانشناسی تطبیق میشود؟ این نکته را تنها با مقایسه روانشناسی بویں و ارتباط مستقیم آن با تعلیم و تربیت و روانشناسی قدیم يك میتوان دریافت این مقایسه از سه لحاظ در حورتوجه است در گذشته روانشناسی دهن را بمنزله يك عامل مستقل و شخصی تلقی میکرد که با عوامل بیرونی تماس و ارتباط مستقیم داشت و تنها مسئله ای که روانشناسی

اطلاعات مبهم و ساده خارج گردد و حریمی از احتیاجات و مقاصد حقیقی کودک را که طبعاً اجتماعی است تشکیل دهد. از لحاظ دیگر روانشناسی پیشین در حقیقت روانشناسی معلومات و ذهن بود و معاطفه و کوشش زیاد اهمیت میداد. روانشناسی ساق از احساسات زیاد بحث میکرد لکن بحرکت چندان توجهی نداشت. درباره اینکه افکار چگونه از احساسات و برخی از فعالیت‌های ذهنی سرچشمه میگردد بحث فراوان نمیکرد اما لکن نامکان پیدایش افکار از احتیاج آدمی بعمل اشاره ای نمیشد و تأثیر عمل بر رفتار و حوی و طبع يك تأثیر خارجی تلقی میگردد اما حالا بقول ویلیام جیمس عقیده داریم که ذهن یعنی محیط احساسات و افکار ما يك محیط بانامهای است که از میان فعالیت‌های متعدد و بفرنج آن نمیتوانیم این حقیقت را درست تشخیص دهیم که وظیفه اساسی آن رهبری فعالیت‌های درونی ماست.

در اینجا برین اصول تعلیم و تربیت در روانشناسی خود بخود يك نوع هم‌آهنگی بوجود میآید تا چندی پیش تحصیل در مدارس از فعالیت‌های حقیقی و طبیعی کودک محروم شده و صورت هدف معینی را پیدا میکرد. اصول و قوای و اطلاعات مختلف و معینی پایه برنامه‌های تحصیلی را تشکیل میداد. اختلاف بین تعلیمات نظری و عملی تنها این بود که عده ای میگفتند بهتر است موضوع تحصیل کاملاً صریح و مجسم باشد و حال آنکه دسته‌ای دیگر از افکار مبهم و اصول کلی و اندیشه‌های بزرگان یعنی در حقیقت بوشنجات و افکار پیشینیان که در کتابها جمع آوری شده بود طرفداری میکردند اما در هیچ موردی تحصیل و تعلیم و تربیت را با رعایت و مصالح حقیقی کودک رفیق نمیدادند. ما را این اگر بخواهیم اصول روانشناسی

میدهد تنها بی مردن بچگونگی تأثیر نور در زندگی کافی نیست بلکه باید با اهمیت آن در فعالیت های اجتماعی بی برد کودک از راه تقلید و تلقین و عام مستقیم تأثیر و اهمیت عوامل اجتماعی بی میرد و در تحت تأثیر همین عوامل است که آنچه را بشر طی قرون متمادی با ریح و زحمات و اوان کسب کرده است کودک در طرف چند سال تکرار می کند

بطور کلی چه معلم بخواهد و چه نخواهد بی آموزش و پرورش و روانشناسی يك نوع عم آهنگی بتدریج ایجاد میگردد ربراهر دو هنکی بريك نوع حقایقی میباشد از آنجا که ذهن بر اثر تماس مستقیم با جهان رشد و پرورش مییابد برای تأمین احتیاجات تعلیم و تربیت باید کودک را مستقیماً با حقایق خارجی که در قالب جبرافیا و ریاضیات و دستور زبان و غیره ریخته شده است مربوط ساخت تاکنون این دروس تنها بعنوان شرح فعالیت های اسال در گذشته تدریس میشد و بهیچ روی جنبه اجتماعی نداشت و برای وادار ساختن کودک بمخالفت کمترین استمدادی از عریره اجتماعی وی نمیگردید بلکه آهورگار برای وادار ساختن ذهن کودک بفعالیت پیوسته بوسائل خارجی از قبیل تشویق و تنبیه و تقاضا و اندرر متشمت میگردید و حال آنکه تنها يك اشاره بوامل اجتماعی کافی بود که موضوع درس را کاملاً برای شاگرد روشن سازد تاکنون کسی درست نمیدانست که منتهای استعداد را از تعلیم و تربیت تنها رمایی میتوان کرد که درس بعنوان يك موضوع خارجی بر کودک عرضه نگردد بلکه روابط مسلم آن با زندگی و اجتماع روشن شود تاکنون فراموش شده بود که درس برای آنکه در رفتار و خوی کودک اثر قطعی و دائمی داشته باشد باید کاملاً هضم شود و از صورت

بیز باید یکسان باشد منتهی درس کودکان باید اندکی آسانتر باشد نتیجه این تصور آن بود که «زین دهن کودک و نزرگ هیچ ورقی قابل نمیشد و تنها مقدار تحصیلات را برای کودکان کم و برای بزرگان زیاد میکردند تمام معلومات بشر را بچند رشته و هر رشته را بچند بخش تقسیم کرده هر بخش را سال معینی از تحصیل اختصاص میدادند در تهیه برنامه بهیچ روی بمر اهل پرورش دهن توجهی نمیشد مگر اینکه درسهای آسانتر سالهای اول تحصیل اختصاص مییافت (هاکمان) درباره این برنامه بل تن تمسخر آمیزی چنین میگوید «گوئی خدا با آموزگاران حیرانها سر محمت و دوستی داشت که دیوارا بپنج قاره تقسیم نمود تا آنها بپنج قطعه را درست بپنج سال تحصیلی تقسیم کنند»

هرگاه ما پرورش دهن عقیده داشته باشیم از آنجا که این پرورش مراحل مختلف دارد باید بک تغییر اساسی در اصول تعلیم و تربیت امروری قابل شویم و مسلم است که انتخاب و طعمه مدی مواد تحصیلی باید با اتکاء بزمالیت دهن کودک در مراحل مختلف تحصیلی صورت گیرد و آنکه معلومات ساخته و پرداخته معینی برور بمعر کودک ورو رود

البته بپشهاد اصول بوین تعلیم و تربیت و همچنین اسقاد از وضع کوبی مدارس و تدکر لروم مبادرت بیک تغییر و تبدیل اساسی در تعلیم و تربیت بسی آسان است لکن اشکال در عملی کردن این اصول و افکار است باید دید چه مواد و اصولی در بیک مرحله معین تحصیلی سودمند و مؤثر خواهد بود؟ در اینجا بیز ما باید مجدداً آرمایشگاه متوسل شویم زیرا ما نمیتوانیم از پیش خودمان باین پرسشهای بفریح تعلیم و تربیت پاسح دهیم اصول تعلیم و تربیت عادی و قشری بفر بردرد بمیچورد ربرا متکی بر روانشناسی جداگانه ای است تفکر و عقل هم ما را ساحل

را، احقاقیق زندگی تطبیق دهنیم باید دست بیک تغییر اساسی در تعلیم و تربیت برنیم

سومین اختلاف روانشناسی حدید و قدیم مربوط بدهن است. توصیح آنکه روانشناسی حدید دهن را بمرله یک بیروی قابل رشد و پرورش میداند و حال آنکه روانشناسی قدیم دهن را قوه ناستی مینداشت روانشناسان قدیم عقیده داشتند که دهن دهن است و هیچ تغییری در آن حاصل نمیشود آنها بر آن بودند که دهن همیشه محیط یکسانی است زیراچه در کودکان و چه در بزرگان دهن متشکل از استعدادهای مشخصی است و تنها فرقی که بین دهن کودکان و سالمندان وجود دارد آن است که برخی از استعدادها مانند بیروی حفظه رودتر ابراز میشود و حال آنکه سایر استعدادها از قبیل قضاوت و استقراء وقتی ابراز میگردد که کودک پس از مدتی از راه ارحصط کردن و مطالعه افکار دیگران رهنیه را برای بروز این استعدادها فراهم ساخته باشد و تنها اختلاف مهم دهن کودکان با بزرگان بسته بمیراں معلومات آنان است آنها میگفتند کودک مرد کوچکی است و دهنش ببرد دهن کوچکی میباشد و از هر لحاظ حرار حیت بزرگی ذهن کودک فرقی با ذهن بزرگان ندارد بلکه دارای استعداد های ساخته و پرداخته از قبیل دقت و حافظه و غیره میباشد اما امروز ما عقیده داریم که ذهن قابل رشد و پرورش است و سا بر این پیوسته در حال تغییر و تبدیل میباشد و در مراحل مختلف زندگی توانائی و قدرت آن تغییر میکند البته از لحاظ مداومت زندگی ذهن تغییر نمیکند لکن در هر مرحله از زندگی کلیات و خصوصیات جدا گانه دارد در گذشته تحصیل همیشه متکی بر این اصل بود که چون دهن و استعداد های آن تغییر ناپذیر است موضوع درس کودکان و بزرگان سالان

زندگی خود کودک و محیط اجتماعی پیرامون آن انتخاب گردد  
موضوعاتی باید اختیار شود که در پرتو آن کودکان بتوانند بحال اجتماع  
بوسیله بازی و یا کارهای مختلف و یا تقلید صنایع و نقل داستان و تصویر  
تخیلات و مکالمه تمرین و آزمایش نمایند در مرحله اول باید موضوعاتی  
برای تدریس و تعلیم انتخاب شود که زندگی کودک و زندگی حیوانات  
و محیط اطرافش را دربرگیرد و سپس دامنه آنها اندکی وسیعتر گردیده  
و مربوط باشه،الات اجتماعی، خصوصاً مسائل مربوط به مسائل بین شهر  
و مملکت گردد و تدریج منتهی به تحولات تاریخی کارها را اساسی زندگی  
و مسائل اجتماعی مربوط با آنها شود این مواد تحصیلی نماید بصورت  
درس و مواد ساخته ای برای آموختن در آید بلکه باید از تحریبات  
خود کودک و فعالیتهای شخصی وی مانند سافهنگی، آشپزی، نقاشی و  
نمایش و مکالمه و مباحثه و داستان سرایی و غیره استخراج گردد این  
فعالتهای خود کودک باید در عین حال بهمرله عوامل مستقیم تعلیم و تربیت  
تلفی گردد و وسائل ابرار استعداد های ذاتی کودکان را فراهم کند  
این فعالیت های ذاتی باید طوری در برنامه مدارس رعایت گردد که  
ارتباط نزدیک بین دانستن و عمل کردن که از مشخصات اساسی این مرحله  
از زندگی کودکان است کاملاً محفوظ شود و لیسسه مدرسه در این دوره  
از زندگی کودک آن نیست که یک محلی مستقل از خانه برای پرورش  
فکر کودک ایجاد گردد بلکه معنی مدرسه در این مرحله از زندگی  
کودکان عبارت از مکانی است که در آنجا کودک تجربیاتی را که در خارج  
از مدرسه اندوخته است بطور مرتب تری تجدید نموده و آنها را روشن  
و کاملتر کند

در مرحله دوم تعلیم و تربیت که تقریباً از سن هشت یا نه سالگی

مقصود هدایت نخواهد کرد زیرا موضوع در اینجا يك موضوع عملی است و تنها با اجتهاد و آرمایش است که میتوان به نتیجه رسید هر گاه ما از کوشش در راه تجربه کوتاهی نکنیم و سخت سنت و اصول معمول بچسبیم و از تجربه و آرمایش احتراز خوئیم خوئیشن را حداً از استقرار اصول منطقی و عقلانی در تعلیم و تربیت محروم میکنیم

نکاتی که در اینجا بدان اشاره میکنیم مربوط تحقیقاتی است که تنها در طرف پنج سال اخیر در راه سوق تعلیم و تربیت بشا همراه حقیقی صورت گرفته و اخیراً نتایج مثبت رسیده است البته این نتایج فعال حسمه کوشش های معدمانی دارد لکن راه را برای پیشرفتهای بیشتر و در حشاشتری بسور تعلیم و تربیت صحیح در آئیده هموار میسارد صمماً باید فراموش کرد که در موارد بشمارای بر اثر اهمال دولت، اشکالات مختلف از قبیل کمی بودجه و نداشتن ساختمان مناسب و یا پول برای پرداخت حقوق مکھی بآمورگاران مانع آن گردیده است که افکار جدید و اصول مثبت تعلیم و تربیت بویں جهانکه باید مورد اجرا در آید در حقیقت با افزایش عده مدارس و شاگردان بسیار دشوار است که بدون تسهیلات لازم بتوان بتحریمات حالب توجه در تعلیم و تربیت پرداخت

• در احصاء پاسخهای تعلیم و تربیت بتصورات و سؤالات روانشناسی نخست باید مراحل پرورش را بمیان آورد مهمترین مشحضات مرحله اول تعلیم و تربیت كودك (مثلاً از سن چهار تا هشت سالگی) عبارت از استعداده از رعیت های اجتماعی و ارتباط بن احساسات و افکار و عمل است و مهمترین نکته ای که باید مورد توجه قرار داد ایجاد زمیسه ای برای ارزش رعیت ها و استعداد ها و تمایلات درونی كودكان است و بنا بر این موضوع درس و تعلیم و تربیت كودك در این سالها باید از صور



و تربیت است زیرا تاریخ امریکا بهترین موضوع برای نشان دادن و محسوم کردن روح بردباری و شجاعت و ابتکار و قسوت دائمی بشر برای پیدا کردن وسیله و طرز و اثاق آمدن بر مشکلات است و گذشته از این موضوع آنقدر صریح و رنده است و باچمان سهولتی در حیطه تحولات و تحریبات کودک قرار میگیرد که سرعت حره و حدایات وی در میآید. نظر باینکه در این مرحله از زندگی تحصیلی کودک هدف اصلی از لحاظ اجتماعی ادراک عوامل اجتماعی است که منجر به حصول نتایج اجتماعی میگردد هیچ لزومی ندارد که تاریخ امریکا را از لحاظ تسلسل حوادث و نظم زمان برای کودک شرح و بسط دهیم بلکه چند مثال کوچک ارقمیل تاریخ شهر شیکاگو و با منطقه شمال باختری دره میسیسی پی و ویرجینیا و بیویوک و یا بیواینگلد کافی است مراد اصلی نشان دادن تنوع آب و هوا و اوضاع محلی و اشکالات مختلف و وسائل حل این اشکالات و حکومتی عادات و سنت اقوام مختلف است و برای بیل بمقصد باید بحرفیات برداحت و محیط پیرامون هر منطقه و اربار کار و طرز لباس پوشیدن و حوراک خوردن و چگونگی وسائل زندگی روزانه اهالی آن منطقه را کاملا از نظر کودک گذراند بطوریکه کودک بتواند عملاً بشرفت تدریجی ملل را دریابد و احساس کند و در مورد لزوم آرا تجربه نماید نه آنکه مقداری بر معلومات تاریخی خویش بیفزاید بدین وسیله عوامل اجتماعی و نتایج اجتماعی کاملا محسوس کودک میگردد گذشته از این کودک پس از مطالعه زندگی اجتماعی اقوام در گذشته و مقایسه آن با تمدن و مقتضیات کنونی اشکالاتی را که بشر در گذشته مرتفع ساخته است کاملا در مییابد و از طرز و اثاق آمدن بر مشکلات اجتماعی که در آینده ممکن است پیش آید آگاه میشود

شروع و درس یارده یا دوازده سالگی حتم میشود هدف تعلیم و تربیت آنست که کودک را در تشخیص تغییراتی که بر اثر تقویت حواس و تجربیات مرحله اول در ذهنش حاصل شده است کمک نماید و مهیل و برادر رسیدن به نتایج مثبت تر ارضاء کند و وسائل بیل نتیجه را با او ارائه دهد بدیهی است هنگامیکه کودک هدفهای مشخص تر و صریح تری در خارج تشخیص داد و وقتش متوجه بیل با آن هدفها گردید تنها اثر فعالیت ذاتی میل او را ارضاء نمیکند بلکه، ذاتاً باید احساس کند که کار مفیدی انجام میدهد و برای رسیدن به هدف معینی تلاش میکند بنا بر این شناختن اصول عمل یعنی وسایل مقتضی برای بدست آوردن نتایج اساسی و تعلیم طرز بهترین استفاده از این نتایج باید کاملاً در برنامه های تحصیلی رعایت گردد

در لحاظ تربیتی اشکال اساسی در انتخاب موضوع تدریس و یا تعلیم است، باید کاری کرد که تجربیات مهم کودک دسته بندی و تفکیک گردد و موضوعهای تحصیل طوری انتخاب شود که هر کدام اهمیت لزوم احرار تسلط بشر را بر عوامل طبیعت و طرز فکر و عمل صحیح را برای رسیدن به هدفهای عالی زندگی نیکو ترین و جوی مجسم سازد از لحاظ طرز تعلیم نیز اشکال تقریباً شصت و هفتگانه اشکال از حیث تربیت است بدین معنی که باید بوسائل مدبرانه کودک را بر آن داشت که لبروم تحول و تکاملی را در ذهن و روح خودش احساس نماید و طوری استعداد های ذهنی خویش را تقویت کند که هم بوسائل رسیدن بمقصد مسلط گردد و هم معنی نتایج کار و فعالیت خویش را دریابد.

مثلاً در امریکا تاریخ امریکا مخصوصاً دوران استعمار و آبادی از لحاظ اجتماعی بهترین موضوع درس برای شاگردان در این مرحله تعلیم

دارد از قبیل سفیدکاری و رنگ رری و صابون پری و شمع سازی و ساختن شقایهای سفالی و طرز تهیه مرابا و ترشی که منتهی بمطالعه برخی اراوامل شیمیائی و روعس و چربی و آهن کاری مقدماتی میگردد باید برای درس تجربی کودک انتخاب کرد مطالعه فبریک هم ارمین لحاظ عملی شروع میشود کودک باید راحع انتقال بیرو بجرحهای نافذگی و موارد استفاده اراصول مکابیکی در قفل و برارو و غیره و سپس در ادوات الکتریکی از قبیل رنگ اخمار و تلگراف و غیره مطالعاتی نماید

برای نشان دادن روابط بین وسیله و هدف از کارهای دیگر بیسر میتواند استفاده نمود از لحاظ هر باید، مسائل عملی مناظر و مرابا و نسبت بین اجسام و سطوح و موازنه و تأثیر احتلاط رنگهای متضاد و غیره اهمیت زیاد داد در آشپزی باید باصول ترکیب عداها و تأثیر عوامل مختلف در پختن عدا توجه نمود بطوریکه کودک کال نتواند حتی المقدور خود قوایی استخراج نمایند در حیاطی باید طرز برش و اندازه گیری را نخست با عروسک و سپس با پارچه بکودک تعلیم داد

بدیهی است که با ایجاد تنوع بین رشته های کار و علاقه کودک که منتهی به توسعه حس اشکار و استقلال کودک در درس مختلف میگردد باید دقت کامل کرد که این درس زیاد از هم جدا نباشد که در ذهن کودک اثرات مثبتت بحشد و عقیده وی را نسبت با امور جهان مهم سارد تا کمون راحع بیکگی از عوامل مهمی که در توسعه و سارسی تجربه تأثیر فراوان دارد یعنی سمبولهای اجتماعی یا قراردادی باشد سمبول زبان و سمبول مقدار و غیره بحث نکرده ایم اهمیت اس عوامل بحدی است که تقریباً ۶۰ تا ۸۰ درصد برنامه چهار یا پنج سال مدارس

منظور اساسی یعنی تطبیق وسائل با هدف باید کاملاً در تدریس این تاریخ رعایت گردد. از این لحاظ میتوان برای این درس دو جنبه قائل شد. جنبه جغرافیائی و جنبه تجربی چون همانطور که قبلاً یاد آور شدیم تاریخ ممسی بر شناسائی محیط طبیعی و مباح زمینی است که بسته بمسائل بشمارى میباشد باید عوامل طبیعی از قبیل کوه و رود و دشت و زمین و آب و هوای هر یک از ایالات اهمیت فراوان داد شناسائی این عوامل ایجاب میکند که کودکان پیوسته گردش علمی کسند تا حتی المقدور با مشاهده عینی حقایق را دریابند و سپس با نگاه ناآن حقایق کسک پیروی تخیل خویش تاریخ را تجدید کسند

حسه تجربی دائر بر مطالعه عواملی است که برای بشر ارزش مثبت دارد فعالیت کودک در دوران اول زندگی چندان تحقیقی نیست بلکه بیشتر جنبه تولیدی دارد و تمام مظاهر فعالیت وی مانند بازیها دو جنبه کار و حرمت دارد ولی بعداً سعی میکند در این نکته تحقیق نماید که چگونه عوامل مختلف را برای بدست آوردن نتایج مثبت باید با هم حور یا هم آهنگ ساخت. بنا بر این بخوبی میتوان دریافت که فعالیت کودک در این دوره با تجربه از لحاظ علمی که اختصاص بدوره متوسط دارد و دائر بر کشف حقایق و تحقیق اصول است کاملاً متمایز میباشد. بطر اینک در دوران اول زندگی کودک علاقه با انجام کار شدیدترین میل کودک است حسه تجربی درسهای وی بیشتر باید مطالعه در اطراف چگونگی انجام تجربیات علمی باشد و نه تحقیق در اطراف خود علوم که هم با میل و هم با توانائی و کسری وی منافات دارد در این مرحله از تعلیم و تربیت و کارهائی که در زندگی مردم مستعمرات اهمیت فراوان

خود کودک در کلیه شیءوں را، دگی اعم از کارهای مختلف و مکالمه و تجربه و غیره فراهم گردد بطوریکه شخصیت اخلاقی و فکری وی بر اثر احوال درپرداختن تجربیات دیگران که در قالب کتاب ریخته شده است پدید بگردد

( ۲ ) تجربیات کودک را باید طوری رهبری نمود که بیار توسل محصول تجربیات دیرین اجتماعی بشر را احساس کند لکن از این تجربیات بمنزله منع فیضی برای تقویت قدرت شخصی خویش استفاده نماید و نه آنکه علام حلقه بگوش افکار و تجربیات دیگران گردد وقتی این موضوع در نظر گرفته شود دیگر زبان و ادبیات و ریاضیات و درس دیگر حصه درسهای قبالی و مکابیکی بخود نخواهد گرفت و دیگریم آن خواهد بود که کتاب ارحدود و طبعه طبیعی و منطقی خویش خارج گردد و کاملاً در کودک را تحت تسلط خویش قرار دهد

لارم بتدکار بیست که همور اهمیت نکاتی که بدان اشاره نمودیم درست بر آموزگاران محسوس شده است چنانکه امرور همور در همه حاسکایت بلد است که با داخل کردن موضوعهای بوبن در برسامه مدارس توحه کودکان از دروس کلاسیکی و علوم پرمفر که موجب توسعه معلومات میگردم محرف میشود و در نتیجه آن سطح معلومات در مدارس بیش از پیش پائین میآید و حال آنکه خود تجربه و درس عملی بهترین وسیله تقویت بیروی فکر و توسعه معلومات کودک است و هر آموزگاری بعیان حمایت ریرا بچشم دیده است

( ۱ ) کارهای دستی و تجربیات علمی و عملی موارد بشمارای برای خواندن و نوشتن و هجی کردن پیش میآورد و باید از این فرصتها

استدائی با آنها اختصاص دارد

این عوامل اردو لِحاظ دارای حسه اجتماعی است زیرا اریکطرفی مظهر وسائلی است که جامعه در گذشته برای ادامه تحقیقات فکری و علمی خود تعمیم کرده است از طرف دیگر بمرله کلیدی است که کودک بوسیله آن میتواند در حراوه و گنجیمه های اجتماعی گرانهایی را که در دسترس تجربیات شخصی وی قرار ندارد، بگشاید اما ما آنکه معمول از دو لحاظ که ذکر شد دارای اهمیت خاصی در تعلیم و تربیت میباشد در اسفاده از آن باید شرائط جدیدی را رعایت نمود بطور کلی در یکی از دو صورت در میتوان از معمول استفاده کرد

(۱) وقتی که کودک از لحاظ تجربیات شخصی احتیاج بحصول آشنایی با حقایق اجتماعی و فیربکی داشته باشد تازه در این صورت باید جداً مانع آن شد که سهول حاشین مقررانی حقیقت گردد

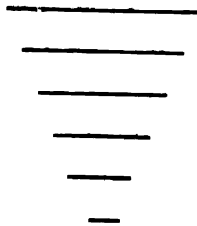
(۲) هنگامی که کودک برای حل مسائل و مشکلائی که برانز تجربیات شخصی وی پیش میآید نیازمرا حعه بکتاب دارد، بدیهی است که هرگاه کودک قبل از مراجعه بکتاب فاقد تجربیات شخصی باشد و مواحه با اشکالی نگردد بدون عطش فکری و آمادگی قلبی و بدون میل بتحقیق بکتاب مراجعه میکند و در نتیجه آن قوه تفکر و تحقیق وی پرورش نمییابد و این نقص چون توأم با میل شدید آدمی بمطالعه بمطور تحریرک نیروی تحیل و فرار از جهاں حقایق بدیای فر بسنده تخیلات گردد از بسیار نامطلوبی در زندگی کودک خواهد داشت

با این نکات زیر را باید همواره در نظر داشت

(۱) کاری باید کرد که زمینه باندازه کافی برای ابرار فعالیت شخصی

### خویش وسیله مساعدی پیدا کند

سومین مرحله تعلیم و تربیت ابتدائی مرحله ای است که درست  
 را مرحله متوسطه تماس دارد این مرحله همگامی شروع میشود که  
 کودک آشنائی کافی با حقایق مختلف پیدا کرده و با اندازه لازم بیروی  
 تحقیق و تفکر درباره مراحل مختلف تجربه در وی تقویب یافته است  
 که نتواند فرق بین دروس مختلف و هدفهای فنی و فکری هر درس را  
 از هم تشخیص دهد امید است با تجربیات گراممائی که طی سالهای  
 اخیر بدست آمده است نتوان از این پس احتیاجات و اشکالات تعلیم و  
 تربیت کودکان را در مرحله ابتدائی تشخیص داده و ابواب جدیدی را  
 بروی کودکان خویش بگشاییم



### حد اکثر استفاده را نمود

(۲) دروس تجربی و عملی بطور محسوس وقت كودك را ذخیره میکند و آنچه را كه كودك طی چند هفته و حتی چند ماه مطالعه درمییابد در پرتو تجربه، ممکن است در طرفی چند ساعت فراگیرد

(۳) استعمال سموم چه در خواندن و چه در ریاضیات و یا اشياء، تنهاخانه مکایکی ندارد بلکه برصراحت ذهن میافزاید و نیروی تفکر را تقویت میکند

بصارت دیگر تجربیات روز افزون نکات ریز را تقریباً روشن و مدلل ساخته است :

(۱) در سالهای اولیه، ضمن تدریس طرز شناختن و استفاده از سموم، كودك ممکن است نیروی تولید و اختراع وی موسل گردید از این راه كودك میتواند بطور صریح میران پیشرفت خویش را اندازه گیرد

(۲) عدم توجه باین حقیقت موجب آن خواهد گردید که برخی از مراحل فعالیت كودك بتعویب افتد و گذشته از این از آنجا که كودك از لحاظ عقلانی پرورش محسوس یافته است آنچه را که سابقاً صورت يك نیروی تولیدیه و محرکی داشت اکنون بمنزله يك کار بی بهره و حسته کننده ای تلقی خواهد کرد

(۳) در برنامه مدارس گاهی باید برخی دروس توجه کامل نمود و گاه از اوقات مدتی از توجه زیاد بدانها خودداری کرد یعنی بعضی آنکه جای مساوی برای دروس مختلف در برنامه قائل شویم، شاید تشخیص اهمیت دروس را خود كودك واگذار نمائیم تا بتواند آن دروسی را که مطابق استعداد طبیعی اوست انتخاب نماید و برای امر از تمایلات درونی



قبیلی بلزی و تفریح ها و حتی حرکات ناچیزی که بنظر ما بی نمر و شاید هم نامطلوب میآید در خور استفاده تربیتی است و شاید هم اساس تعلیم و تربیت بر همین فعالیت های طبیعی متکی باشد

(۳) این تمایلات و فعالیت ها را باید طوری رهبری کرد که بتوان از آن بفتح عموم استفاده کرد و با اتکاء به همین فعالیت ها باید جامعه بررگتری را که کودک بالاحرحه داخل آن میشود در پطرش مجسم کرد و همیشه این نکته را در نظر داشت که تنها بر اثر استفاده از این فعالیت هاست که میتوان بر اطلاعات و معلومات کودک افزود

وقتی بیک نماهیت این موضوع دقیق شویم ملاحظه میکنیم که آموزشگاه حقیقی باید نرحمان افکار و عماید فروبل باشد و اماقاً کوشش فراوان میشود که امروز در کلیه آموزشگاهها در تعلیم و تربیت کودکان از سن چهار سالگی تا دوازده سالگی این اصول مورد اجرا گذاشته شود با ایسهمه برای ایسکه این کوشش ها نتیجه مثبت رسد و روح افکار و عقاید فروبل کاملاً رعایت شود باید سرحی اصطلاحات حرئی و فی در آموزشگاهها حاصل کرد

## نظری بیازبهای کودکان

بازی کودک ناهیچ یک ار کارهای خارجی وی قابل معايسه نیست. بازی در حقیقت تا اندازه زیاد مشخص چگونگی فکر و شخصیت کودک است تنها بازی آزاد است که به بیکوترین وجهی تمایلات و رعبت کودکان را نشان میدهد. همانطور که شخصیت مرد بالغ وقتی به بهترین وجهی نمایان میشود که از فشار اقتصادی و لزوم تأمین زندگی دیگران و تعهد مسئولیت های سنگین و معین مصون باشد شخصیت کودک نیز هنگامی

# فصل پنجم

## اصول تربیتی فروبل *Froebel*

یکی از اشخاصی که در روز های اول تأسیس آموزشگاه نمونه دانشگاه شیکاگو از این آموزشگاه دیدن کرد تقاضا نمود که با آنچه کودکان را تماشا کند و چون بوی گفته شد که هورا، آنچه کودکان تأسیس شده است سؤال کرد آیا سرود و نقاشی و کار های دستی و بطور کلی توجه بروابط اجتماعی کودکان معمول است یا خیر و چون سوالات وی پاسخ مثبت داده شد، با حسن رضایت آمیزی گفت که اتفاقاً مطور وی از آنچه کودکان جز اینها چیز دیگر بیست و در این صورت این اظهار که آموزشگاه با آنچه کودکان ندارد بیمورد است این اظهار نظر اگر در ظاهر درست باشد در باطن کاملاً حقیقت دارد. بطور کلی آموزشگاه های امروزی در تمام مدت دوره خود که اختصاص تعلیم و تربیت کودکان از سن چهار سالگی تا سیزده سالگی دارد سعی میکند بر حی از اصول فروبل را مورد اجرا گذارد این اصول قرار زیر است

(۱) وظیفه اساسی آموزشگاه آنست که کودکان را بحال اشتراکی تربیت کند و حس هم بستگی و روح همکاری را بیش از پیش در آنها تقویت نماید و آنها را برای استفاده از این همکاری رهبری کند

(۲) ریشه هر فعالیت تربیتی در عرایب و تمایلات و استعداد های طبیعی خود کودک قرار دارد و نه در مواد خارجی از قبیل افکار و تمایلات و احساسات دیگران و بهمین جهت کلیه فعالیت های طبیعی کودکان از

نخواهد در باره ناری کودکان آراد است لکن قبل از هر اقدامی باید این دو پرسش را از خود ننماید .

حجت اینکه آیا نوع ناری که فرویل یادگیران پیشنهاد نموده اند کاملاً در حور شاگرد وی می باشد ؟ آیا ریشه این بازی در نهاد خود کودک قرار دارد و در پرورش قوایی که آنتی بحان وی افکنده است مؤثر خواهد افتاد ؟

دوم اینکه آیا ناری پیشنهاد شده تمايلات درونی کودک را طوری ارضاء خواهد کرد که برصراحت فکر و هیران معلومات وی بیفزاید یا تنها او را تحريك نموده و پس از ناری ویرادر همان حال اولیه با حرص و ولع بیشتری برای تحريك رباتتری در آینده باقی خواهد گذاشت ؟

هیچ شك نیست در اینکه فرویل با نهایت دقت و توجه در اطراف باریهای کودکان دوره خود و وسائل سرگرمی که مادران برای اطفال خود فراهم می کردند مطالعات گراسهائی نمود و بیز در کتاب « ناری مادر » با زحمت فراوان سعی کرد از این مطالعات اصول کلی گراسهائی استخراج کند و مخصوصاً این حقیقت بررنگ را نسل زمان خود افشاء کرد که کارهای اطفال تنها از آن لحاظ که بدست کودکان انجام مییابد فعالیتهائی بچگانه و بی ثمر بیست بلکه زمر پرورش آنها در همین بازیها بهفته است با اینهمه من بهیچ روی تصور نمیکنم که وی معتقد بود تنها باریهای که او پیشنهاد کرده است برای پرورش شخصیت کودک ارزش دارد و با آنکه تعریفهای فلسفی وی کامل و آحرین حرف است بلکه برعکس معتقدم که وی انتظار داشت پیروانش مطالعات ویرا ادامه داده و معوض آنکه بی تأمل به باریهای که او پیشنهاد کرده بود بچسبند در مقتضیات کنونی و تمدن امروزی برسپهائی نموده و روز بروز مکتب ویرا

به نیکوترین وجهی ابراز میگردد که کاملاً آزاد باشد و تحت تأثیر محرکهای خارجی قرار نگیرد. باری يك حقیقت بزرگ فلسفی را اثبات میکند بدین معنی که نشان میدهد مهمترین هدف کودک رشد و پرورش قوای جسمانی و ابرار استعدادها و قوای درونی است.

این تعریف البته خیلی کلی و در عین حال مهم است لکن هرگاه در جزئیات آن دقیق شویم و در چگونگی اجرای آن مطالعه نمائیم مشاهده میکنیم که برای توحه مفهوم حقیقی آن باید يك انقلاب بزرگ در وضع کودکانهای خویش حاصل نمائیم. هرگاه این تعریف را خیلی خشک تفسیر کنیم چنین معنی میدهد که چون باری مطهر روحیه و قوای درونی کودک است پیروی از دستورهای معین و اصول مشخص و طریقه های مختلف در باری کودکان هیچ نمری ندارد و بهترین طریق همانست که کودک را کاملاً آزاد گذاریم اما آموگاری که بطری وسیعتر و پیروی قضاوتی بیشتر از حد معمول داشته باشد در عین حال که از کتاب «بازی مادر» و سایر کتابهای فروبل و مریدانش دستور میگردد و برای انتخاب فعالیت های ویژه مراحل مختلف زندگی کودکان از افکار بدیع فروبل و پیروانش مدد میخواهد کلیه افکار و اصول فروبل را سطر انتقاد مینگرد و درست تحقیق و تفحص میکند که آیا پیشنهادهای فروبل کاملاً مقتضی شاگردانش میباشد یا اینکه این اصول و افکار تنها در شرایط و مقتضیات اجتماعی خاصی در گذشته مؤثر و سودمند واقع شده است زیرا پیروی کورکورانه از اصول پیشنهادی فروبل و پیروانش موجب آن خواهد شد که نتوانیم بعداً روح افکار نمر و اصول عالی و پرا در باره فعالیت ها و کارهای خارجی کودکان اجرا نمائیم.

هر آموگاری در تحقیق و با استمداد فکری از هر منبعی که

و مبهم در مدرسه ذکر کند. و حال آنکه امروز در امریکا و بسیاری از کشورهای مترقی باندازه کافی اوضاع اجتماعی نسبت آلمان در زمان فرویل تعبیر حاصل شده است که نتوان کارهای کودکان و آموزشگاه را طبیعی تر کرد و آنها را مو مو منطبق با حقایق جاری زندگی نمود. حتی میتوان گفت که عدم سازش اصول فلسفی فرویل با اصول سیاسی آلمان اولیای امور آلمان را نسبت بکودکستان مطنون ساحت بطوریکه عللای تربیتی ماسد فرویل را گریز شدند که حقایق ساده و روشن را منظور احتراز از فشار اولیای امور مستبد در لغافه توضیحات مبهم علمی مستور سازند

## تخیل و بازی

افراط در نگاه به سمولیسم بطور قطع در چگونگی پرورش بروی تخیل کودک تأثیر نامطلوب دارد شك نیست که کودک در جهان تخیلات سر میرد و از يك لحظ همیشه سعی میکند خود را در بازه حقیقت چیر هائی که مشاهده میکند متقاعد سازد فعالیت وی متکی بر جهانی است که او را احاطه کرده است و از آنجا که تمام اشیاء پیرامون وی نمونه و مطهر چیر های بزرگتر و حقیقی تر است میتوان گفت که تا اندازه ای در يك دیبای سمولیک سیر میکند. هرگاه اشیائی که پیرامون کودک را فرا گرفته است ماسد چیر هائی که بزرگان با آن سر و کار دارند حقیقی و صریح نباشند نتیجه آن خواهد شد که مغز بیش از پیش حسته شود و احساساتش بعد افراط نهیبج گردد و قوای روحیش تحلیل رود

در بسیاری از کودکانها این فکر رواج دارد که چون فعالیت

کاملتر و وسیعتر کنند. علاوه بر این تصور نمیرود که خود فروبل از میزان تربیتی که در زمان او در روانشناسی و فلسفه حاصل شده بود رضایت داشت بلکه برعکس او بیش از هر فیلسوف تربیتی آرزوی آنرا داشت که يك روانشناسی علمی و تجربی و عملی بوجود آید که بتوان اصول آنرا در تعلیم و تربیت کودکان حجت دانست و همین جهت است که در پیروی اصول فروبل هرگز نباید نظر انتقادی را از دست داد.

### سمبولیسم

باید یاد آورد که قسمت اعظم سمبولیسم فروبل نتیجه مختصات اساسی عصر او و مخصوصاً دو نکته زیر بوده است  
 نخست اینکه بر اثر اطلاعات ناقص آن زمان از روانشناسی و اصول علمی در باره چگونگی پرورش کودک فروبل ناگزیر توضیحات مابرسا و سطحی در باره نازی و تأثیر آن در رشدگی کودک اکتفا کرده است بطوریکه بدیده يك ناظر بیطرف کاملاً روشن است که بسیاری از توضیحات و تعریفات وی ناقص است و دلائل وی در باره مسائلی که امروز روانشناسی با آنها پاسخ قطعی و صریح داده است مهم مینماید  
 دوم اینکه سیاست عمومی و اوضاع اجتماعی آلمان در زمان فروبل طوری بود که تصور مداومت رندگی آراد و همشترکی در کودکان و جهان خارج مجال نظر میرسید بطوریکه فروبل نمیتوانست کارهای مدرسه را کاملاً منطبق با فعالیت جامعه نماید جامعه در زمان فروبل چنان در بند قیود بود و طوری تحت فشار حکومت قرار داشت که کارهای آنرا ممکن نبود نتوان در مدرسه سر مشق قرار داد بنابر این فروبل ناگزیر بود که اصول فلسفی و اخلاقی جامعه را بطور نمونه (سمبول)

که برای تعلیم اصول فلسفی و روحی بیشتر باید نیروی تخیل متشبت شد و حال آنکه این تصور نیز سی اساس است مرد بـالع فرق بین حقیقت و سمول و ارتباط آنها را با یکدیگر بیک تشخیص میدهد ولی چون ذهن کودک چندان وسیع نیست که حقایق دور را دریابد سمولی که بررگان را در ادراک حقایق فهم یاری میکند برای کودک هیچ نمری ندارد بطور کلی کودک از هر چیزی تنها معنی فیزیکی و حسی آنرا در مییابد هنگامیکه ما تصور میکنیم که حقایق معنوی را بوسیله سمول بکودکان یاد میدهیم درحقیقت مشعول تدریس مطالب مبهم و ارسائآنها هستیم بنا بر این موادی که در دسترس کودک گذاشته میشود باید حتی المقدور حقیقی و طبیعی باشد ایك سوع کار در کود کستان میرسیم

## نوع کار

خانه نامتعلقانش از قبیل انانیه و ترییات اطاقها و مبلمانا وهمچنین کارهایی که در آن انجام میگردد از آنجا که با کودک روابط مستقیم و حقیقی دارد و تصویر آن پیوسته در ذهن کودک نقش می سد بهترین موضوع فعالیت و کار در کود کستان بشمار میرود کارهای خانه در عین حال بآباده کافی حنمه معنوی و اخلاقی دارد که ار لحاظ اخلاقی احتیاحات روح کودک را تأمین نماید البته برنامه ای که تنها متکی بر کارهای خانه باشد نسبت برنامه برحی از کود کستانها چندان وسیع نخواهد بود لکن اگر بیک بگرم همین محدودیت برنامه خود دارای فوائد بشمار می خواهد بود زیرا وقتی برنامه کار کودک جلی و وسیع بود و شامل مسائل بردانه از قبیل صنایع و ارتش و مذهب وعیره گردید کار جنبه سمبولیک خویش را از دست میدهد و گذشته از این هضم قسمت بیشتر مواد این

کودک سسته به مخلوقات است که نیروی تخیل در ذهن وی ایجاد میکند و یا در مقابل دیدگاش مجسم میسازد بنا بر این بهتر است کارها و یا چیزهایی که برای سرگرمی کودکان انتخاب میگردد جسمه تصعی داشته باشد و اصلاح آنست که کودک را با احتیاط از چیزهای حقیقی بازداریم تا بر همین وکر غلط مشاهده میکنیم که اعبای کودک مثلا عبارت از آب پاشی ریک بجای دانه حقیقی است و یا اینکه مثلا کودک يك اطاق تصعی را با جاروب و پارچه های ورسی جاروب و گردگیری مینماید. عوض آنکه از کاغذ پشقاب حقیقی برداشکال هندسی مسطحی میسازد که هیچ شباهت پدشقاییکه در خارج از کودکستان مشاهده میکند ندارد. عروسکها، لوکوموتیوها، قطارها، اتوموبیلها و بطور کلی همه بازیچه های وی آنقدر از شکل حقیقی دور است که چندان تأثیری در پرورش نیروی تخیل وی ندارد.

این نظر کلی غلط است. نیروی تخیل کودک عبارت از آمیره ای ارافکار و تصورات و تلقیبات دهی در پیرامون چیزهایی است که اطراف ویرا فرا گرفته اند و هیچ شك نیست در اینکه هرچه اشیاء پیرامون وی طبیعی تر و حقیقی تر باشند اساس پرورش نیروی تخیل وی محکمتر و استوارتر میگردد. آشپزی و طرف شوئی و گردگیری معمولی کودکان که هیچ نتیجه عملی بوجود آن مترتب نیست ماسد همه ااریهای مبتدل آنها بی ثمر است. بنا بر این تا اندازه ای که موقعیت و محیط اجازه میدهد بازیهای کودکان و فعالیت های آنان باید مطابق بارندگی حقیقی و کارطبیعی گردد.

اما انتخاب فعالیت های حقیقی و طبیعی کافی نیست بلکه باید این فعالیتها را با ذوق فطری کودک بیزارتباط داد. برخی چنین میندازند



گذشته از این با برداختن باین کارها که ما هم بیوستگی خاصی دارند  
 حس مداومت که اساس دقت و هرگونه پرورش دهی است تقویت  
 میگردد .

اکثراوقات موضوع درس طوری است که این مداومت را از میان  
 میرد از لحاظ کودک و حدت بسته موضوع درس و کارهای آنی است  
 که شباهت فراوان نیکارهای خانه دارد هرگاه کودک لایطمع از یک  
 مرحله زندگی درحانه یک مرحله دیگر، از یک کار دیگر، از یک  
 معلوم معلوم دیگر، از یک رابطه برابطه دیگر بجهت اگرچه دقتش موقتاً  
 باین مراحل مختلف کار و فعالیت جلب میگردد با ایسهمه این دقت ناندازه  
 کافی نیست که مصالح لازم برای ساختن کاخ و حدت را چنانکه باید بطور  
 صریح تشخیص دهد و کاملاً شاعر، موضوع کار گردد کودک در تمام دوره  
 زندگی طفولیت در تجسس و حدت است و بیوسته سعی میکند که معلومات  
 خویش را درباره اشیا این جهان دردهن تصریح نماید و بستگی آنها را  
 با یکدیگر تشخیص دهد و از ربط دادن این معلومات تصویر روشنی در  
 ذهن اراشیا، این جهان رسم کند وقتی که موضوعهای تعلیم و تربیت  
 فوق العاده متنوع شد مداومت کار از میان میروود و شاگرد نمیتواند  
 معلومات صریحی کسب کند بنا بر این برنامه سال یا هفته و یا ماه مدرسه  
 را باید با اتکاء باین اصل تنظیم کرد که توانائی ذهن کودک برای فرا گرفتن  
 قسمتی از برنامه در این مدتها چقدر است و به آنکه سعی فراوان نمود  
 که حتی المقدور نکات اخلاقی و تربیتی و علمی بیشتر و متنوع تری در برنامه  
 گنجانده شود تنها از این راه است که میتوان کودک را بشاگرد حقیقی  
 تعلیم و تربیت هدایت نمود

برنامه از توانائی ذهن بکودک خارج است بطوریکه کودک تنها از این مواد عوامل جسمانی وحسی آنرا استخراج کرده و در خود ماده رسوخ نمیکند ضمناً یکی دیگر از خطرات این قبیل برنامه ها آنست که عکس العمل نامطلوبی در ذهن خود کودک میبخشد بدین معنی که چون کودک بسرعت فراوان و بدون تعمق همه چیز دنیا را بطور سطحی سیر کرد ذهنش اشباع میشود و عطش طبیعی وی سرای درک جزئیات مسائل از بین میرود بطوریکه هنگام دخول در آموزشگاه چنین احساس میکند مطالبی را که بوی تدریس میشود قبلاً فرا گرفته است اندی بطریق مشاهده میشود که فعالیت و کار سطحی در کودکان اطعمه بررگی بکودک میزند و مانع آن میگردد که از سالهای تحصیلی بعد چنانکه باید استفاده نماید

علاوه بر این کودک معتاد باین عادت خطرتناک میشود که از یک موضوع بموضوع دیگر پرداید دانست که اگر چه کودک دارای روح شکستنی و استقامت خاصی است با ایمنه تجدد و تنوع راه بسیار دوست دارد و از هر فعالیتی که ویرا بیدار تاره ای رهبری نکند و راه تحقیق و اکتشاف جدیدی در مقابلش نگشاید زود تر منفر میگردد بطوریکه طبعاً آماده برای فرار از هر موضوع قابل دقت است و بهمین جهت هر گاه برنامه کارش سنگین و زیاد متنوع باشد ماسد پریده ای سبک سر از این شاخ بآن شاخ میرود و در هیچ جا آشیانه نموسارد البته نباید تصور کرد که من طرفدار یکنواختی و مخالفت تنوع هستیم بلکه بر آنم که در کارهای خانه باندازه کافی تنوع و تجدد وجود دارد که عریزه تنوع جوئی کودک را چنانکه باید ارضاء نماید در کارهای خانه چه از لحاظ صنعتی و چه از جهات اخلاقی نکات قابل تعلیم و توجه فراوان است و

حس تقلید شدید اسب و بعلاوه ذهن وی کاملاً آماده برای تلقین میباشد و بیز هیچ شبهه نیست که بیروی ادراك نارس و معلومات مبهم وی باید پیوسته از حارج تقویت گردد لکن باید همیشه طرر استعاده ارحس تقلید و تلقین را (که کاملاً جسمه حارجی دارد) برای کمک بتعلیم کودک و تحريك عراير و تمایلات طبیعی وی تشحیص داد بطور کلی هر گز نباید تقلید را پایه و اساس فعالیت کودک قرار داد زیرا هر گونه فعالیت طبیعی که در پرورش شخصیت کودک اثر فراوان و مطلوب دارد و فعالیتی است که از بهاد خود کودک سرچشمه میگردد و محرکات حارجی در آن بی تأثیر است تنها اثر سرمشق آنست که کودک را در درك هدف خود کمک میکند که ذهن وی را در راه نیل بمقصود روشن تر میسازد ارزش و اهمیت سرمشق در آن بیست که کودک مو به مو از آن تقلید کند بلکه تنها برای راهمائی کودک در تصحیح اشتباهات و پرهیز از لعرض اسب و ندیهی اسب که هر گاه کودک ارقوای درومی و استعداد و دوق شخصی خویش برای انجام کار استفاده نماید کاملاً تابع سرمشق خواهد شد و بهیچ روی قوای طبیعی و استعدادهای شخصی وی پرورش نخواهد یافت بطور کلی اثر تقلید کمک بکودک در احتراز از اشتباهات و انجام کار بی نقص است و بهیچ وجه نباید آنرا بمنزله مایه کار و فعالیت تامی کرد

البته نباید تصور کرد تاموقعی که کودک ابرار میل نکاری نکرده است آن مورگار باید کاملاً مهر سکوت بر لب رند و از هر گونه تلقینی خودداری نماید بلکه يك مورگار کاردان و زیر دست بهتر از خود کودک از چگونگی عراير و منظورهای وی اطلاع دارد و میتواند با تلقین بمورد مبارز تمایلات فطری کودک و پرورش شخصیت وی کمک فراوان نماید اما این نکته را باید همواره در نظر داشت که تلقین باید تنها حبه محرکی

## طریق تعلیم و تربیت

موضوع اساسی در مراحل اولیه تعلیم و تربیت طمعاً آنست که تمایلات و عرایب طبیعی کودک را تشخیص دهیم و از آن طوری استفاده نماییم که کودک بیش از پیش بر نیروی ادراک و قضاوت خویش بپسندد و معتاد معادات مطلوبی گردد و بر امور زندگی مسلط تر شود هرگاه این نتیجه عاید نگردد باری و کارتهاخنه تفریحی خواهد داشت و هیچ گونه ارزش تربیتی بوجود آن مترتب نخواهد بود

بطور کلی کارهایی که نتیجه عملی و مثبت داشته باشد و کودک را وادار بساختن یا ایجاد چیزی نماید چه توأم با قصه و آواز و باری باشد و چه توأم باشد بهترین وسیله برای بدست آوردن دو نتیجه ربراست

(۱) تشخیص تمایلات و عرایب طبیعی کودک

(۲) تربیت و تقویت این عرایب برای پرورش شخصیت کودک

این قبیل کارها کودک را با مواد مختلف از قبیل چوب و حلیمی و پوست و بچ و غیره آشنا میکند و رهمیه را برای بکار بردن این مواد در موارد استعمال آنها فراهم میسازد، حواس را تحریک و نیروی مشاهده را تقویت میکند، کودک را وادار بر رسیدن به هدف معینی مینماید که بیل بدان مستلزم ارزیابی استکار و انداع است، دقت را متمرکز و حس مسئولیت شخصی را تقویت مینماید و بطور کلی چنان نتایج مثبت و صریحی از آن عاید میگردد که کودک میتواند بعیان نتیجه کار خود را ببیند و در بازه آب قضاوت نماید و بیش از پیش نتیجه کار خویش را اصلاح کند

بیمورد بیست در اینجا کلمه ای چند از روانشناسی تقلید و تلقین را لحاظ کار کودکستان بمیان آورم. در این نکته شك نیست که در کودک

بازرسی فعالیت و کار خود بفرایند مثل آنستکه قسمتی از وقت حویش را بهدر داده باشد

درخاتمه این نکته را نیز باید یادآور شوم که موضوع کار و طرز تعلیمی که بدان اشاره نمودم بیشتر مربوط بکار کودکان شش ساله (یعنی کار سال اول ابتدائی) است بدیهی است که تجدید کارهای خانه در مدرسه طبعاً مستلزم آنست که در کارهای اجتماعی که حابه بدان ارتباط دارد مطالعات بیشتری بمائیم و گذشته از این برانگیختن کودک با استعداد و شایستگی حویش در راه انجام کارهای حابه او را بر آن میدارد که بیشتر درباره مسائل متنوع رنگی دقت و تأمل کند. نباید فراموش کرد که تجدید نظر در اصول تعلیم و تربیت کودکان در مراحل اولیه رنگی بمطور تأمین مداومت تعلیم و تربیت بین کودکان و سال اول ابتدائی شاید تنها اراء اصلاح و تجدید نظر در برنامه سالهای اول ابتدائی صورت گیرد بلکه این تعبیر باید بطور تدریجی و غیر محسوس صورت گیرد و برای بیل باین منظور بفر کودکان باید همواره سعی کند که استعدادهای حفته و قوای حداداد کودک را طوری بیدار و آماده بکار و ادراک امور ابتدائی رنگی نماید که هنگام ورود بمرحله ابتدائی عاقلگیر و مبهور نگردد.



را داشته باشد و کارهایی را که کودک کور کورانه انجام میدهد واضح تر و صریح تر کند

بر اثر مشاهده رفتار کودک و دقت در روشی که سبب به تلقین‌های ما پیش می‌گیرد ما بخوبی میتوانیم درک کنیم که آیا این تلقین‌ها عامل مؤثری در پرورش شخصیت او میباشد یا آنکه کاملاً جسه خارجی دارد و از پرورش طبیعی شخصیت کودک جلوگیری میکند

عین همین اصل منتهی باشدت بیشتری در کارهای امری و دستوری صدق میکند هر گاه ما تصور کنیم حد فاصلی بین آراد گذاشتن کودک و توجه کامل تمایلات و عرایب وی از یکطرف و بازرسی فعالیت‌های وی بوسیله راهنمایی‌های مدبرانه امری و دستوری از طرف دیگر وجود ندارد دچار اشتباه بررگی شده‌ایم هر گاه نخواهیم منصفانه قضاوت کنیم باید تصدیق نمائیم و طیفه‌آمورگار است که تشخیص دهد در دوره‌های معین پرورش کودک چه قوانینی آماده برای خود نمائی است و چه نوع فعالیت‌هایی در حوز تشویق ابراز این قوا میباشد و بنا بر این چه وسایلی را برای ابراز این قوا و استعدادها باید تأمین نمود؟ مثلاً تلقین کودک بیادآوری چیزهاییکه قبلاً دیده است و یا نگاه کردن بطر کار شاگردان دیگر کاملاً برای راهنمایی فعالیت‌های يك کودک عادی بچساله کافی است تقلید و تلقین بدون شبهه از لحاظ کمک به ارضاء تمایلات و ابرار افکار کودک دارای ارزش فراوان است زیرا این دو عامل آنچه را که کودک بطور مبهم و درهم و برهم و بی‌نتیجه انجام میدهد صریح‌تر و روشن‌تر و هشتم‌تر میکند. از لحاظ روانشناسی میتوان گفت هنگامی معلم ناگزیر راهنمایی‌های دستوری و امری متوسل گردد که منظور و هدف کار کودک بروی معلوم نباشد و هر گاه کودک با بکار بستن این دستورها بر قدرت

الته میتوان این کار را تبدیل بکار بازرگانی نمود بطوریکه جنبه عملی یا جسمانی آن بر جنبه فکری و روحی کاملاً بچربد لکن در این صورت کار جنبه يك، عادتى را پيدا ميكند و ارزش تربيتى خود را كاملاً اردست ميدهد هر گاه در كارهاى دستى و با فراگرفتن حرفه تنها محصول و تهیه برخی اشیاء هدف اساسی باشد و شاگرد فرصت داده شود که يك نوع مسئولیت فکری در انتخاب مواد و ابزارى که بیشتر در حور کار باشد بعهده گیرد و با آنکه خودش نقشه کار را طرح و اجرا نماید تا شخصاً با اشتباهات خویش بی برد و راه تصحيح آنرا تشخيص دهد، کمترین ارزش و فایده تربيتى و روحى آن مترتب نخواهد بود. بنابراین مادام که تنها نتیجه خارجى کار در نظر گرفته شود و جنبه فکرى و معنوى و تأثیر آن در پرورش استعدادهاى کودک در حین انجام عمل توجه نگردد کار را ممکن است کار دستى باميد لکن نمیتوان بر آن نام «کار مدرسى یا تربيتى» نهاد. البته شك نیست که نتیجه اعتياد زیاد بهر كاری آن است که آن كار كاملاً جنبه مكانيكى پيدا ميكند و كارگر بهیچ روی شاعر بمقصود و هدف كار حوش نیست و حال آنکه منظور ما از كار در مدارس آنست که شاگرد را حتى المقدور بمقصود و هدف كاری که انجام ميدهد آگاه و روشن سازد

كودك بر اثر اشتغال بهر كار مدرسى هم بايد بر تجربه و معلومات خود بيفرايد و هم از هدف و ارزش حقیقى آن كار آگاه گردد. مثلاً در ساجی هم كودك بايد بتدریج طوری كاردان و چابك گردد که نیروی فكر و دست بدون ارتكاب اشتباه بالعرشى نتیجه مطلوب را بدست آورد و هم با تحدید احتراعات بشر از آغاز تا پایان از ارزش اجتماعى كار خود كاملاً آگاه گردد

# فصل چهارم

## روانشناسی کار

مطور من از کار « فعالیت خاص » یا مربی بیست که کودک را از بیکاری و ناریکوشی باز دارد بلکه يك نوع فعالیت است که محرر تشخیصید برخی از صور زندگی اجتماعی بدست کودک گردد در مدارس و موبه منضم دانشگاه این نوع کار عمارت اربحاری و آشپزی و حیاطی و ساحی است

مهمترین نکته روانشناسی يك کار آسب که بین جنبه فکری و جنبه عملی آن موازنه ای وجود داشته باشد البته این کار مانند هر نوع فعالیت جنبه مکانیکی دارد و رسیاه آلاب جسمانی مانند چشم و گوش انجام میگردد لکن مادرت این نوع کار در هر حال مستلزم مشاهده دائمی ابزار و آلات کار و تعقل و تعکر است زیرا در هر اینصورت نتیجه عملی مطور از کار گرفته نمیشود سا برای این فرق این نوع کار را آسانی از کار معمولی که نخستین منظور آن بدست آوردن نتیجه تجارنی است يك میتواند تشخیص داد این کار مدرسی نا کار معمولی بیشتر از این لحاظ و برق دارد که هدفش در خودش نهفته است یعنی این کار فایده خارجی ندارد لکن کودک را بر آن میدارد که لایمطع برای بدست آوردن نتیجه عملی بدهن خود فشار وارد آورد و راه بیل معصود را پیدا کند و از این راه قدرت و کبری خویش را بیش از پیش تقویت نماید و استعداد های ذاتی و قوای فطری خود را پرورش دهد



مید و مضر و یا آبی و پایدار فرق قائل شویم

اما با همه این احوال باید تصدیق کرد که کودک بطور کلی بکارهای دستی همیشه علاقمند است نظری ناموزشگاههایی که بکار دستی توجیه میکنند این حقیقت را ثابت میکنند در خارج از مدرسه قسمت اعظم بازی کودکان کم و بیش یا میبازند و یا تلاش برای تکرار کارهای بزرگان است دلائل بشمار اثبات میکنند که میل و رغبت کودک با این قبیل کارها یک میل شدید و پایدار و در حور هر گونه استعاده تربیتی است و کارهای دستی بهترین وسیله برای تحریک میل و رغبت حقیقی کودک بشمار میرود و بیچ روی جنبه محرکهای موقتی و پایدار ندارد بطور کلی هر میل یا رغبتی از یک نوع غیره یا عادت میآید که متکی بر یک عزیزه اساسی و فطری آدمی باشد البته من نمیگویم که ارزش همه غرایز یکسان است و یا اینکه عرایر ما همه بی نقص است و پیروی از آنها در پرورش شخصیت ما مؤثر میباشد بلکه بر عکس عقیده داریم که برخی عرایر را بعوض ارضاء باید اصلاح کرد تا در زندگی بخورد اما این نکته را تأیید میکنم غیره ای که اساس رغبت و میل کودک را بکارهای دستی تشکیل میدهد یک نوع غیره پایدار و سودمند و شایسته پیروی است یکی از شیرین ترین ولدت حیرتین عرایر بشر همواره آن بوده است که مواد و قوای طبیعت را برای بیل بمقصود در تحت احتیال خویش در آورد و بوسیله آنها زندگی خود را تأمین کند و وسایل سعادت خویش را فراهم سازد بشر برای زنده ماندن همیشه ناگزیر بکار کردن بوده است . انسان بوسیله کار توانسته است بر طبیعت هائقی آید ، زندگی خویش را روز بروز بهمودی بخشد ، از قدرت و وسعت قوای خفته و خداداد روح خویش آگاه گردد ، بفکر اختراعات بزرگ

هر گاه در کار هر دو جنبه رعایت گردد هم کودک کار و حرفه ای فرا میگیرد و هم معتاد بانضباط فکری و روحی میگردد. نقص کارهای معمولی که برای پرورش و تقویت حواس تعلیم میشوند آنست که هدف مشخصی ندارند و حال آنکه در ردگی طبیعی افراد همیشه يك علتی برای هر کاری و يك احتیاجی برای نیل بمنظوری وجود دارد و در نتیجه هر فردی میکوشد وسائلی بدست آورد که او را در رسیدن بمقصود یاری نماید. احساسات طبیعی همیشه حسه کمک و محرکی را دارند لکن خود عایت و هدف کار بیستند.

کارهای دستی هر گاه از احتیاجات طبیعی و هدف اصلی خود جدا شود جنبه کارهای مکابیکی و با محرکی را پیدا نمیکند و برای تربیت و پرورش قوای کودک و تکمیل شخصیت وی بشیری ارزش ندارد.

همان اصل در فکر کردن معمولی بیرصدق میکند. فکر معمولی بیر خود هدف خاصی نیست لکن در عین حال بدون علت صورت نمیگیرد بلکه ناشی از احتیاج رفع اشکال و تلاش در راه پیدا کردن بهترین وسیله برای رفع آن و طرح يك نقشه دهی برای رسیدن بمقصود و اتحاد تصمیم های لازم برای پیشرفت تدریجی بطرف منظور است.

يك نکته تربیتی دیگر که روانشناسی کاربرد تصریح و روشن کردن آن تأثیر فوق العاده دارد تعیین محل میل و رعیت در کارهای مدرسه است. یکی از اشکالاتی که پیوسته برای رعایت میل و رعیت کودکان در کارهای مدرسه ذکر میکنند عدم امکان تشخیص و تفکیک امیال و رغبتهای کودکان است. میگویند کودک طبعاً دارای همه نوع میل و رعیت است. میل بد، میل خوب، میل بی شع و ضرر و عیره و بنا بر این بهایت ضرورت را دارد که بین امیال و رغبت های مهم و ناچیز و گذران و یا امیال

و سا بر این بار هم مشاهده میشود که اگر بگوئیم غرایز و امیالی که تا این اندازه بر ندگی کودک ارتباط دارد و هر روز هر از بار تحریک میگردد عرابزی پایدار و پر ارزش نیست از حقیقت فرسنگها دور شده ایم .

ماری یکی از اعتراضهای دیگری که بر ضد رعایت اصل رغبت در تعلیم و تربیت اقامه میکنند آنست که رعایت این اصل موجب آن میگردد که دقت و توجه ذهنی کودک پیوسته متعرق گردد و بطرف چیزهای متعدد جلب شود و از این رو مداومت فکری ویرا کاهلا متزلزل سارد اما این اعتراض هم وارد نیست زیرا هر کار دستی مثلا نساجی که در بالا بدان اشاره کردیم يك کار مداومی است و نه تنها چند روز بلکه ماهها و شاید سالها هم ممکن است دوام داشته باشد این کار نه تنها قوای روحی و جسمانی را متعرق نمیکند بلکه آنها را بیش از پیش برای نیل بمقصود و بدست آوردن محصول متمرکز و مچهر میسارد عین این حقیقت در مورد هر کار دیگری مانند خیاطی و آشپزی و آهنگری و غیره ببردق میکند . کارهای دستی بطور کلی همچون آهنربائی قوا و استعداد های متفرق فطری کودک را جذب و متمرکز ساخته و يك نیروی فیاض هم برای پرورش شخصیت کودک و هم برای بدست آوردن نتیجه مثبت ایجاد میکند و سا بر این مشاهده میشود که رعایت اصل رغبت در کارهای مدرسی نه تنها زیانی ندارد بلکه بهترین و مطمئنترین وسیله برای پرورش شخصیت کودک است .

یفتند و از کسب مهارت و شایستگی در استفاده از منابع طبیعت برای بهبود وضع زندگی خویش لذت برد. بطور کلی میتوان گفت کلیه کارهایی که مربوط بمناسبات اساسی انسان با دنیائی است که در آن زندگی میکند و هدف آن تأمین زندگی میباشد، ارقییل بدست آوردن حوراک برای سد جوع، تهیه لباس برای حفظ بدن در مقابل سرما و یا حرارت آفتاب، ساختن يك خانه برای زندگی کردن، همه متکی بر رعبت و میل حقیقی و فطری كودك است و باشکال میتوان ناور کرد امیال و رعبت هایی که از آغاز تاریخ پیدایش بشر تا کنون جوهر زندگی انسان بوده است امیال و رغبت‌هایی بی نمر و بی‌ماید است.

با اینهمه این نکته را نیز نباید فراموش کرد که این امیال نه تنها كودك را بر آن میدارد که فعالیت‌های اساسی نژاد بشر را تجدید کند بلکه او را بر میانگیرد کارهایی را بر که در محیط خود مشاهده میکند تکرار نماید. او پیوسته بزرگتران خود را مشغول بکار می بیند و هر روز با چیرهائی سرو کار دارد که همه محصول کارهای اجتماعی است هر گاه اشیائی را که كودك در زندگی روزانه خود با آنها تماس دارد از زندگی اجتماعی جدا کنیم مشاهده مینمائیم که چیر حالت توجهی باقی نمیماند نه تنها فعالیت های مادی بلکه فعالیت های فکری و معنوی و اخلاقی و روحی نیز در صورتیکه ارتباط با زندگی اجتماعی نداشته باشد اصلاً قابل اعتناء و توجه نخواهد بود

• لذا بر این علاقه غریزی كودك بکارهای اجتماعی بر اثر چیرهائی که پیوسته در پیرامون خود میبیند و با می‌شنود بیش از پیش تقویت میگردد در این راه لایق قطع افکاری برای وی ایجاد میشود و قوای خفته اش بیدار میگردد و بدون اراده نیروی ذاتیش بطرف کار و فعالیت میگراید

رعبت و میل کور کورانه کودک که تنها متوجه ارضاء عرابر شخصی است  
قدیمی فراتر نهاده اورا با اشیاء محسوس و اشخاصی که همیشه مورد دقت و  
توجه اوست آشنا ساخت

در سالهای اول دنیستان میتوان از موضوعهای زیر برای تعالیم و

تربیت و پرورش شخصیت کودک استفاده نمود

(۱) مطالعه در اطراف اشیاء طبیعی و روابط آنها با زندگی آدمی -

در سال اول میتوان دقت کودک را با مشاهده دقیق دانه و طرر رشد آن و  
نگاه کردن دقیق به نباتات ، درختان مختلف ، حیوانات و اوصاع  
حفر اقیانی زمین ، آب و هوا و روابط متقابل زمین و خشکی تقویت نمود  
مسئله اساسی از لحاظ تعلیم و تربیت آنست که بیروی مشاهده کودک  
را رهبری کنیم و میل و رعبت شدید وی را بمشخصات اساسی دنیائی که  
در آن زندگی می کند ارضاء نمائیم و يك محیط مساعدی برای جولان  
افکار و احساسات او ایجاد کنیم یعنی در حقیقت يك محیط زندگی طبیعی  
برای او بوجود آوریم

بطور کلی برای کودک پس جنبه اجتماعی کار و ارتباط آن با فعالیت  
های مختلف اجتماعی و علم از لحاظ قوای فیزیکی و بیروی طبیعت فرق  
زیادی وجود ندارد زیرا تنها اشخاص بزرگ در بر تو تفکر و تعقل میتوانند  
با این فرق بی برند و هر گاه ما بخواهیم کودک را اجباراً و ادا را باین تفکر  
نمائیم نه تنها در پرورش بیروی تعقل وی کمترین نتیجه نمیگیریم بلکه  
ذهن وی را بیش از پیش معشوش میکنیم برای کودک محیط پیرامون  
محیطی است که کاملاً جنبه محسوس داشته باشد و هر گاه ما بخواهیم این  
محیط را از هم منلاشی کنیم و اجرای آنرا منفرداً از نظر کودک بگذرانیم  
مثل آنست که طبیعت را از صورت حقیقی آن خارج سازیم و آنرا تبدیل

# فصل هفتم

## پرورش دقت

یکی از مهمترین مسائلی که امروز توجه علمای تعلیم و تربیت را بخود جلب نموده است آنست که کارهای کودکان را با تحصیلات و کارهای سال اول دبستان طوری وفق دهند که کودک پس از انعام دوره کودکان دبستان و دخول در دبستان حویشتن را در محیط عجیب و غریبی بیابد و در وادی حیرت و نداشتگی سرگردان نگردد

ساید دانست که موضوع مشاهدات و افکار اطفال کوچک همیشه اشخاص است و کودکان پیوسته در این اندیشه هستند که اشخاص چه میکنند، در مسائل مختلف زندگی چه روشی پیش میگیرند، بچه کارهایی مشغول هستند و بچه موضوعهایی توجه دارند؟ در حقیقت توجه آنها بیشتر جنبه شخصی دارد و تمایل و رعایت آنها نمیتوان زیاد اهمیت فکری داد اما از همین توجه آنها، اشخاص میتوان برای پرورش فکر آنها استفاده فراوان نمود، بدینقرار که اشخاص مختلف را بوسیله قصه‌های مدرانه و جالب توجه بوسیله یک سلسله حوادث بهم مربوط ساخت و با شرح احساسات و رفتار و افکار آنها قوای روحی و فکری کودک را بیش از پیش تقویت نمود

کودک در خانه همیشه با کارهای خانه و ارتباط خانه‌ها با یکدیگر و مناسبات آنها با دنیای خارج سروکار دارد اما در کودکان ممکن است ویرا با کارهای جامعه بطور وسیعتر آشنا کرد یعنی میتوان از

را در نظر داشت و متوجه بود که تنها دگر چند دستور و با تدریس چند اصل اخلاقی خشک چندان بدرد کودک نمیخورد

۳ - در سالهای اول تعلیم و تربیت کودکان دویروی مؤثر و اساسی در پرورش شخصیت کودک وجود دارد که متأسفانه بعوض آنکه ارتباط آنها رعایت گردد و از آن استفاده کامل بعمل آید بر اثر غفلت اولیای امور فرهنگ ما در مقابل هم قرار گرفته و تأثیر یکدیگر را حاشی می‌کند یکی از این دویروی تجربیاتی است که کودک اندوخته و از آن برای پرورش و گراو می‌توان استفاده فراوان نمود دیگری بیروی تخیل است که یکی از مؤثرترین استعدادهای ذهن شمار میرود مهمترین مسئله تعلیم و تربیت ابتدائی آنست که این دویروی را بعوض آنکه بطور جداگانه بکار اندازیم توأمأ مورد استفاده قرار دهیم امروز بطور کلی برخی از مربیان در استفاده از بیروی تجربه و بعضی دیگر در بکار انداختن بیروی تخیل راه افراط می‌پیمایند و در نتیجه هیچ يك از دو دسته به نتیجه مطلوب می‌رسد ارتباط بین افسانه و رؤیا و چیرهای غیر حقیقی با چیرهای حقیقی رعایت نمیگردد برخی از آموزگاران تشخیص نمی‌دهند که تخیل تنها بیروی تصور چیرهای غیر عملی نیست بلکه يك قدرت خالقه برای کمک ادراک مسائل دشوار این جهان است البته نکته اساسی آن نیست که لایمقطع کودک را بیاد چیرهایی بیداریم که قبلاً با آنها آشنا شده است و با آنکه توجهش را با اشیاء مألوس و محسوس جلب نمائیم بلکه باید ذهن کودک را درباره اشیائی که دیده است و نکاتی که قبلاً بدان برخورد و لسی اهمیتش را دریافته است روشن کنیم و این خود در حقیقت پرورش بیروی تخیل است. برخی از مربیان چس می‌پندارند که بیروی تخیل کودک همواره در پیرامون اساطیر و قصه های موهوم دوره های کهن چرخ میخورد و با آنکه پیوسته

## بجریات بی معنی و بی ارزش نمایم

بیروان تعلیم و تربیت نوین عالماً در تعریف اجسام محسوس مثلاً سنگ و پرتقال و گربه و غیره دوچار اشتباه میشوند بدینقرار که وجود و امکان بجهت شیئی را دلیل بر محسوس بودن آن میدانند و حال آنکه موضوع محسوس بودن و یا مبهم بودن شیئی يك موضوع روانشناسی است یعنی هر گاه آن شیئی را اندازه کافی توجه و دقت كودك را بخود جلب کند محسوس و گرنه مبهم است بهمن جهت است که اشیاء وقتی برای كودك وجود خارجی پیدا میکند که محسوس باشد و دقت و توجه ویرا کاملاً بخود جلب نماید

الته سرد يك شدن طبیعت ، وسیله ادبیات ، یا تحسّم يك درخت كاخ وسیله يك داستان حداب از اجاظ تقویت بیروی تحیل و توسعه فكر كودك بی ارزش بیست لکن هر گز ما صد تماس مستقیم با خود شیئی دهن كودك را درباره اشیاء این جهان روشن نمیکند معارب دیگر موضوع اساسی آن بیست که فكر كودك را طبیعت ارتباط دهیم بلکه ارتباطی را که بین كودك و جهان خارجی طمعاً وجود دارد باید صریحتر و روشن تر کنیم

۲ - بیوستگی کلیه مطالبی که بکودك تعلیم و یا تدریس میشود باید طوری روشن و محسوس باشد که كودك بعین مشاهده کند کلیه عوامل زندگی از سات گرفته تا حیوان و عوامل جغرافیائی و آب و هوا و بازی و غیره همچون حله های رنجیر بهم بیوسته اند و بر طبق اصل علیت هیچکدام تسهائی نمیتواند وجود خارجی داشته باشد در سالهای اول تحصیلی بیازیادی بآموختن خواندن و نوشتن بکودك نیست ، اینهمه اگر خواندن و نوشتن برای كودك لازم بنظر رسید باید همیشه اصل وحدت و مداومت



دقت غیر ارادی میخوانند .

کودک بطور کلی همیشه غرق در کاری است که میکند و همیشه کاری که بمیل و رغبت خودش شروع نموده است بروی تسلط کامل دارد و تمام دقت و بیرونی خویش را بدان مصروف میدارد لکن با وجود نیروی زیادی که مصرف میکند از هدف فعالیت و کار خویش آگاه نیست هر گاه ما ویرا بهدی و مقصود فعالیتش آشنا کنیم و او را طوری رهبری نمائیم که آسانتر بهدف خویش نائل گردد ما داخل در مرحله پرورش دقت بطور غیر مستقیم و یا بقول برخی از کارشناسان تعلیم و تربیت دقت ارادی میشویم . وقتی نتیجه و هدف اصلی کار معلوم کودک گردید او نسبت بکلیه مراحل کار که نیل بنتیجه را تسهیل میکند ابرار علاقه و توجه میکند جزئیات کار و مراحل مختلف فعالیت که برای نیل بمقصد لازم است ممکن است مطلوب و حالب توجه نباشند لکن وقتی که کودک فکر میکند این جزئیات و مراحل مربوط بهدف و منظور اصلی اوست و بدون توجه بآن نمیتواند برآمد بجزئیات کار هم دقت میکند

اما دقت ارادی وقتی بطور کامل پیروش مییابد که کودک هدف خویش را بصورت مسئله یا معمائی در نظر آورد و سپس با کوشش و دقت شخصی بکوشد راه حل این مسئله را کشف کند کودک آن مثلا از سن هشت سالگی تا یازده و دوازده سالگی سعی میکند با کشف مراحل مختلفی که آنها را بهدف نزدیک میکند این مسئله یا معما را حل کند البته در مراحل اول زندگی این اکتشاف بیشتر جنبه عملی دارد لکن هر گاه بیرونی تفکر کودک تقویت یابد هدف را در ذهن خویش بطور صریح میبیند و سعی میکند بیرونی تفکر و مسائل بیل بمقصد را کشف نماید . در تدریس تاریخ میتوان برای پرورش دقت کودک مسائلی را تدریس کرد که مستلزم مباحثه و تبادل نظر است هر گاه ما بوسیله مباحثه

مشغول ترسیم و نقاشی برده‌های افسونگری درباره آفتاب و مهتاب و ستارگان است و حتی برخی از آنان پیشنهاد کرده اند که علوم در ادوار اولیه تحصیلی طوری در لفافه اساطیر پیچیده شود و با چنان صورت افسونگر و حذابی بکودک تدریس گردد که نیروی تخیل شگرف کودک را ارضاء نماید اما خوشبختانه این تصور آقایان مریبان بیشتر شامل کودکان معدودی است که قوه تخیل آنان از حد معمول خیلی بیشتر است و با شاگردان عادی فرق بسیار دارند. نیروی تخیل اکثریت کودکانی که ما با آنها هر روز سروکار داریم معمولاً در اطراف حوادث عادی خانواده و محسوسات زندگی ارقیبیل پدر و مادر و برادر و دوست و رزوق و قطار و راه آهن و گاو و گوسفند و زندگی شاعرانه روستائیان و بیشه و جنگل و کرانه و کوه و غیره دور میرسد. هم مابیشتر باید مصروف بدان گردد که زمینه را طوری فراهم سازیم که کودک بتواند حرمان آرمایشهایش را بهتر و آزادانه‌تر با دیگران مبادله کند و اطلاعاتش را آسانتر در معرض استفاده دیگران قرار دهد تا هم ناشتاهات خود برخوردار شود و هم بر اثر تماشا نظر با سایرین بر معلومات خویش روز بروز بیفزاید و گذشته از این نیروی تخیل خویش را بدیبطریق پیوسته در حال کار و فعالیت نگاهدارد و از حصول اطمینان درباره معلومات قلبی و کسب اطلاعات جدید لذت برد. هر گاه بخواهیم دقت کودک را بطور مدبرانه پرورش دهیم باید کاملاً در طریق تعلیم و تربیت کودک تجدید نظر نمائیم. در فصل‌های پیشین من از تمایلات شدید کودکان تا سن هفت سالگی نکسب معلومات بطور مستقیم و عشق با آزمایشهای نوین و شور فراوان تکمیل تجربیات ناقص و ابراز استعداد های فطری خویش در بازی و غیره بحث کردم. این روش در حقیقت همانست که برخی از نویسندگان آن ترا دقت آزاد و بعضی دیگر

مصنوعی خارجی با درس را طوری جذاب کن که کودک موقتاً بدان توجه نماید و با اینکه وسیله تهدید ارقیبیل ممره که دادی، جلوگیری از ارتداد بکلاس بالانتر، حس و توییح و با فریادهای متوالی «گوش بده» دقت کن»  
 و غیره او را وادار بدقت نماید.

امادقتی که باین وسیله حاصل میشود اولاً ناقص و تجزیه شده است و ثانیاً پیوسته استگی بیک محرك خارجی دارد و هنگامیکه این محرك ارمیان رفت دقت نیر ناپدید میگردد و بدین طریق دقت ذهنی کودک هیچ روی پرورش نمییابد و ثالثاً هدف چنین دقتی تنها انباشتن جوابهای حاصر و آماده در ذهن برای برشش دیگران است علاوه بر این دقت حقیقی و فکری مستلزم قضاوت و تفکر و مباحثه است و نشانه آنست که کودک خودش موضوعی دارد که سعی میکند برای حل آن پاسخ مقتضی پیدا نماید و چون برشش اوشخصی است دقت وی بیش از پیش تحریک میگردد و معلوماتی که فرا میگردد کاملاً در ذهنش نقش می نندد.

لارم بتدکرنیست که تعلیم و تربیت معمول امروری متکی بر اصل تعلیم و تدریس مواد ساخته و پرداخته از قبیل کتاب و دستورهای خشک اخلاقی و سحراییهای یک بواخت معلم استوار است و کودک طوری موظف به پس دادن این معلومات ساخته و پرداخته است که کمتر فرصت برای پرورش دقت حقیقی و فکری وی پیدا میشود از آنجا که بدین طریق مکودک فرصت داده نمیشود مسائل را بمراسله مسائل شخصی تلقی کند و دقت ذهنیش طبعاً حبل گردد موضوع پرورش دقت ارادی روز بروز دشوارتر میشود و آموزگاران بی تجربه معوض آنکه دقت کودک را از راه آشنا کردن وی بهدف تقویت و پرورش دهند میکوشند وسیله تهدید یا تشویق یعنی بوسائل تصنعی و خارجی دقت او را پرورش دهند.

موضوعی را که مورد تردید است تبدیل بیک اشکال صریح نمائیم و چگونگی اشکال را کاملاً بنظر کودک روشن سازیم و سپس او را وادار نمائیم که با بیروی قضاوت شخصی خویش راه حلی برای این اشکال پیدا کند. پرورش دقت ذهنی کودک کمک فراوان کرده ایم. در علوم نیز ما میتوانیم کودک را از مطالعه عملی یک ماشین عکاسی بتدریج راغب سررسی مسائل علمی صرف ماسد اصول نور و اندازه گیری زوایا و غیره نمائیم. بطور کلی پرورش دقت ذهنی و فکری کودک یکی از مهم ترین مسائل تعلیم و تربیت کنونی است. کسیکه نیروی دقت ذهنی را کسب کند و بتواند مسائل را باصراحت و نظم خاصی در ذهن خویش جای دهد معتاد باضطاط و کوری خواهد گردید و بیروی قضاوت وی نیز روز بروز محکمتر و استوارتر خواهد شد. بدون این دقت و انضباط فکری ذهن با ریچه ای دردست رسوم و سنن جاری غلط و تلقینات خانه بر انداز خارجی خواهد شد. یکی از برگزین اشتباهاتی که معمولاً مربیان ما در پرورش دقت مرتکب میشوند آنست که گمان میرسد کودک تنها وقتی نکاری دقت میکند که کاملاً بمیل و رغبت خویش آرا آغاز کرده باشد و هرگاه بدان کار دقت نکند علامت آنست که بدان کار هیچگونه میل و رغبتی ندارد. دروس مختلف از قبیل ریاضیات و جغرافیا و دستور زبان و غیره را بکودک تدریس میکنند و از او انتظار دارند که این دروس را کاملاً یاد گیرد. از دو حال خارج نیست یا کودک باین دروس میل و رغبت دارد و یا ندارد. هرگاه میل نفر اگر متن موضوع درس داشته باشد دقتش بطور غیر ارادی بدان جلب میگردد و کاملاً غرق در آن میگردد بدون آنکه فرصتی یا محلی برای پرورش نیروی دقت فکریش یسافت شود. هرگاه برعکس کودک رغبت و میلی بفرآ گرفتن این دروس ابراز ندارد آننگاه معلم بر طبق عادت و توانائی کودک و سابقه مدرسه سعی میکند بوسائل